

گنجینه

شماره‌های ۲۷ و ۲۸ - خرداد و تیر ۱۳۸۸ - جمادی الثانی و رجب ۱۴۳۰



تهران
خرداد ۱۳۶۸



کردستان

پیوند
ملت و مرجعیت



اردیبهشت ۱۳۸۸
قم

الله ALLAH MOHAMMAD ALIFATIMAH HASAN HUSAYN

Allah only desires to keep away the uncleanness from you,
o **Ahlulbayt** ! and to purify you a (thorough) purifying

(Holly Quran, Chapter 33, AL-AHZAB)



اسماء و القاب و کنیه‌های حضرت موعود علیه السلام

بخش سیزدهم

۳۲- نور آل محمد (ص)

این لقب مرکب، در حدیثی از حضرت امام صادق (ع)، از اسامی آن جناب (عج) شمرده شده است. همچنین در چند حدیث آمده است که منظور از آیه شریفه «والله متم نوره» این است که خداوند به ولایت قائم (عج) و ظهور آن جناب نورش را تتمیم می‌کند.

نیز در آیه «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا» مراد، روشن شدن زمین است به نور آن جناب (عج). در یکی از زیارات جامع، در اوصاف آن حضرت آمده است: «نور الأنوار الذی تشرق به الأرض عما قلیل».

برگرفته از: رضا استادی؛ خورشید غالب؛ التشارات مسجد مقدس جمکران؛ چاپ دوم؛ قم؛ ۱۳۸۳

از بیانات «مقام معظم رهبری» در دیدار با اعضای شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت «علیهم السلام» :
 گرچه انصافاً همین اخلاص و احساس مظلومیت در طول تاریخ برای توسعه شیعه
 کار زیادی کرده است... لکن گنجینه ما خیلی قوی تر و غنی تر از این حرف هاست...



سال سوم - شماره های ۲۷ و ۲۸
 خرداد و تیر ۱۳۸۸ - جمادی الثانیة و رجب ۱۴۳۰

فهرست مطالب

- سخن گنجینه (بیانیه مجمع به مناسبت ارتحال آیت الله العظمی بهجت) / ۲
 در سوگ بهجت (مطالب و گزارش هایی در ارتحال آیت الله العظمی بهجت) / ۴
 شورای عالی / ۱۲
 جشنواره بین المللی جایزه بزرگ مقاومت اسلامی / ۱۳
 پا به پای ولایت : اصلاح الگوی مصرف / ۱۴
 اخبار مجمع / ۱۷
 مجمع الکترونیک / ۱۸
 ویژه نامه از کلینی تا خمینی / ۱۹ تا ۴۲
 (ویژه کنگره ثقة الاسلام کلینی و بیستمین سالگرد رحلت امام خمینی)
 مجلات مجمع / ۴۳
 فتنه کلبانی / ۴۴
 جنایت تفرقه افکنانه در زاهدان / ۵۰
 نشست اجرایی همایش بین المللی امام سجاد علیه السلام / ۵۲
 گزیده ای از اخبار اختصاصی خبرگزاری ابنا / ۵۴
 خلاصة المواضيع باللغة العربية / ۵۶
 مجله کے موضوعات کا خلاصہ / ۵۷
 Abstractos / 58
 Abstracts / 59
 مجمع ادب / ۶۰



* گنجینه مجمع از اخبار، مطالب، نظرات و
 پیشنهادهای خوانندگان استقبال می کند.
 * ترتیب مقالات و موضوعات مجله، تابع امور
 فنی و هنری است و گنجینه مجمع در اصلاح
 مطالب آزاد است.
 * مسؤولیت مقالات و آراء، بر عهده
 نویسندگان آنهاست.

نشانی: قم، بلوار جمهوری اسلامی، مجمع
 جهانی اهل بیت علیهم السلام، طبقه اول،
 دفتر مجله و سایت
 تلفن: ۰۲۵۱ - ۲۱۳۱۳۲۳ و
 ۰۹۱۲۱۵۱۲۲۶۳
 نمابر: ۰۲۵۱ - ۲۱۳۱۲۵۸
 نشانی الکترونیک:
 akhbareshia@yahoo.com

مدیر مسؤول: صادق رمضانی گل افزانی
 سردبیر: سید علیرضا حسینی عارف
 مدیر اجرایی: حسین اختری
 مدیر داخلی: سعید مهدیان
 دبیر تحریری: رضا لک زایی
 مدیر هنری: مهدی نقوی
 صفحه آرایی: محمود کریمی
 لیتوگرافی: ایران
 چاپ: مجاب

گنجینه مجمع
 ماهنامه خبری - اطلاع رسانی
 مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام
 به کوشش:
 اداره روابط عمومی
 مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام



بیانیه مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام
به مناسبت
ارتحال آیت الله العظمی بهجت (ره)

بسم الله الرحمن الرحيم

یوم علی آل الرسول عظیم

در ایامی که پیروان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام سوگوار سالگرد شهادت یادگار پیامبر حضرت فاطمه زهراء (س) هستند، رحلت یکی دیگر از اسوه‌های پرهیزگاری و تقوا و استوانه‌های علم و فضیلت، شیعیان جهان را در ماتمی مضاعف فرو برد.

حضرت آیت الله العظمی آقای حاج شیخ محمدتقی بهجت فومنی طاب ثراه، که عمر با برکت خویش را در ذکر مدام و تهذیب نفس گذراند، علاوه بر پذیرش مسؤولیت خطیر مرجعیت و تألیف آثار متعدد فقهی، شاگردان علمی و اخلاقی بسیاری را نیز به جهان تشیع تقدیم نمود.

مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام این ضایعه مؤلمه و مصیبت عظمی را به محضر حضرت بقیه الله الاعظم (عج)، مقام معظم رهبری، مراجع معظم تقلید و عموم مردم مسلمان - بالخصوص بیت رفیع آن مرجع فقید - تسلیت گفته، علو درجات ایشان را از خداوند بزرگ خواستار است. امید است مردم قدرشناس و پیرو ولایت، با شرکت پر شور در مراسم تشییع و سوگواری، از این عارف کامل و خادم صدیق مکتب اهل بیت علیهم السلام تجلیل نمایند.

مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام

۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۸

بیان المجمع العالی لاهل البيت علیهم السلام
فی نعی
سماحة آية الله العظمی البهجة (ره)

بسم الله الرحمن الرحيم

یوم علی آل الرسول عظیم

فی هذه الأيام الحزينة التي يحيي فيها أتباع أهل بيت العصمة عليهم السلام مناسبة شهادة السيدة فاطمة الزهراء (س) بضعة النبي المصطفى (ص)، ارتحل الى الرفيق الأعلى أحد نجوم التقوى والعلم والفضيلة، فتضاعف بذلك عزاء الشيعة.

سماحة آية الله العظمی الحاج الشيخ محمد تقي بهجت طيب الله ثراه قضی عمره المبارك في ذكر دائم وتهذيب متواصل للنفس. مع تحمله لأعباء المرجعية وتأليف العديد من المصنفات الفقهية، وتربية جيل من التلامذة في مجال العلم والأخلاق.

والمجمع العالمي لأهل البيت - عليهم السلام - يتقدم بأحر التعازي لولي الله الأعظم أرواحنا لتراب مقدمه الفداء، ولقائد الثورة الإسلامية، ولمراجع الدين العظام، ولكافة المسلمين - وعلى الخصوص أسرة هذا العالم الفقيد - راجين له من المولى علو الدرجات.

هذا وكلنا أمل أن يساهم المؤمنون الموالون في مراسم تشييع وعزاء هذا العارف الكامل وخادم مدرسة أهل البيت عليهم السلام.

المجمع العالمي لأهل البيت عليهم السلام

۲۲ جمادی الاولى ۱۴۳۰

A condolence message from Ahlulbayt (a.s) World Assembly On the demise of grand Ayatollah Bahjat

in the name of God the compassionate the merciful

During the days of commemorating martyrdom anniversary of Hazrat Fatima Zahra (AS), the demise of one of the exemplars of piety and virtuousness, grand Ayatollah Bahjat, has redoubled the grief of the Shia world.

Grand Ayatollah Muhammad Taqi Bahjat who passed his life in self refinement, in addition to his acceptance of the position of Marja taqlid and compiling many works in jurisprudence, training many scholars.

Ahlulbayt World Assembly while presenting its condolence on this bereavement to Hazrat Baqiyatallah (A.S.), the leader of the Islamic revolution, all of grand Marji and the Muslim World, it also asks from Allah (S) the loftiness of his status in the hereafter.

It is hoped that appreciative people and vilayet's follower, by participating in his funeral procession, would glorify the position of this prefect mystic and the servant of the school of Ahlulbayt.

Ahlulbayt World Assembly

May 17, 2009

عالمی اہل البیت (ع) اسمبلی کا تعزیتی بیان بلسلسلہ وفات آیت اللہ العظمیٰ بہجت (رہ)

بسم اللہ الرحمن الرحیم

یوم علی آل الرسول (ص) عظیم

اس وقت - جبکہ پیروان اہل بیت (ع) - یادگار نبی صلی اللہ علیہ و آلہ و سلم حضرت فاطمہ زہراء سلام اللہ علیہا کی شہادت کی برسی کے موقع پر سوگوار و عزادار ہں، تقویٰ اور برہیز کاری کے اسوہ کاملہ اور علم و فضیلت کے ستون کے رحلت نے شیعیان عالم کو دوبرے سوگ میں مبتلا کر دیا۔

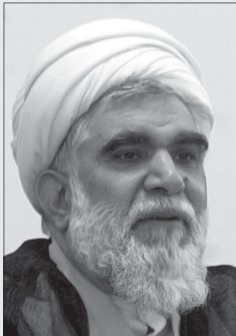
حضرت آیت اللہ العظمیٰ حاج شیخ محمد تقی بہجت قومنی، جنہوں نے اپنی پوری زندگی مسلسل تہذیب و تزکیہ نفس اور ذکر مدام میں بسر کی، نے مرجعیت کی عظیم اور سنگین ذمہ داری اٹھانے کے ساتھ ساتھ متعدد فقہی آثار کی تالیف کا فریضہ سرانجام دیا اور اپنے متعدد بزرگ شاگردوں کو عالم تشیع کے حوالے کیا۔

عالمی اہل البیت (ع) اسمبلی اس الم انگیز واقعے اور اسلام کی دیوار میں ناقابل تلافی دراڑ پڑ جانے کی مناسبت سے حضرت بقیہ اللہ الاعظم (عج)، رہبر معظم انقلاب اسلامی، مراجع تقلید، مسلمانان عالم - بالخصوص مرحوم مرجع تقلید کے معزز خاندان کے حضور تسلیت و تعزیت عرض کرتے ہوئے خداوند متعال سے مرحوم کے لئے درجات کی بلندی کی التجا کرتی ہے۔

امید ہے کہ قدرشناس عوام اور ولایت کے پیروکار آپ کی تشنیع جنازہ اور عزاداری کی مجالس میں بھرپور شرکت کر کے مکتب اہل بیت کے اس سچے خدمت گذار شخصیت کی تجلیل و تقدیر کا حق ادا کریں گے۔

عالمی اہل البیت (ع) اسمبلی

۱۷ مئی ۲۰۰۹



دبیر کل مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام:

آیت الله بهجت مایه آرامش و اطمینان بود



در پی ارتحال حضرت آیت الله العظمی بهجت

پیام تسلیت رهبر معظم انقلاب

در پی ارتحال عالم ربانی، حضرت آیت الله بهجت، رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیام تسلیتی، درگذشت آن فقیه عالیقدر و عارف روشن ضمیر را ضایعه‌ای جبران‌ناپذیر خواندند و این مصیبت سنگین را به حضرت بقیة الله ارواحنا فداه، علمای اعلام، مراجع عظام، خاندان مکرم و همه ارادتمندان آن بزرگوار تسلیت گفتند. متن پیام به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم
انا لله و انا اليه راجعون

با دریغ و افسوس فراوان خبر یافتیم که عالم ربانی، فقیه عالیقدر و عارف روشن‌ضمیر حضرت آیت الله آقای حاج شیخ محمدتقی بهجت - قدس الله نفسه الزکیة - دار فانی را وداع گفته و به جوار رحمت حق پیوسته است.

برای اینجانب و همه ارادتمندان آن مرد بزرگ، این مصیبتی سنگین و ضایعه‌ای جبران‌ناپذیر است: "تلم فی الاسلام ثلثة لا یسدها شیء". آن بزرگوار که از برجستگان مراجع تقلید معاصر به شمار می‌رفتند، معلم بزرگ اخلاق و عرفان و سرچشمه فیوضات معنوی بی‌پایان نیز بودند. دل نورانی و مصفای آن پارسای پرهیزگار، آیینی روشن و صیقل‌یافته‌ی الهام الهی، و کلام معطر او راهنمای اندیشه و عمل رهجویان و سالکان بود.

اینجانب تسلیت صمیمانه‌ی خود را به پیشگاه حضرت بقیة الله - ارواحنا فداه - تقدیم می‌دارم و به حضرات علمای اعلام و مراجع عظام و شاگردان و ارادتمندان و مستفیضان از نَفَس گرم او و بویژه به خاندان مکرم و آقا زادگان ارجمند ایشان تسلیت عرض می‌کنم و برای خود و دیگر داغداران از خداوند متعال درخواست تسلا و برای روح مطهر آن بزرگوار طلب رحمت و مغفرت می‌کنم.

والسلام علیه و رحمة الله
سید علی خامنه‌ای

۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۸ - ۲۲ جمادی‌الاولی ۱۴۳۰

«حجت‌الاسلام والمسلمین محمدحسن اختری» در ابتدای جلسه ماهانه مشاوران عالی مجمع، دقایقی پیرامون شخصیت علمی و معنوی حضرت آیت‌الله العظمی بهجت (ره) به ایراد سخن پرداخت.

دبیر کل مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام با تسلیت این ضایعه بزرگ به حاضران گفت: «حضرت آیت‌الله العظمی بهجت از اولیاء الله و بنده شایسته حضرت حق بر روی زمین بود و حقیقتاً - بر حسب آگاهی‌ای که ما داریم - شاید شخصیتی مانند ایشان که دارای این همه ابعاد معنوی، روحی و صفات والای عرفانی باشد را در حد و اندازه‌های ایشان نمی‌شناسیم».

اختری با ذکر اینکه آن مرجع فقید یک شخصیت فرید و بی‌نظیر بود اضافه کرد: «ایشان در حدود هشتاد سال در مسلک عرفان و تقوا زندگی کرد و در نهج زهد و عرفان حرکت نمود و یک زندگی بسیار زاهدانه و متواضعانه را پشت سر گذاشت».

دبیر کل مجمع فقدان آیت‌الله بهجت را فقدان برکت و فقدان رحمت دانست و تأکید کرد: «وجود اینگونه شخصیت‌ها بر روی زمین، امان و مایه آرامش و اطمینان است و خداوند متعال به برکت انفاس قدسیه و وجود مبارک اینگونه اشخاص، بلاها را دور و سختی‌ها را برطرف می‌سازد و به این ترتیب، بندگان خود را مورد لطف و عنایت قرار می‌دهد».

حجت‌الاسلام اختری با ذکر این روایت که "هرگاه مؤمن فقیه‌ای از دنیا برود فرشتگان آسمان سوگوار می‌شوند" ارتحال آقای بهجت را خسارت و زیان بسیار بزرگی خواند و گفت: «امیدواریم خداوند متعال به حکم آیه شریفه "مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَا أَوْ مِثْلَهَا" هر آیه‌ای را نسخ کنیم یا آن را به [دست] فراموشی بسپاریم بهتر از آن یا ماندنش را می‌آوریم" عوضی برای این خسران عظیم قرار داده، بر ما لطف کند و بندگان شایسته خود را در میان ما قرار دهد؛ چرا که آنان ذخیره‌های خلقت و صاحبان فضل و رحمت و برکت بر دیگران هستند».

دبیر کل در پایان ضمن دعا برای علو درجات برای این فقیه اهل بیت عصمت و طهارت (ع) آرزو کرد که خداوند متعال به پیروان اهل بیت علیهم السلام و حوزه‌های علمیه طاقت صبر و تحمل این مصیبت را عنایت کند.

آیت‌الله بهجت نوید پیروزی جنگ ۳۳ روزه را به ما داد



«حجت‌الاسلام والمسلمین سید حسن نصرالله» دبیرکل حزب‌الله لبنان در سخنانی که به مناسبت شصت و یکمین سالگرد اشغال فلسطین ایراد کرد رحلت ملکوتی آیت‌الله بهجت را تسلیت گفت. این عضو شورای عالی مجمع جهانی اهل‌بیت علیهم السلام در ابتدای سخنرانی خود گفت: «رحلت ملکوتی آیت‌الله العظمی محمدتقی بهجت را به تمامی مسلمانان، مراجع عظام به خصوص آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای، حوزه‌های علمیه، شاگردان و خانواده ایشان، تسلیت می‌گویم».

نصرالله اضافه کرد: «ما نیز در حزب‌الله از فقدان این مرجع عالیقدر که حامی روحی و معنوی حزب‌الله بوده ناراحت هستیم. ایشان از جمله اولین مراجعی بودند که در جریان جنگ تابستان ۲۰۰۶ نوید پیروزی را به ما دادند».

وی به ناکامی و اعتراف مسئولان اسرائیلی اشاره کرد و گفت: «صهیونیست‌ها شکست سنگینی را متحمل شده و در تحقق اهداف خود در لبنان ناکام ماندند. گزارش کمیته وینوگراد نیز بر این موضوع تأکید کرده و تمامی مسئولان و ارتش اسرائیل را مسئول این ناکامی دانست. ارتش و وزارت دفاع اسرائیل نیز چهل کمیته را تشکیل داده و شروع به بررسی مشکلات و خلل‌های موجود کردند».

نصرالله درباره رزمایش اسرائیل هم گفت: «ما در برابر دشمنی هستیم که در عین جنایت‌پیشگی و ددمنشی با احساس مسئولیت فعالیت می‌کند و دست به سلسله‌ای از بررسی‌ها و تلاش‌ها برای رفع خلل می‌زند. اما من باید خیال همه را راحت کنم و از نظر تحلیلی بگویم که اسرائیل دست به جنگی نظامی و غیرمترقبه خواهد زد. لبنان با توجه به دستورکاری دولت کنونی و دولت‌های قبلی، اسرائیل را دشمن می‌داند. این دشمن می‌گوید که ما می‌خواهیم به بزرگ‌ترین رزمایش تاریخ شصت و یک ساله خود اقدام کنیم. حال دولت لبنان چگونه با این امر برخورد می‌کند؟ در هر حال جدا از دولت و مسئولیت‌های آن باید تأکید کنم که مردم لبنان متوجه مسئولیت‌هایشان هستند و در طول تاریخ نیز این امر را ثابت کرده‌اند. در مناطق دیگر مثل سوریه، غزه و ایران اقدامات اتخاذ شده به ما ارتباطی ندارد ولی ما در لبنان کاملاً حاضر و بیدار هستیم و آمادگی کامل داریم و من نیز از هم‌اکنون این امر را اعلام می‌کنم و قصد ترساندن مردم را نیز ندارم؛ بلکه می‌خواهم به اسرائیل پیام بدهم که اگر فکر می‌کند ظرف پنج روز رزمایش می‌تواند دست به عمل غافلگیرانه‌ای بزند، اشتباه کرده و عنصر غافلگیری از بین رفته است. مقاومت آماده است تا در هر شرایطی از کرامت ملت و خاک میهن خود دفاع کند. اسرائیل نیز این حقیقت را می‌داند و نیاز به تهدید ندارد».

دبیرکل حزب‌الله لبنان به قدرت بی‌سابقه ایران و دستیابی این کشور به فن‌آوری هسته‌ای اشاره کرد و گفت: «اسرائیل شروع به متهم کردن ایران به استفاده‌های نظامی از فن‌آوری هسته‌ای کرد. شکست تلاش‌های مختلف برای تضعیف و منزوی کردن سوریه هم مسئله دیگر این رژیم است».

وی تأکید کرد: «پیام به ایران این است که اسرائیل هرگز با تلاش‌های هسته‌ای ایران کنار نخواهد آمد و اگر شما ایرانی‌ها به این فعالیت ادامه داده یا بخواهید اسرائیل را هدف قرار دهید ما آماده دست زدن به هرگونه کاری هستیم».

آیت‌الله بهجت عاشق اهل‌بیت و حامی تقرب بود



«حجت‌الاسلام والمسلمین هادی تهران» عضو شورای عالی مجمع جهانی اهل‌بیت علیهم السلام درباره آیت‌الله العظمی بهجت (ره) اظهار داشت: «نماز، زندگی ساده و زاهدانه، رفت‌وآمد به مسجد و حال و هوای ایشان در کنار مرقد حضرت فاطمه معصومه (س) درس اخلاق بود و هر کس ایشان را می‌دید، یاد خدا می‌افتاد. ایشان از مصادیق بارز "کونوا دعاة الناس بغیر السنتکم" به شمار می‌آمد که همه‌ی رفتارشان برای کسانی که آن مرحوم را

می‌دیدند، درس اخلاق بود و ایشان به جای سخن گفتن و درس اخلاق، مردم را با رفتار خود دعوت به حق می‌کرد».

وی توضیح داد: درس آیت‌الله بهجت، علاوه بر آموزش فقه، تدریس فقهات و آموزش اجتهاد و تهذیب و حتی آموزش نکات سیاسی و اجتماعی هم بود. ایشان پیش و پس از درس، نکات اخلاقی و اجتماعی و سیاسی را به مناسبت مطرح می‌کردند. برخی دوستان می‌گفتند، گاه در دل پرسشی داشتیم و می‌خواستیم بپرسیم، اما پاسخ خود را ناخودآگاه در مقدمات و مؤخرات دروس می‌یافتیم و افراد، تأثیرات اخلاقی را از دروس علمی ایشان می‌گرفتند.

وی ادامه داد: «مرحوم آقای بهجت، دائم‌الذکر بودند و در نفس ایشان یاد خداوند و اهل‌بیت علیهم السلام بود و حتی در فاصله دو عبارت که گوینده تنفس می‌کند، ذکر می‌گفتند؛ حتی در یک احوالپرسی عادی هم ذکرشان بر لب جاری بود. نحوه نماز و رفتار و حرم رفتنشان برای این بود که دیگران آداب ارتباط با اهل‌بیت و گفت‌وگو با خدا را یاد بگیرند؛ نه این‌که بخواهند توجه دیگران را به خود جلب کنند».

وی با اشاره به جامعیت و اخلاق آیت‌الله بهجت اظهار داشت: «ایشان در نماز اهل بکاء بودند، اما در گفت‌وگو با افراد واقعا با بهجت و سرور بودند؛ یعنی بسیار بشاش بوده و گاه شوخی‌ها و طنزهای ظریفی با رعایت همه ابعاد اخلاقی داشتند که شخصیت ایشان را بسیار جذاب‌تر می‌کرد. یکی از ویژگی‌های ایشان هم بذله‌گویی‌هایی بود که برای کسانی که دور بودند، چندان قابل درک نبود و شوخی‌های خاصی هم داشتند».

مرحوم آقای بهجت نسبت به مسائل اجتماعی و سیاسی هم گاه و بی‌گاه یادآوری‌هایی می‌کردند که توجه عمیق ایشان به این مسائل را نشان می‌داد.

این استاد حوزه و دانشگاه افزود: ایشان در عین عشق به اهل‌بیت علیهم السلام، از حامیان تقریب مذاهب اسلامی بودند. کلامشان در این زمینه، شبیه آیت‌الله بروجردی، قهرمان صحنه تقریب بین مذاهب بود و می‌فرمودند: مسائل شیعه و سنی مربوط به گذشته‌های تاریخی است و نباید این مسائل، باعث اختلاف شیعه و سنی شود، بلکه باید فضایل اهل‌بیت علیهم السلام و مرجعیت علمی ایشان را مطرح کنیم که همیشگی و ماندگار است.

هادی تهران با اشاره به ابعاد تأثیرگذاری آیت‌الله العظمی بهجت در حوزه علمیه، ایران و دیگر نقاط جهان گفت: «کم نیستند کسانی که در بیرون از ایران به ایشان ارادت داشتند، به ویژه در صفوف مبارزان و مجاهدان و به ویژه عزیزان حزب‌الله لبنان که بسیاری از آنان، شیفته آقای بهجت بودند. در شیعیان خاور دور هم کسانی که به برکت انقلاب اسلامی با راه اهل‌بیت آشنا شده بودند، از ارادتمندان آقای بهجت بودند».

تنظیم: مهدی مظاهری
عکس: خبرگزاری‌های اینا، مهر و فارس



گزارش مراسم تشییع و تدفین پیکر پاک آیت‌الله العظمی بهجت (ره)

پیوند ملت و مرجعیت

ساعت ۹:۳۰ صبح

جمعیت عزاداری است که در سوگ این عالم ربانی بر سر و سینه می‌زنند. نهادهایی همچون "رادیو معارف"، "نیروی انتظامی"، "مؤسسه تبیان" و "مؤسسه قوامین" که پوسترهایی از آیت‌الله بهجت منتشر کرده‌اند این تصاویر را بین مردم توزیع می‌کنند.

ساعت ۱۰:۳۵ صبح

بر اساس برنامه‌ریزی‌های قبلی، کامیون حامل پیکر، کاملاً سیاه پوش شده بود. اما مردم به دلیل عشق و ارادت که به مرجعیت و روحانیت دارند پارچه‌های مشکی را کردند و به عنوان تبرک برداشتند. هم اکنون ماشین بدون پوشش مانده است و نوشته‌های تبلیغاتی با مضمون "کارخانجات فرآورده‌های لبنی پاستوریزه اتسا" روی آن خودنمایی می‌کند و از شبکه‌های ملی و بین‌المللی هم پخش می‌شود!



البته زیاد هم جای نگرانی نیست؛ چون این کارخانه لبنیات متعلق به "انجمن تکفل و سرپرستی ایتمام قم" است!

صبح روز سه‌شنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۸۸. مردم سیاهپوش و عزادار کم‌کم در میدان جهاد شهر مقدس قم تجمع می‌کنند. مردم به دلیل محدودیت‌های ترافیکی و بسته بودن خیابان‌های ۱۹ دی (باجک)، ارم و شهداء، با سختی خود را به این مکان می‌رسانند.

به غیر از توده مردم و طلاب سوگوار، شخصیت‌های کشوری، لشکری و مذهبی نیز به مسجد مدرسه امام خمینی (ره) وارد می‌شوند. برخی از مراجع تقلید، «آیت‌الله جوادی آملی»، «حجت‌الاسلام والمسلمین محمدی گلپایگانی» رئیس دفتر مقام معظم رهبری و «حجت‌الاسلام والمسلمین حجازی» عضو این دفتر، «دکتر علی لاریجانی» رئیس و نماینده مردم قم در مجلس شورای اسلامی، «حجت‌الاسلام والمسلمین محمدحسن اختری» دبیرکل مجمع جهانی اهل‌بیت (ع)، «استاد فاطمی‌نیا»، «حجت‌الاسلام سقایی‌بی‌ریا» مشاور رئیس جمهور و «حجت‌الاسلام والمسلمین ملکا» رئیس دفتر مقام معظم رهبری در قم از جمله این چهره‌ها هستند.

آقایان محمدی گلپایگانی و حجازی سفر کردستان را ناتمام گذاشته و به قم آمده‌اند. این نشان‌دهنده علاقه و اهتمام مقام معظم رهبری به مرحوم آیت‌الله بهجت است.

ساعت ۱۰:۱۵ صبح

قرار است پیکر مطهر حضرت آیت‌الله العظمی بهجت از مقابل مدرسه عالی امام خمینی (ره) واقع در میدان جهاد به سمت حرم مطهر حضرت معصومه - سلام الله علیها - تشییع و سپس در جوار بارگاه کریمه اهل‌بیت (ع) به خاک سپرده شود.

خیابان‌های اطراف محل برگزاری تشییع پیکر این مرجع عالی‌مقام مملو از

زهر"، "یا مهدی" و "عزا عزاست امروز روز عزاست امروز مرجع تقلید ما پیش خداست امروز" از جمله نواهای مردم عزادار است.



ساعت ۱۱:۵۷ صبح

خودروی حامل پیکر مطهر این عالم ربانی لحظاتی پیش با عبور از خیابان ۱۹ دی و میدان آستانه و همراهی خیل عظیم تشییع کنندگان وارد حرم مطهر حضرت معصومه (س) شد. هر چند دقیقه یک بار دستان مردم یا برانکاردهای پزشکی، مرد یا زنی که از حال رفته است را به بیرون از جمعیت انتقال می‌دهد.



ساعت ۱۲:۰۵

هم‌اکنون در صحن آیین حرم مطهر، پیکر آیت‌الله بهجت برای برگزاری نماز از کامیون پایین آورده شده است؛ اما ازدحام جمعیت و بی‌نظمی معمول این مراسم مانع از برگزاری نماز است. صدای ضبط‌شده نماز میتی که خود آیت‌الله بهجت پیش از این اقامه کرده است از بلندگوها پخش می‌شود و مجری مراسم تلاش دارد نظم ایجاد کند.

ساعت ۱۲:۱۳

نماز بر پیکر مطهر آیت‌الله بهجت توسط «آیت‌الله جوادی آملی» و با حضور شمار دیگری از علما و مقامات کشوری و لشکری و با شرکت جمعیت پرشمار مردم عزادار آغاز شد. بیت آیت‌الله بهجت مصر بودند که نماز میت به وسیله شخصی اقامه شود که به آن مرجع مرحوم شباهت داشته و مشی عرفانی داشته باشد.

ساعت ۱۰:۵۰ صبح

مراسم تشییع پیکر آیت‌الله العظمی بهجت با حضور مراجع، علما و شخصیت‌های کشوری و لشکری ادامه دارد. مراجع معظم تقلید، «آیت‌الله هاشمی شاهرودی» رئیس قوه قضائیه، تنی چند از وزرا، اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و شمار دیگری از علما و مقامات کشورمان هم به مشایعت کنندگان اضافه شده‌اند.



ساعت ۱۱:۰۸ صبح

«آیت‌الله صافی گلپایگانی» و «آیت‌الله نوری همدانی» هم با حضور در جمع تشییع کنندگان، همراه با ده‌ها هزار نفر از مردم عزادار کشورمان در این مراسم شرکت کردند.

جمعیت تشییع کننده به حدی است که خودروی سفیدرنگ حامل پیکر مطهر این عالم ربانی در مسیر چند کیلومتری با کندی حرکت می‌کند. حضور انبوه جوانان و نوجوانان از ویژگی‌های این مراسم است. به علت ازدحام عظیم جمعیت، تعدادی از مردم با بام‌ها یا پشت پنجره‌ها نظاره‌گر تشییع بوده و بر سر و سینه می‌زنند و اشک می‌ریزند.



ساعت ۱۱:۲۲ صبح

محل تدفین آیت‌الله محمدتقی بهجت در مسجد بالاسر حرم مطهر حضرت معصومه (س) هم‌اکنون آماده شده و بسیاری از علما و مسؤولان در محل خاکسپاری این مرجع تقلید مستقر هستند.

«قالیباف» شهردار تهران و سه تن از کاندیداهای ریاست جمهوری دهم نیز در بین جمعیت عظیم تشییع کنندگان حضور دارند. شعارهای "لا اله الا الله"، "یا



سدرمگ آیت الله بهجت

محل دفن، در مسجد بالاسر حرم است؛ اما نه در جای معمول دفن مراجع. اگرچه ده‌ها تن از مراجع و علما در حرم حضرت معصومه (س) دفن شده‌اند اما مکانی که حضرات آیات صدر، خوانساری، گلپایگانی، اراکی، بهاء‌الدینی و فاضل لنکرانی - رحمه الله علیهم - دفن هستند شاخص‌تر به نظر می‌رسد. اما پیکر آیت الله بهجت نه در آن زاویه، بلکه در مقابل آن و نزدیک‌تر به ضریح مقدس به خاک سپرده می‌شود. «حاج علی نیکان قمی» فرماندار قم می‌گوید: این مکان را خود آن مرحوم انتخاب و به فرزندش نشان داده است.

«حجت‌الاسلام والمسلمین انصاری» از شاگردان آیت‌الله بهجت، که عمامه و عبا را درآورده است تلاش بسیاری برای انجام مراسم تدفین و تلقین به خرج داد. «حجت‌الاسلام علی بنایی» نماینده قم در مجلس نیز در کنار قبر دیده می‌شود.

فرماندار قم و «سیدعباس جوهری» رئیس سازمان ملی جوانان این شهر هم در کنار قبر هستند. جوهری دیگر از حال رفته و بالای قبر نشسته و گریه می‌کند.

ساعت ۱۲:۴۵

پس از اتمام تدفین، بالاخره با زحمات فراوان آقای انصاری و همراهان وی، آقازادگان و خانم‌های خانواده هم دقایقی کوتاه توانستند بر تربت آیت‌الله بهجت حضور پیدا کنند.

در مراسم خاکسپاری، «حضرت آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی» نیز حضور داشتند. آیات «راستی کاشانی» و «نصرالله شاه‌آبادی» نیز در چند متری قبر نشسته‌اند.

ساعت ۱۳:۰۰

با وجود اذان ظهر، همچنان تعدادی از شرکت‌کنندگان و عزاداران، در حرم و خیابان‌های اطراف دیده می‌شوند. به شهادت حاضران، این مراسم یکی از شلوغ‌ترین مراسم تشییع علماء در قم بوده است. برخی می‌گویند این تشییع بعد از تشییع «آیت الله العظمی بروجردی» در قم سابقه نداشته است. فرماندار قم هم این مراسم را بعد از تشییع «آیت الله العظمی گلپایگانی» بزرگترین مراسم وداع در قم خواند. هر چه باشد، این تشییع عظیم، حکایت از علاقه پرشور و ارتباط وثیق مردم و مراجع تقلید دارد.

حکایت همچنان باقی...

امروز دنیا سراسیمه به دنبال جنازه مردی دوید که در سراسر عمرش قدمی در پی دنیا نرفت. راست گفت امیر مؤمنان (ع) که:

علیک بالاخره تأتک الدنيا صاغرة

به آخرت اهتمام بورز، دنیا خود، ذلیلانه به نزدت خواهد شتافت.

«دکتر لاریجانی» به فاصله دو نفر از آیت الله جوادی دیده می‌شود ولی علی‌رغم آنکه مجری مراسم از حضور «رئیس جمهور احمدی‌نژاد» نیز در نماز خبر می‌دهد اما ازدحام عجیب جمعیت، مانع از حضور وی در صفوف جلویی نمازگزاران شده و او در بین مردم مشغول نماز است.



ساعت ۱۲:۲۰

آیت‌الله جوادی آملی فضایی سرشار از معنویت در میان عاشقان علم و عرفان پدید آورد. ایشان در بخش توصیف میت و دعا درباره او، به برخی ویژگی‌های مرحوم آیت‌الله بهجت اشاره کرد و جملاتی که برای آیت‌الله بهجت به کار برد حاوی توصیفات عجیب و کم‌نظیری بود. از جمله:



اللهم ان هذا المسجی قدامنا، عبدک و ابن عبدک و ابن امتک، نزل بعز قدس جلالک، موحداً معتقداً مؤمناً عارفاً عابداً زاهداً سالکاً، صائناً لنفسه، مطیعاً لامر مولاه، تارکاً لهواه. اللهم انا لا نعلم منه الا خيراً، و انت اعلم به منا، اللهم ان کان محسناً فزد فی احسانه، و ان کان مسیئاً کما لا نعلم فتجاوز عن سیئاته، انک رؤوف رحیم.

ساعت ۱۲:۳۳

بالاخره مسؤولان برگزاری مراسم توانستند بر ازدحام و بی‌نظمی عجیب حاضران غلبه نموده، پیکر آیت‌الله بهجت را در حرم مطهر حضرت معصومه (س) به خاک سپارند.

خاطراتی از بهجت عارفان به نقل از آیت الله مصباح یزدی

دوری از ریاست و مرجعیت

با اینکه ایشان فقیهی شناخته شده بودند و بیش از سی سال بود که اشتغال به تدریس خارج فقه و اصول داشتند، ولی همواره از پذیرش مرجعیت سرباز می‌زدند. تا اینکه بعد از فوت مرحوم آقای سید احمد خوانساری (ره) جلد اول و دوم کتاب «ذخیره العباد» (جامع المسائل کنونی) را به قلم خود تصحیح نموده و در اختیار خواص گذاشتند.

پیش از درگذشت آیت الله العظمی اراکی چون مطلع شدند جامعه مدرسین نظر به معرفی ایشان دارند پیغام دادند که راضی نیستم اسمی از بنده برده شود.

سرانجام وقتی جامعه مدرسین با انتشار اطلاعیه‌ای هفت نفر - از جمله حضرت آیت الله العظمی بهجت - را به عنوان مرجع تقلید معرفی کرد و عده‌ای از علمای دیگر از جمله آیت الله مشکینی و آیت الله جوادی آملی و ... مرجعیت ایشان را اعلام کردند، مصرا نه و مکرر از ایشان خواستند که به چاپ رساله عملیه‌شان رضایت دهند، اما ایشان فرمودند: «فتاوی بنده را در اختیار کسی قرار ندهید». از ایشان توضیح خواسته شد، فرمودند: «صبر کنید، همه رساله خود را نشر دهند، بعدها اگر کسی ماند و از دیگران تقلید نکرد و فقط خواست از ما تقلید کند آن وقت این فتاوا را منتشر کنید».

چندین ماه پس از این رخداد، رساله ایشان توسط بعضی از اهل لبنان به چاپ رسید. اما وقتی هم که رساله در ایران در تیراژ وسیع چاپ شد، باز هم از نوشتن نام خویش بر روی جلد کتاب دریغ ورزیدند.

بعد از مرجعیت، منزل آیت الله بهجت هیچ تغییری نکرد و به دلیل عدم فضای کافی، ملاقات و پذیرایی از بازدیدکنندگان در منزل امکان نداشت لذا در اعیاد و ایام سوگواری، در مسجد فاطمیه از ملاقات کنندگان پذیرایی می‌شد.

اصولاً قبول مرجعیت ایشان به نظر من یکی از کرامات ایشان است، یعنی شرایط زندگی ایشان آن هم در سن هشتاد سالگی به هیچ وجه ایجاب نمی‌کرد که زیر بار چنین مسؤولیتی بروند، و کسانی که با ایشان آشنایی داشتند هیچ وقت حدس نمی‌زدند که امکان داشته باشد آقا یک وقتی حاضر بشوند پرچم مرجعیت را به دوش بکشند و مسؤولیتش را قبول بکنند. و بدون شک جز احساس یک وظیفه تعیین چیزی باعث نشد که ایشان این مسؤولیت را بپذیرند. و باید گفت که رفتار ایشان در این زمان با این وارستگی و پارسایی، حجت را بر دیگران تمام می‌کند که می‌شود در عین مرجعیت با سادگی زندگی کرد، بدون اینکه تغییری در لباس، خوراک، مسکن، خانه و شرایط زندگی پیش بیاید.

همه علمای اخلاقی شیعه در اینکه راه صحیح تکامل، راه عبودیت است و انسان جز با اطاعت دستورات خدا نمی‌تواند به مقامی برسد، متفقند. مگر کسانی که انحرافات در فکر و رفتارشان باشد؛ اما بر اهمیت دادن به رعایت آداب شرعی و سیره اهل بیت علیهم السلام همه یکسان نیستند.

توجه به سیره اهل بیت (ع)

ایشان یک استدلالی در این زمینه داشتند که بسیار آموزنده است، و بنده هم از ایشان یاد گرفته‌ام و گاهی در سخنرانی‌ها یا جاهای دیگر مطرح می‌کنم، و آن این است که خداوند که می‌خواهد بندگان را هدایت کند و به کمال برساند،

اموری را که بیشتر در سعادت انسان مؤثر است بیشتر بیان می‌کند، لذا ما نیز اگر بخواهیم بفهمیم چه چیزهایی موجب سعادت انسان می‌شود، باید ببینیم خداوند بر چه چیزهایی بیشتر تأکید کرده است. هر مطلبی که در قرآن و روایات و کلمات اهل بیت علیهم السلام و سیره عملی آنها بیشتر مورد توجه بوده، معلوم می‌شود در تکامل انسان بیشتر مؤثر است. از مهمترین آنها «اهتمام به نماز» است، این همه آیاتی که در قرآن درباره نماز آمده است و این همه روایاتی که درباره رعایت وقت نماز، حضور قلب در نماز و آداب نماز است شاید در هیچ بابی از ابواب فقه و دستورات شرع نداشته باشیم.

ایشان گاهی به عنوان طعن و طنز می‌گفتند: «ماها برای تکامل مان دنبال یک چیزی می‌گردیم که نه خدا گفته نه پیغمبر و نه امامی!»

شمه‌ای از حالات عرفانی

ما شاگردان، بتدریج در مورد آقای بهجت به نتایج شگفت‌انگیزی رسیدیم. یک روز آقای مصباح بعد از اینکه درس آقای بهجت تمام شد و به اتفاق خارج می‌شدیم، به من گفت: «فلانی! امروز آقای بهجت در خلال صحبت‌هایش در درس چیزهایی گفت که برای من تعجب‌آور بود». گفتم: «چطور؟» گفت: «من قبل از اینکه درس آقای بهجت تشکیل شود، در راه که می‌آمدیم، در فکر بودم که اگر بتوانم فلان کار را انجام دهم، خیلی خوب می‌شود. وقتی درس تشکیل شد، من در کمال تعجب، دیدم که آقای بهجت دقیقاً به همان کاری که من در ذهن داشتم، البته در قالب مثال و بدون اینکه خطابشان به فرد خاصی باشد، اشاره کردند و گفتند: این کار، شاید کار خوبی باشد، ولی بایستی با این مقدمات بدان وارد شد و این نکات اخلاقی را در مورد آن رعایت کرد».

بارها مشاهده کردیم، آنچه ما شاگردان در خلوت با هم درباره موضوعی صحبت می‌کردیم، وقتی سر درس حاضر می‌شدیم، آقای بهجت به گونه‌ای صحبت می‌کرد که ما یقین می‌کردیم از حرف‌های خصوصی ما خبر دارد. برای نمونه، به آقای مصباح می‌گفتم که شما خوب است خانه مسکونی‌ات را بفروشی و در جای بهتری برای خودت مسکن تهیه کنی. وقتی به درس آقای بهجت حاضر می‌شدیم، ایشان در خلال بحث اخلاقی‌شان می‌گفتند: «چه فرق می‌کند که در این خانه باشی یا در خانه دیگر؟! خانه دل را باید معمور کرد». یا مثلاً می‌گفتند: «چه لزومی دارد که انسان خودش را به تعب ببندازد و زیر بار قرض برود، اگر خدا رساند چه بهتر و گر نه نباید انسان به استقبال رنج و فشار برود». و شمه‌ای از حالات اساتیدشان را بیان می‌کردند که این آقایان بی‌اندازه به دنیا و خانه‌شان بی‌اعتنا بودند. وقتی ایشان این صحبت را مطرح می‌کرد، آقای مصباح به من می‌گفت: «فلانی! جوابت را گرفتی؟ معلوم شد که فعلاً باید از فکر تعویض مسکن بیرون بیایم!»

به هر تقدیر آقای بهجت با آن بیان خاص خودشان که انکار داشتند از عالم بالا حرف می‌زدند، چنان به مثال‌های منطبق با حال و احوال ما اشاره می‌کردند که در ذهنمان خلجان می‌کرد که ایشان علم غیب دارد. ما به تدریج یقین کردیم که ایشان، به حقایق و دقایق دست یافته است، ولی در مورد ایشان هم روح کتمان و پنهان کاری در حد اعلاش وجود داشت و همین امر باعث می‌شد که بدون اینکه جلب توجه بکنند، در عالم خودش غرق باشد.



مراسم و پیام‌های شیعیان خارج از کشور

مراسم بزرگداشت آیت‌الله العظمی بهجت - آمریکا

مراسم بزرگداشت عالم ربانی و عارف روشن ضمیر حضرت آیت الله بهجت با حضور ایرانیان و ارادتمندان آن مرجع عظیم الشان در مرکز اسلامی واشنگتن برگزار شد.

در این مراسم که علاوه بر ایرانیان، دیگر مسلمانان از ملیت‌های مختلف نیز حضور داشتند، سخنرانان در تجلیل از مقام والای مرحوم حضرت آیت الله بهجت سخنرانی کردند.

در دیگر ایالت‌های آمریکا هم مراسم مشابهی برگزار شد.

مجلس بزرگداشت - ایرلند

مجلس یادبود و بزرگداشتی به مناسبت ارتحال حضرت آیت الله العظمی بهجت، مرجع بزرگ شیعیان در شهر دوبلین مرکز جمهوری ایرلند برگزار شد.

در این مراسم که در حسینیه شیعیان دوبلین برگزار شد، صدها تن از مسلمانان از کشورهای مختلف حضور داشتند.

سخنرانان این مراسم به ذکر گوشه‌هایی از کرامات مرحوم آیت‌الله العظمی محمدتقی بهجت، زندگی پربرکت و ویژگی‌های اخلاقی و معنوی ایشان پرداختند.

«حجت‌الاسلام ابوحسن» امام جماعت حسینیه شیعیان ایرلند در این مراسم گفت: این عارف بزرگ و عالم ربانی زندگی با برکتش را صرف دین، فقه و فهم حدیث و قرآن کرد.

در این مراسم سفیر و اعضای سفارت کشورمان و جمعی از ایرانیان مقیم جمهوری ایرلند نیز حضور داشتند.

پیام تسلیت مجمع اهل بیت علیهم السلام گینه کوناکری

«آقای ابراهیم باه» اندیشمند شیعه و رئیس مجمع اهل بیت علیهم السلام گینه کوناکری، با صدور پیامی، ارتحال آیت‌الله العظمی محمدتقی بهجت (ره) را به مسلمانان ایران تسلیت گفت. متن این

پیام به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله و انا اليه راجعون

حضرت آیت‌الله شیخ حسن اختری، دبیر کل مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام و همه اعضا و مراجع بزرگ دینی و تمامی مسلمانان آن سرزمین.

رحلت آیت‌الله العظمی شیخ محمدتقی بهجت -

رضوان الله تعالی علیه - بزرگ عارفان و پرچمدار سالکان را تسلیت می‌گوییم و از خداوند غفور و رحیم مسئلت داریم که او را در رحمت واسعه خود جای دهد و با پیامبر و آل طاهرینش محشور دارد.

برادر تان: ابراهیم باه

نماینده مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام -

گینه کوناکری

پیام تسلیت عالم لبنانی

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه‌ای - دام

ظله الوارف - ولی امر مسلمانان جهان

سلام علیکم ورحمة الله و برکاته

خبر وفات عارف یگانه‌پرست، مربی، استاد و عالم عامل، حضرت آیت الله شیخ محمدتقی بهجت - طیب الله ثراه - برای ما بسیار دردناک بود.

مؤمنان، ایشان را با اشراقات، ملکات، کمالات و سیر و سلوکش از خلق به حق می‌شناختند. وی مقاماتی را پشت سر گذاشت؛ به درجات فراوانی نائل آمد؛

به قرب زبینه شد؛ به مراد رسید؛ و به هدفی که شایسته تلاش و سلوکش بود، دست یافت.

ما فقدان دردناک این عالم بزرگ علوم اهل بیت علیهم السلام و مدافع مکتب حق را به شما تسلیت گفته و از خداوند منان خواستار حفظ و تأیید شما هستیم

از خداوند مسئلت می‌نماییم که حضرتعالی را چراغ راه امت و نور تابنده‌ای برای همه جهان قرار دهد و ما و عزیز از دست رفته‌مان را مشمول رحمت خویش سازد. همچنین از خدا می‌خواهیم خانواده آن مرحوم و رهبری جمهوری اسلامی ایران را حفظ کند تا در راه و روش آن بزرگمرد ادامه طریق دهند و انا لله و انا اليه راجعون.

دروود بر شما و بر مراجع و علمای اسلام، و

رحمة الله و برکاته.

عفی‌النابلسی

تسلیت فدراسیون جهانی خوجه‌ها

فدراسیون مسلمانان آفریقا (وابسته به خوجه‌ها) با صدور اطلاعیه‌ای غم و اندوه عمیق خود را به مناسبت رحلت آیت‌الله محمد تقی بهجت اعلام کرد.

در پیام این سازمان آمده است: ما تسلیت قلبی خود را به خاطر این ضایعه عظیم، به محضر ائمه معصومین (ع)، مراجع تقلید، مسلمانان جهان و جامعه تشیع - بویژه خانواده ایشان - ابراز کرده، از خداوند متعال مغفرت و آمرزش ایشان را می‌طلبیم.

فدراسیون مسلمانان آفریقا همچنین از جامعه مسلمانان در خواست کرد برای شادی روح آن بزرگ، مجالس قرائت قرآن و سوگواری برگزار کنند

پیام تسلیت جمعیت اهل بیت (ع) - تونس

باسمه‌تعالی
انا لله و انا الیه راجعون
رحلت عالم بصیر و عارف جلیل‌القدر آیت‌الله شیخ محمدتقی بهجت را به محضر مولایمان صاحب الزمان (عج)، حضرت امام خامنه‌ای ولی امر مسلمین - دام ظلّه الشریف -، به علمای ربانی، مردم مسلمان ایران و خانواده آن سفر کرده تسلیت می‌گوییم.

خداوند او را در رحمت واسعه خویش جای دهد و به شهدا و صدیقان ملحقش گرداند و در زمره صالحان - محمد و آل طیب و طاهرش - قرار دهد. این عالم ربانی، نمونه اسوه حسنه و معلمی بی‌نظیر برای کسانی بود و هست که در پی راه نجات‌اند. ایشان تصویر عبد صالح و مجاهد مخلص برای دین، مردم و ملتش بود.

درد و سلام و رحمت و برکات الهی بر او باد.

سید عمادالدین الحمرونی

جمعیت فرهنگی اهل بیت (ع) - تونس

مراسم سوگواری در گینه کوناکری

به مناسبت ضایعه ارتحال عالم ربانی و فقیه صمدانی آیت الله بهجت (ره) مراسم سوگواری مختلفی در کشور گینه کوناکری برگزار شد:

۱. مراسم باشکوهی در "مدرسه الزهرا(س)" متعلق به لبنانی‌های مقیم گینه برگزار گردید. در این مراسم که با حضور شیعیان لبنانی‌الاصل، رؤسای جمعیت‌های شیعی، سفیر جمهوری اسلامی ایران در کوناکری و ایرانیان مقیم برگزار شد یکی از روحانیون مستقر لبنانی پیرامون شخصیت آن عالم فقید به ایراد سخن پرداخت و از این عارف والا مقام تجلیل کرد. همچنین پیام مقام معظم رهبری به وسیله «حجت الاسلام محمد مهدی سیبویه» مسؤول مدرسه اهل‌البیت علیهم‌السلام کوناکری به زبان‌های عربی و فارسی قرائت گردید.

۲. طلاب مدرسه اهل‌البیت علیهم‌السلام کوناکری نیز در این ضایعه مؤلمه به سوگ نشستند. در این مراسم که با حضور اساتید، طلاب و کارمندان این مدرسه اقامه گردید در تجلیل از علم و فقاقت

سخنرانی و مجلس سوگواری برگزار شد.

۳. همچنین در مراسم جداگانه‌ای در سفارت جمهوری اسلامی ایران در گینه کوناکری، ایرانیان مقیم در غم ارتحال آیت‌الله بهجت (ره) به سوگ نشستند. در این مراسم، علاوه بر کارمندان سفارت، خانواده‌های آنان و ایرانیان مقیم این کشور نیز حضور داشتند.

پیام تسلیت مدیر مرکز پژوهش‌های اسلامی

-بنگلادش

بسمه‌تعالی

جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای اختری دبیر کل محترم مجمع جهانی اهل‌بیت علیهم‌السلام درگذشت عالم ربانی عارف بزرگ آیت‌الله العظمی آقای تقی بهجت (قدس سره) عالم تشیع را سوگوار نمود. این مصیبت عظمی را به امام زمان (عج) و به رهبر معظم انقلاب و به ملت شریف ایران به ویژه خانواده محترم آن مرحوم و به مسئولین محترم مجمع که مشغول نشر معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام می‌باشند تسلیت عرض می‌نمایم.

همچنین به اطلاع می‌رسانیم که در «حوزه علمیه شهر کولنا» برنامه‌هایی از جمله دو مراسم برای تجلیل ایشان برگزار و زندگی‌نامه آن فقید نیز در نشریه فجر منتشر شد.

از خداوند منان علو درجات برای ایشان خواستاریم.

سید ابراهیم خلیل رضوی

مدیر مرکز درس‌های اسلامی

کولنا بنگلادش

پیام تسلیت شیعیان چین

بسمه‌تعالی

رحلت مرجع عالیقدر شیعیان، حضرت آیت‌الله بهجت (ره) را به محضر مقدس حضرت صاحب‌الزمان (عج)، رهبر بزرگوار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) و تمامی پیروان اهل‌بیت علیهم‌السلام در سراسر جهان تسلیت می‌گوییم.

جامعه شیعیان چین

مراسم سوگواری - استرالیا

در روز پنج‌شنبه ۲۱ می ۲۰۰۹ و به مناسبت ضایعه ارتحال عالم ربانی و فقیه صمدانی آیت الله بهجت (ره) مراسم ترحیمی از سوی هیأت امام حسن مجتبی (ع) متعلق به شیعیان ساکن شهر ملبورن در استرالیا برگزار شد.

مراسم سوگواری - هند

پس از انتشار خبر رحلت آن فقیه نستوه، حوزه علمیه امام خمینی احمدآباد (گجرات هند) مراسم سوگواری باشکوهی برگزار نمود. در این مراسم ائمه جمعه و جماعات شهر و مؤمنین داغدار شرکت نمودند.

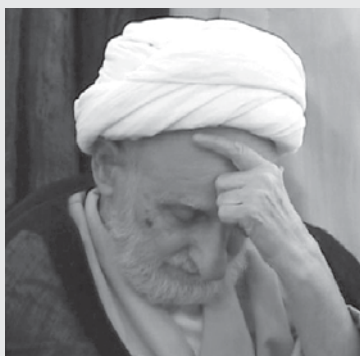
برگزاری مراسم چهلم - عربستان

مراسم چهلم ارتحال آیت الله العظمی شیخ محمد تقی بهجت با حضور گسترده علما و شیعیان عربستان در حسینیه رسول اعظم (ص) شهر صفوی برگزار شد.

مراسم چهلمین روز ارتحال عالم ربانی و مرجع عالیقدر جهان اسلام حضرت آیت الله العظمی شیخ محمد تقی بهجت با حضور علما، اندیشمندان و جمع کثیری از شیعیان در حسینیه رسول اعظم (ص) صفوی واقع در شرق عربستان برگزار شد.

در این مراسم حجج اسلام شیخ محمد مبارک و شیخ محمد حسین الحبیب و استاد کامل حسن سخنانی را در وصف و فضایل این مرجع تقلید ایراد نمودند.

همچنین قصیده شعری توسط سید عمران الساده قرائت شد و مراسم مداحی توسط حجت الاسلام و المسلمین شیخ محمد معتوق برگزار شد.





عضو شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت
علیهم السلام:
**سفر رهبری به کردستان
هجمه‌های تبلیغاتی ضد اسلامی
را خنثی کرد**

تبلیغات و وهمیاتی که دشمنان در قالب ایران فوبیا و فارس فوبیا مطرح کرده بودند و سعی در به انحراف کشیدن جهان اسلام داشتند با سفر رهبر معظم انقلاب به کردستان ناکام ماند.

آیت الله "محمدعلی تسخیری" در گفت و گو با خبرنگار معارف ایرنا با بیان این مطلب افزود: رهبر معظم انقلاب با سخنان خود در بین مردم اهل سنت این منطقه در واقع ندای حقیقی انقلاب را تبیین و خط استراتژیک امام، رهبری و قانون اساسی را به روشنی اعلام کردند.

تسخیری، با اشاره به اینکه مقام عظمای ولایت در این سخنان خط وحدت، الفت و مودت بین دلهای شیعه و سنی را مشخص کردند، یادآور شد: ایشان فرمودند که انقلاب تمامی اصناف مذهبی و شیعه و سنی در ایران را با یک چشم نگاه می کند.

وی اظهار داشت: رهبری همچنین در سخنان خود افراط گرایان شیعه و سنی را که باعث تفرقه و اختلاف بین این دو گروه شده و به مقدسات مذهبی اهانت می کنند، مزدور و مجریان طرح استکبار قلمداد کردند.

عضو شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت (ع) تصریح کرد: بیانات رهبری، تمامی تبلیغات موهن را نابود و خط حقیقی انقلاب را به روشنی برای همگان مشخص کرد.

پیوند ملت و رهبری در کردستان

آیت الله محمد علی تسخیری دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی همچنین با ارسال پیام تشکر از رهبر معظم انقلاب اسلامی به دلیل سفر به استان کردستان، از ایشان به عنوان پرچمدار تقریب و حامی و پشتیبان واقعی وحدت امت اسلامی یاد کرد.

در بخشی از پیام این عضو شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت (ع) با اشاره به توطئه‌های شوم استکبار و اسلام ستیزان و دشمنان ایران اسلامی در ایجاد فتنه و تفرقه در صفوف امت اسلامی آمده است: سفر مبارک رهبر عظیم الشان انقلاب اسلامی به کردستان، گام بزرگ در خنثی کردن توطئه‌ها و از بین بردن موانع وحدت و تحکیم اخوت و مودت بین شیعیان و اهل سنت بوده است.

در بخش دیگری از این پیام آمده است: شورای عالی و اعضای مجمع عمومی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و شمار قابل توجهی از اندیشمندان برجسته اهل سنت داخل و خارج از کشور مراتب مسرت و خشنودی خود را از بیانات ارزشمند مقام معظم رهبری و دستورات و اقدامات انجام شده در این سفر تاریخی و کم نظیر اعلام داشته و ابراز امیدواری کرده‌اند تا سایه مبارک ایشان بر سر عموم مسلمین به ویژه شیعیان و اهل سنت این مرز و بوم مستدام باشد.



عضو شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت
علیهم السلام:
**آمریکا و اسرائیل در اقدام
تروریستی در زاهدان دست
داشته‌اند**

حجت الاسلام والمسلمین سید احمد خاتمی عضو شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام در نماز جمعه تهران اظهار داشت: «جنایت عمال استکبار در زاهدان در مسجد شیعیان قلوب داغداران حضرت فاطمه (س) را در این کشور جریحه دارتر کرد».

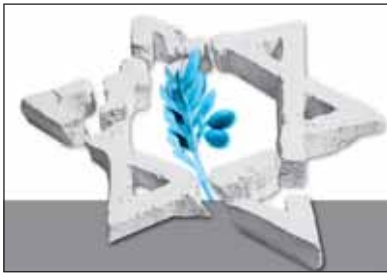
وی ضمن تبریک و تسلیت به تمامی بازماندگان این حادثه تروریستی گفت: «بی تردید سرانگشتان آمریکا و اسرائیل در این حادثه با مباشرت و هابی‌ها و سلفی‌های لامذهب وجود دارد».

خاتمی اضافه کرد: «باید مراقب توطئه‌های دشمنان در ایجاد تفرقه در میان شیعیان و اهل سنت بود و تردید نداشته باشید که نظام مقتدر اسلامی پشت‌صحنه‌های این جنایت را دستگیر کرده و به اشد مجازات خواهد رساند». خطیب جمعه تهران با اشاره به سالگرد رحلت حضرت امام خمینی (ره) اضافه کرد: «امام، رهبر همیشگی این ملت است و رهنمودهای او شعله فروزان نظام اسلامی است. امام در عصر غربت دین به صحنه آمد و راه اهل بیت را زنده کرد».

وی اسلام‌محوری، توجه به جمهوریت، قانون‌مداری فوق‌العاده، ایستادگی در برابر زیاده‌خواهی و استکبار و دفاع از ملت مظلوم فلسطین را پنج شاخصه حرکتی حضرت امام برشمرد و عنوان کرد: «باید امام (ره) را به نسل‌های بعد شناساند و به آنان گفت که عزت و استقلال امروز ایران مدیون آن شخصیت بزرگ است و نباید امام را برای خودمان، حزب و یا گروهمان خرج کنیم. که این جفای به ملت و امام است».

امام جمعه موقت تهران شکوه و عظمت سفر رهبری به کردستان را یادآور شد و گفت: «مردم کردستان اوج محبت و عشق خود به نظام اسلامی را در استقبال از ایشان به نمایش گذاشتند و رهنمودهای بسیار مهم ایشان در خصوص وحدت شیعه و سنی باید مبنای عمل قرار گیرد».





نخستین جشنواره بین‌المللی جایزه بزرگ مقاومت اسلامی

* سخنان رئیس شورای عالی سیاست‌گذاری

رئیس شورای عالی سیاست‌گذاری نخستین جشنواره جایزه مقاومت اسلامی، زنده نگه داشتن یاد و خاطره شهدا، رساندن فریاد مظلومان به جهانیان، تقویت روحیه مقاومت در دل مردم فلسطین و ایجاد رعب و وحشت بیشتر در دل صهیونیست‌ها را از اهداف این جشنواره بین‌المللی خواند.

«حجت الاسلام والمسلمین محمدحسن اختر» دبیر کل مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام طی سخنانی در نشست شورای عالی سیاست‌گذاری «نخستین جشنواره بین‌المللی جایزه بزرگ مقاومت»، ابراز امیدواری کرد مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام با برپایی این جشنواره بتواند خدمتی به مقاومت ارائه کند.

وی با تحلیل از مقام والای شهدا و ایثارگران و خانواده‌های عرصه مقاومت اسلامی گفت: فعالیت کسانی که با قلم و بیان و موضع‌گیری‌هایشان در امر مقاومت، تلاش می‌کنند و فریاد مظلومان را به جهانیان می‌رسانند از ارزش بالایی برخوردار است.

دبیر کل مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام خاطرنشان کرد: ملت ایران برای آزادسازی قبله اول مسلمانان که قسمتی از پیکره جهان اسلام به شمار می‌رود و ریشه‌کن کردن غده سرطانی اسرائیل از کالبد جهان اسلام مقاومت کرده و می‌کند.

حجت الاسلام اختر تأکید کرد: تمامی ارگان‌هایی که از قلب مردم ایران سرچشمه گرفته و از میان مردم ایران جوشیده باید دست به دست هم بدهند تا با برپایی این جشنواره به پشتیبانی ایران گام خوبی برداشته شود.

وی گفت: امیدواریم این حرکت بتواند امید را در دل مقاومان و مخصوصاً مردم مظلوم فلسطین تقویت کرده و رعب و وحشت را در دل دشمن صهیونیستی ایجاد کند و زمینه روآوری هر چه بیشتر نه تنها مردم فلسطین و لبنان بلکه مردم جای جای جهان اسلام با دشمن را رشد دهد.

دبیر کل مجمع در پایان ابراز امیدواری کرد: این حرکت که بسیاری از ارگان‌ها و نهادها نیز در آن مشارکت دارند گامی مؤثر و عملی برای اعلام همکاری بین ارگان‌ها و نهادها در این امر مقدس باشد.

* سخنان دبیر کمیته حمایت از فلسطین

در ادامه این نشست «سلطان‌شاهی» دبیر کمیته حمایت از انقلاب اسلامی مردم فلسطین وابسته به نهاد ریاست جمهوری، گفت: این حرکت می‌بایست با اعلام نتایج، شروع یک مسیر جدید باشد و افرادی در این جشنواره شناسایی شوند که بتوان از ظرفیت‌های آنها نهایت استفاده را داشت. وی همچنین پیشنهاد داد که بعد از اعلام نتایج نشست، آثار در قالب کتاب و سی دی در داخل و خارج کشور منتشر شود.

مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام و بنیاد فرهنگی صبح قریب با مشارکت سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی و در راستای توسعه و نشر ارزش‌های پایداری اسلامی و ترویج فرهنگ مقاومت اسلامی نخستین جشنواره بین‌المللی جایزه بزرگ مقاومت اسلامی، را برگزار می‌کند. این جشنواره در پنج بخش اصلی و ویژه برگزار می‌گردد:

- بخش علمی شامل مقاله، پایان نامه و ویژه نامه تخصصی؛

- بخش ادبی (همراه با سومین دوره جایزه ادبی قدس) شامل موضوعات شعر، داستان کوتاه و قطعات ادبی؛

- بخش هنرهای تجسمی شامل عکس، پوستر و کاریکاتور؛

- بخش هنرهای تصویری شامل فیلم کوتاه، مستند، نماهنگ؛

- بخش رسانه‌های دیجیتال شامل نرم افزارهای چندرسانه‌ای، سایت، وبلاگ و بازی‌های رایانه‌ای.

به علاوه برای نخستین بار بخش ربات‌های مبارز در قالب مسابقات رباتیک دانشجویی و دانش‌آموزی نیز همزمان برگزار خواهد شد. دبیرخانه جشنواره، کمیته‌ای را تحت عنوان رصدخانه برای ارزیابی و مستند سازی فعالان حامی مقاومت اسلامی و رسانه‌های برتر در پوشش خبری و ساخت برنامه‌های ویژه پایداری لبنان، فلسطین و بویژه غزه تشکیل داده است تا به عنوان سفیران مقاومت و با هدف الگوسازی معرفی گردند.

فراخوان ارسال آثار تا ۳۱ تیرماه ادامه خواهد داشت و اختتامیه نیز در ۲۳ مردادماه ۱۳۸۸ همزمان با سومین سالروز پیروزی مقاومت اسلامی لبنان در سالن اجلاس سران برگزار خواهد شد.

* سخنان دبیر جشنواره

دبیر نخستین جشنواره بین‌المللی جایزه بزرگ مقاومت تصریح کرد: ملت مسلمان ایران در طول دوران پیروزی انقلاب همواره در کنار مردم فلسطین و در کنار جبهه پایداری که یکی از مسائل مهم جهان اسلام به شمار می‌رود ایستادگی کرده است.

«محمد جواد رمضانی» دبیر جشنواره افزود: برای ارائه و معرفی آثار برگزیده نمایشگاهی را در مصالای تهران و همزمان با نمایشگاه قرآن برگزار خواهیم نمود که علاقه‌مندان می‌توانند از نزدیک با فعالیت‌های جشنواره آشنا شوند.

رمضانی همچنین اعلام کرد: برای همگانی کردن این جشنواره سعی داریم بسته‌های نمایشگاهی را همزمان در سراسر کشور و از طریق پایگاه‌های بسیج و در حوزه برون‌مرزی نیز از طریق رایزنی‌های فرهنگی در ۵۲ کشور جهان، توزیع نماییم.

□ به قلم: سیده زهرا حسینی
(دانشجوی علوم قرآنی و حدیث)

مقدمه

دنیای امروز، از یک‌سو به سبب افزایش جمعیت و به تبع آن افزایش نیازهای گوناگون انسان‌ها، و از سوی دیگر به دلیل محدودیت منابع طبیعی و استفاده از الگوهای ناصحیح مصرف، با معضلات بسیاری دست به گریبان است. فقر، کاهش میزان آموزش و پرورش، سوء تغذیه، طلاق، فحشا و ایجاد شکاف عمیق بین اقشار غنی و فقیر، از جمله این معضلات هستند. سال ۱۳۸۸ از سوی مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای - مد ظله - به عنوان "سال حرکت به سوی اصلاح الگوی مصرف" نام گرفت. امری که اگر نخبگان و توده جامعه بر اهمیت و ضرورت آن واقف شوند می‌توان بر معضلاتی که بدانها اشاره شد - حداقل در داخل کشور - فائق آییم.

الگوهای نادرست مصرف

یکی از راه‌های اصلاح کردن الگوی مصرف، آگاهی از الگوهای ناصحیح مصرف است. از شیوه‌های نادرست مصرف که در اسلام به آنها پرداخته شده است می‌توان به "اسراف و تبذیر" و "بخل و تنگ‌نظری" اشاره نمود.

۱. اسراف و تبذیر

مقام معظم رهبری در زمینه اسراف فرمودند: "ما در زمینه مصرف و در زمینه هزینه کردن منابع مالی کشور، دچار نوعی بی‌توجهی هستیم که بایستی آن را تبدیل کنیم به یک توجه و اهتمام خاص. ما دچار اسراف هستیم، ما دچار ولنگاری و ولخرجی مصرف هستیم ... جامعه ما باید این مطلب را به عنوان یک شعار همیشگی در مقابل داشته باشد. چون وضع جامعه ما از لحاظ مصرف وضع خوبی نیست. ما باید اعتراف کنیم که عادات و سنت‌های ما، روش‌های غلطی است که از این و آن یاد گرفته‌ایم. این فرهنگ ما را به زیاده‌روی در مصرف - به نحو اسراف - سوق داده است." (۱)

به نظر ایشان، جلوگیری از اسراف فقط وظیفه مردم نیست؛ بلکه مسؤولین هم در این زمینه وظیفه‌ای سنگین دارند: «مسئولان موظفند. اسراف فقط در زمینه فردی نیست؛ در سطح ملی هم اسراف می‌شود... بخش مهمی از این اسراف در اختیار مردم نیست؛ در اختیار مسؤولین کشور است... برق هدر می‌رود... آب هدر می‌رود. اینها اسراف‌های ملی است؛ در سطح ملی است... اسراف در سطح سازمان هم اتفاق می‌افتد. رؤسای سازمان‌های گوناگون مصرف شخصی نمی‌کنند، اما مصرف بی‌رویه در مورد سازمان خودشان اتفاق می‌افتد؛ تجملات اداره، اتاق کار، تزئیناتش، سفرهای بی‌هوده، مبلان‌های گوناگون؛ باید با مراقبت و نظارت از این کارها جلوگیری کرد. هم در سطح دولت، هم در سطح آحاد مردم، هم در سطح سازمان‌ها بایستی نگاه عیب‌جوینانه به اسراف وجود داشته باشد.» (۲)

«راغب اصفهانی» درباره واژه اسراف می‌نویسد: «سرف، گذشتن از حد است اگرچه در انفاق باشد... اسراف، گاهی در مقدار است و گاهی در کیفیت؛ مانند

اسراف و بخل دو الگوی نادرست مصرف



می‌گیرند و میان این دو [روش] حد وسط و اعتدال را برمی‌گزینند (۸)». علاوه بر تبذیری که ذکر شد، تبذیر دیگری نیز وجود دارد و آن "تبذیر در حلال" است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «احدی از رسول خدا چیزی از مال دنیا نمی‌خواست مگر آنکه به او می‌داد. زن فقیری فرزند خود را نزد آن حضرت فرستاد و به او سپرد که اگر رسول خدا گفت چیزی ندارم بگو پیراهنت را بده که ما در خانه چیزی نداریم! حضرت هم چنین کرد و پیراهنش را بخشید. خداوند نیز آن حضرت را با آیه ۲۹ سوره اسراء تأدیپ نمود که: وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا — و دستت را به گردنت زنجیر مکن و بسیار [هم] گشاده‌دستی منما تا ملامت‌شده و حسرت‌زده [و تهی‌دست] بر جای مانی». (۹)

۲. بخل

مقام معظم رهبری در سخنان خود بدرستی به این نکته اشاره نمودند که صرفه‌جویی به معنای مصرف نکردن نیست. صرفه‌جویی به معنای درست



مصرف کردن، بجا مصرف کردن، ثمربخش مصرف کردن و ضایع نکردن اموال است. این نوع مصرف، مخالف نگرشی است که صرفه‌جویی را "بخل" و "خساست" تعریف می‌کند.

راغب در کتاب مفردات درباره بخل چنین می‌گوید: «بخل، امساک کردن (نگاه داشتن) موجودی است از محلی که نباید امساک شود». (۱۰) اعمال مذموم تبذیر و بخل در قرآن و روایات بسیار نکوهش شده است. پروردگار و معصومین (ع) انسان‌ها را از آفات و زیانهای این دو عمل مذموم آگاه کرده و برحذر داشته است.

خداوند در آیه ۱۸۰ سوره آل عمران می‌فرماید: «وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا أَنَا لَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرٌ لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخَلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ — و کسانی که به آنچه خدا از فضل خود به آنان عطا کرده بخل می‌ورزند هرگز تصور نکنند که آن [بخل] برای آنان خوب است بلکه برایشان بد است به زودی آنچه که به آن

آنچه در راه غیر خدا اتفاق شود که اسراف است هرچند بسیار کم باشد». (۳) او واژه تبذیر را نیز چنین توضیح می‌دهد: «تبذیر به معنای پاشیدن بذر و تفریق است، و بعداً به طور استعاره به آنکه مال خویش را می‌پاشد و متفرق می‌کند مبذر می‌گویند، یعنی کسی که اسراف می‌کند و مال خویش را ضایع نموده و در غیر موردش به صورت غیر منطقی و فساد مصرف می‌کند». (۴) خداوند متعال در آیه‌های ۲۶ و ۲۷ سوره اسراء می‌فرماید: «وَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تَبْذُرْ تَبْذِيرًا، إِنَّ الْمُبْذِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا — و حق خویشاوند را به او بده و مستمند و در راه‌مانده را [دستگیری کن] و ولخرجی و اسراف مکن، چرا که اسرافکاران برادران شیطانهایند و شیطان همواره نسبت به پروردگارش ناسپاس بوده است».

«علامه طباطبائی» در تفسیر این آیه‌ها می‌نویسد: «به مصرف کردن، در هر جا که منظور اصلاح باشد، تبذیر گفته نمی‌شود، اما در جایی که منظور فساد باشد تبذیر است. خداوند جمله "ان المبذرين..." را تعلیلی برای نهی از تبذیر آورده است و معنایش این است که اسراف مکن زیرا اگر اسراف کنی، از برادران شیطان خواهی بود و همانگونه که شیطان نعمت‌های خدا را کفران نموده، و آنچه از استعداد قدرت که از جانب خدا به او داده شده، همه را در راه فریب بندگان مصرف نموده، تو نیز نعمت‌های خدا را در نافرمانی و کفران مصرف خواهی کرد». (۵)

بر همین اساس، ائمه اطهار - علیهم السلام - به اصل دوری از اسراف تأکید فراوان نموده‌اند. از نگاه آنان، اسراف نه فقط مثلاً دور ریختن سبب نیم‌خورده و میوه‌ای است که به طور کامل مصرف نشده؛ بلکه کارهای بظاهر ناچیز مثل دور انداختن هسته خرما و زمین ریختن مقدار اندکی آب نیز اسراف به شمار می‌رود.

به هر حال اسراف از دیدگاه اسلام معنای وسیعی دارد و زیاده‌روی در هر امری یک نوع اسراف است. مثلاً فرموده‌اند: «فی الوضوء اسراف و فی کل شیء اسراف» یعنی در وضوء و در هر چیزی، اسراف وجود دارد. (۶)

همچنین هرگونه اتلاف و چیزی که به بدن ضرر داشته باشد یک نوع اسراف است. چنانچه امام صادق (ع) فرمودند: «إنما الإسراف فیما أُلْتُف المال و أضرَّ بالبدن» یعنی همانا اسراف در چیزی است که موجب نابودی ثروت و زیان‌رسانی به بدن گردد. (۷) بنابراین مصرف سیگار و هرگونه مواد و اموری که موجب نابودی مال و ضرررسانی به بدن شود، از مصادیق اسرافکاری بوده، عامل آن مسرف و مبذر است.

برای تکمیل این بحث، به فرازی از زندگی یک امام معصوم توجه کنید: شخصی به نام عباس نزد امام رضا (ع) رفت و درباره خرج کردن در خانه نسبت به همسر و فرزندان پرسید. امام فرمود: «به‌گونه‌ای باشد که بین دو مکروه (سخت‌گیری و اسراف) قرار گیرد». عرض کرد: «منظورتان از این سخن چیست؟» فرمود: «آیا سخن خدا در قرآن را نشنیده‌ای که اسراف و سخت‌گیری را ناپسند می‌شمرد و می‌فرماید: "وَالَّذِينَ إِذَا أَنفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا — و کسانی‌اند که چون اتفاق کنند نه ولخرجی می‌کنند و نه تنگ

بخل ورزیده‌اند روز قیامت طوق گردنشان می‌شود. میراث آسمان‌ها و زمین از آن خداست و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است».

علامه طباطبایی می‌فرماید: «در این آیه خداوند بخیل را ملامت و مذمت نموده و بیان می‌کند این طایفه آنقدر فرومایه‌اند که مال را با اینکه صاحبش خداست، در راه خدا انفاق نمی‌کنند و با عبارت سیطوقون... شر بودن بخل را تعلیل می‌کند». همچنین با عطف کردن این کلام به کلامی که در ۲ آیه قبل درباره کفار فرموده است خاطر نشان می‌کند: «بخل نیز همانند املاء برای کفار، درد بی‌درمان فرد بخیل است» (۱۱)

همچنین در آیه ۳۷ سوره نساء می‌فرماید: «الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا» همان کسانی که بخل می‌ورزند و مردم را به بخل وامی‌دارند و آنچه را خداوند از فضل خویش بدانها ارزانی داشته پوشیده می‌دارند و برای کافران عذابی خوارکننده آماده کرده‌ایم».

علامه در تفسیر این آیه نیز می‌نویسد: «منظور در این جمله این نیست که بخیلان تنها با زبان، مردم را به بخل ورزیدن فرا می‌خوانند بلکه با روش عملی خود، مردم را به بخل وادار می‌سازند. زیرا این طایفه همواره دارای ثروت و اموالند و مردم با دیدن زرق و برق زندگی آنها دل‌داده‌ی کاخ و زندگی آنها شده و طمعکار می‌شوند. پس عمل افراد بخیل خود دعوت کننده‌ی مردم به بخل و منع کنند از انفاق است» (۱۲)

در احادیث نیز بخل با تعابیری گوناگون نکوهش شده است؛ مانند:

— بخل، ردای بینوایی است. (۱۳)

— زیرا در بر دارنده‌ی هر بدی و عیبی است و افساری است که بخیل به وسیله‌ی آن به هر سوی و به هر بدی کشیده می‌شود. (۱۴)

— فرد بخیل از پرداخت زکات و بخشش به قوم و خویشان دریغ می‌ورزد و جز در این موارد تبذیر می‌کند. (۱۵)

— او نسبت به معبود خویش بدگمان است. (۱۶)

— بخیل در دنیا مانند تهیدستان به سر می‌برد و در آخرت همچون توانگران از او حسابرسی می‌شود. (۱۷)

— بخیل خزانه‌دار و ارثان خود است. (۱۸)

— بخیل هیچ دوستی ندارد. (۱۹)

— بخیل از خدا و مردم دور است و به آتش نزدیک. (۲۰)

— بخیل بودن مایه دشنام بسیاری می‌شود. (۲۱)

— بخیل بودن آبرو را بر باد می‌دهد. (۲۲)

لذا پیامبر اکرم و امامان شیعه - علیهم صلوات الله - علاوه بر گفتار خود، در متن زندگی و رفتار خود به سخاوت و بذل و بخشش در راه حق، اهمیت بسیاری می‌دادند. به عنوان نمونه:

روزی امام سجاد(ع) عازم سفر مکه برای انجام مراسم حج بود. از مدینه حرکت کرد تا به سرزمین حره (در دو کیلومتری مدینه) رسید. در آنجا پیام‌رسان خواهرش حضرت سکینه، به او رسید و هزار درهم پول به امام داد و عرض کرد این مبلغ را برای شما فرستاده که در سفر حج به مصرف برسانید. امام سجاد(ع) آن پول را گرفت. هنوز چندان از مدینه فاصله نگرفته بود که همه‌ی آن پول را

بین مستمندان تقسیم نمود. (۲۳)

همچنین: شخصی به نام «محسن بن ابی‌محسن» نزد معاویه رفت و برای خوش‌رقصی و جایزه، علی(ع) را تحقیر کرد و اینطور گفت: «از نزد بخیل‌ترین عرب نزد تو آمده‌ام!» معاویه با اینکه دشمن سرسخت علی(ع) بود، نتوانست این تهمت ناجوانمردانه را تحمل کند به او گفت: «چگونه علی بخیل‌ترین عرب است؟ سوگند به خدا اگر علی دارای دو اتاق باشد و یکی از آن اتاق‌ها پر از کاه باشد و دیگری پر از طلا، اتاق طلای او قبل از اتاق کاه، خالی می‌گردد». (۲۴)

نتیجه

با توجه به رو به کاهش بودن منابع طبیعی و رشد جمعیت و نیاز انسان‌ها، می‌توان با اصلاح الگوی مصرف و دوری از اسراف و تبذیر، دارای حیات و سرزمینی دور از فقر و محرومیت شد. از سوی دیگر، با دوری کردن از بخل و بهره‌جستن از اصل سخاوت که از اصول اساسی ادیان آسمانی است می‌توان با بخشیدن امکانات مادی و معنوی به همه اقشار، آنها را از رفاه مالی و به تبع آن علم و کمالات برخوردار کرد.

بنا بر آنچه بیان شد، دریافتیم که صحیح‌ترین الگوی مصرف، "اعتدال و میانه‌روی" است.

پی‌نوشت‌ها:

۱. پیام نوروزی مقام معظم رهبری - ۱۳۸۸.
۲. سخنرانی مقام معظم رهبری در حرم مطهر رضوی - ۱۳۸۸/۱/۱.
۳. الراغب الاصفهانی؛ معجم مفردات الفاظ القرآن؛ قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، بی‌تا؛ ص ۲۳۶.
۴. همان، ص ۳۷.
۵. علامه محمدحسین طباطبائی؛ تفسیر المیزان؛ ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۶؛ ج ۱۳، ص ۱۱۲.
۶. کنز العمال، حدیث ۲۶۲۴۸.
۷. بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۳۰۳.
۸. سوره مبارکه فرقان، آیه ۶۷.
۹. علامه طباطبائی؛ همان؛ ج ۱۳، ص ۱۱۴.
۱۰. الراغب؛ ص ۳۵.
۱۱. علامه طباطبائی؛ همان؛ ج ۴، ص ۱۲۵.
۱۲. همان؛ ج ۴، ص ۵۶۳.
۱۳. بحار الانوار؛ ج ۷۲، ص ۱۹۹.
۱۴. سید رضی؛ نهج البلاغه؛ ترجمه دکتر شهیدی؛ تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴؛ ص ۴۳۰، حکمت ۳۷۸.
۱۵. معانی الاخبار؛ ۴/۴۲۵.
۱۶. آمدی؛ غرر الحکم و درر الکلم؛ قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸؛ ص ۲۹۲، حدیث ۶۵۱۲.
۱۷. بحار الانوار؛ ج ۷۲، ص ۱۹۹.
۱۸. آمدی؛ همان؛ ص ۲۹۲، حدیث ۶۵۱۱.
۱۹. همان؛ ص ۲۹۳، حدیث ۶۵۴۰.
۲۰. بحار الانوار؛ ج ۷۳، ص ۳۰۸.
۲۱. آمدی؛ همان؛ ص ۲۹۳، حدیث ۶۵۷۰.
۲۲. بحار الانوار؛ ج ۷۸، ص ۳۵۷.
۲۳. محمدتقی عبدوس و محمد محمدی اشتهاردی؛ بیست و پنج اصل از اصول اخلاقی امامان؛ قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷؛ ص ۶۰.
۲۴. همان؛ ص ۵۹.



بازدید شیعیان سوئد از مجمع

تعدادی از شیعیان سوئد که به همت مجمع محلی اهل بیت (ع) در سوئد به ایران سفر کرده بودند از مجمع بازدید کردند و با معاون امور فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت (ع) نشست تشکیل دادند.

«حجت الاسلام والمسلمین سالک» در این نشست، با اشاره به پیشینه جمهوری اسلامی ایران، آن را جواب محکمی به نظریه پردازان کشورهای دانست که با مکاتب مادی اداره می‌شدند و می‌گفتند اسلام توان اداره حکومت را ندارد.

معاون فرهنگی مجمع با اشاره به بنیانگذار جمهوری اسلامی، امام خمینی (ره)، آیت الله خامنه‌ای را ادامه دهنده راه ایشان دانست و گفت: به لطف خداوند و با رهبری حکیمانه آیت الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی ایران با قدرت پیش می‌رود.

وی در ادامه با اشاره به اهداف تأسیس مجمع به تشریح فعالیت بخش‌های مختلف آن پرداخت.

شیعیان سوئد در ادامه این بازدید، در خبرگزاری اهل بیت (ع) - ابنا - حاضر شدند و از نزدیک با فعالیت‌های این خبرگزاری آشنا شدند.

انتصاب جدید در مجمع

طی حکمی از سوی دبیر کل مجمع جهانی اهل بیت (ع) مدیر کل جدید امور اجتماعی معاونت امور بین‌الملل منصوب شد.

متن این حکم به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم

حجت الاسلام جناب آقای عرب‌اسدی زید توفیق

بنا به پیشنهاد معاون محترم امور بین‌الملل و نظر به توانایی‌ها و سوابق ارزنده جنابعالی، به موجب این حکم به سمت مدیر کل امور اجتماعی منصوب می‌شوید.

امید است با اتکال به ذات لایزال و الطاف ائمه معصومین - علیهم السلام - در پیشبرد اهداف مجمع موفق و مؤید باشید.

محمد حسن اختری

شایان ذکر است پیش از این «آقای عبدالرضا راشد» مسؤولیت این اداره کل را بر عهده داشت.

کادر مجله گنجینه مجمع ضمن تشکر از زحمات خالصانه و موفق جناب آقای راشد، برای آقای عرب‌اسدی آرزوی موفقیت در مأموریت محوله را دارد.

تأسیس جمعیت شیعیان در "یار اسلاو" روسیه

جمعیت دینی شیعیان شهر "یار اسلاو" در ۲۴۰ کیلومتری شمال شرقی مسکو پایتخت جمهوری فدراتیو روسیه، ضمن ثبت رسمی در نهادهای حکومتی محلی، فعالیت خویش را به طور رسمی و سازمان یافته آغاز نمود.

این جمعیت که با پیگیری و مساعدت نمایندگی مجمع جهانی اهل بیت (ع) در روسیه و جمعی از طلاب ممتاز منطقه تأسیس گردیده است، در زمینه اقامه نماز جمعه و جماعات، برگزاری مراسم گرامی داشت اعیاد و وفیات ائمه هدی (ع) و اعیاد اسلامی، برگزاری جلسات قرآنی با حضور اهل سنت منطقه و برگزاری جلسات گفتگو با برادران اهل سنت، انتشار بروشور در زمینه آموزه‌های شیعی، ایجاد و به‌روزرسانی وبسایت اینترنتی تحت عنوان "اسلام مکتبی" و تدریس معارف اسلامی و قرآنی برای اقشار مختلف مردم به فعالیت می‌پردازد.

پیش از این، شیعیان محروم منطقه جهت انجام فرائض دینی و مذهبی خود از تنها مسجد شهر که متعلق به اهل سنت می‌باشد در کمال صلح و صمیمیت استفاده می‌نمودند.

شهر "یار اسلاو" با یک میلیون نفر جمعیت در دویست و چهل کیلومتری شمال شرقی شهر مسکو قرار دارد و جمعیت مسلمانان آن بالغ بر سی هزار نفر می‌باشد که از این تعداد، ده هزار نفر آنان که عمدتاً آذری‌الاصل می‌باشند از پیروان اهل بیت (ع) هستند.

گفتنی است تأسیس جمعیت‌های مذهبی در شهرهای مختلف کشور پهناور روسیه، مقدمه و زمینه‌ای است جهت تأسیس واحد دینی شیعیان این کشور که این مهم با تلاش‌های پیگیر طلاب و مبلغین بومی مناطق در حال انجام است.

در مجمع منتشر شد؛

بررسی ادله توسل، شفاعت، تبرک و زیارت

در ادامه ارائه خدمات فکری و فرهنگی از سوی مجمع جهانی اهل بیت (ع)، کتاب جدیدی درباره ادله توسل، شفاعت، تبرک و زیارت منتشر گردید.

این کتاب که با نام ۱۲ نکته در بررسی و ارزیابی ادله توسل، شفاعت، تبرک و زیارت و به قلم «حجت الاسلام دکتر فتح‌الله نجارزادگان» تألیف شده است، از سوی انتشارات مجمع جهانی اهل بیت (ع) به زیور طبع آراسته گردید.

چاپ اول این کتاب در تیراژ پنج هزار نسخه و در ۷۲ صفحه منتشر شده و به زبان فارسی در اختیار علاقه‌مندان به معارف اهل بیت (ع) قرار گرفته است.

گفتنی است مجمع جهانی اهل بیت (ع) در ادامه مأموریت اصلی مجمع، یعنی ارائه خدمات فکری و فرهنگی به شیعیان جهان؛ تاکنون بیش از ۷۰۰ عنوان کتاب به ۳۳ زبان زنده دنیا تدوین و منتشر نموده است.



گزارشی از عملکرد پایگاه اینترنتی مکتب اسلام

۶. ادبیات: ۳۹ شعر و داستان دینی
۷. مطالب جالب: ۴۰ مقاله کوتاه و خواندنی از حالات علما، اختراعات و ...
۸. پاسخ به پرسش‌های بازدیدکنندگان: ۱۳۰ پرسش و پاسخ در موضوعات مختلف اسلامی، از جمله مسائل شرعی، سؤالات قرآنی و ...
۹. نویسندگان: ۵۲ مقاله تألیفی از سوی ۱۴ نویسنده ثابت پایگاه
۱۰. ادعیه: ۴۴ دعا، زیارت و یا اعمال مناسبت‌ها با خط عربی و آذری و اکثراً با ترجمه
۱۱. مراسم‌ها: گزارشی از ۹ مراسم برگزار شده توسط طلاب
۱۲. دفتر میهمان: ۴۱ پیام، تبریک و آرزوی توفیق از سوی بازدیدکنندگان
۱۳. گالری عکس‌های مذهبی
علاوه بر این، در بخش تقویم، حوادث مهم هر هفته و در بخش سخن روز، جمله‌ای حکیمانه درج می‌گردد.
لازم به ذکر است که تعداد همکاران دائمی این پایگاه ۱۳ نفر، تعداد نویسندگان ثابت ۱۴ نفر و تعداد مترجمین آن ۶ نفر می‌باشد.

پایگاه اینترنتی "مکتب اسلام" که با حمایت مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام و به زبان آذری بر روی شبکه جهانی قرار گرفته است در زمینه نشر اخبار و مقالات اسلامی برای مسلمانان آذربایجان و آسیای میانه فعالیت می‌کند.

پایگاه اینترنتی "مکتب اسلام" (www.islammektebi.org) پایگاه رسمی انجمن علمی - فرهنگی "مکتب اسلام" طلاب آذری تحصیل کننده در قم است که از اول آبان ماه سال ۱۳۸۷ و با همکاری نماینده مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام در آسیای میانه و نماینده جامعه المصطفی العالمیه در کشورهای ازبکستان و قزاقستان اداره می‌شود.

عملکرد بخش‌های مختلف این پایگاه، در مدت مذکور به شرح زیر است:

۱. اخبار: ۷۰۴ خبر دینی از سراسر جهان
۲. مقالات: ۷۲ مقاله در موضوعات مختلف دینی
۳. مصاحبه‌ها: ۱۱ مصاحبه با بزرگان دینی و مستبصرین
۴. آذربایجان: ۱۹ مقاله و خبر ویژه آذربایجان
۵. آسیای میانه: ۱۰ مقاله و خبر ویژه آسیای میانه

The screenshot displays the homepage of the Islammektebi.org website. The header features the site's name in both English and Azerbaijani, along with the date and time. The main content area is divided into several sections: 'Günün sözü' (Today's word) with a quote, 'Son xəbərlər' (Latest news) with a headline about a young martyr, 'Məqalələr' (Articles) with a headline about Hamas, 'Təqvim' (Calendar) with a list of religious events, and 'Aktual' (Actual) with a headline about a seminar. The left sidebar contains a navigation menu with links to various sections like 'Günün sözü', 'Xəbərlər', 'Məqalələr', 'Müsahibələr', 'Yazılar', 'Azərbaycan', 'Orta Asiya', 'Kitabxana', 'Ədəbiyyat', 'Məqəddəs Qum', 'Dünya', 'Qalereya', 'Sual-Cavab', 'Haqqımızda', 'Fəaliyyətimiz', and 'Qonaq dəftəri'. The bottom of the page shows a footer with contact information and a copyright notice.

حدود هزار سال پیش **محمد بن یعقوب کلینی** - مشهورترین محدث شیعه - با زحماتی چشم‌گیر، میراث ارزشمندی برای پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام به یادگار گذاشت. ده قرن پس از او عالمی دیگر از همین تبار، با بهره‌مندی از الطاف الهی، نفس مطمئنه و مردمی وفادار، آن میراث ارزشمند را به وادی عمل و سیاست کشاند. در اردیبهشت ماه امسال کنگره‌ای برای بزرگداشت مقام و منزلت کلینی برگزار گردید. به مناسبت برگزاری این کنگره و نیز بیستمین سالگرد رحلت **امام خمینی (ره)**، ویژه‌نامه‌ای با عنوان «از کلینی تا خمینی» به خوانندگان گنجینه مجمع تقدیم می‌شود.



هزار سال مجاهدت علمی و اجتماعی شیعه

به کوشش:

احسان آذرکمند، محمد اسدی، جواد امامی، حسن جبّاری‌نصیر،
امیرمحسن سلطان‌احمدی، معصومه علیمردانی و رضا لک‌زایی



مشهورترین محدث شیعه

به بهانه برپایی کنگره بین‌المللی بزرگداشت مقام و منزلت ثقة الاسلام کلینی (ره) در ۱۷ اردیبهشت ماه سال جاری، نگاهی به زندگی این دانشمند عالیقدر به قلم مرحوم حجة الاسلام و المسلمین علی دوانی - برگرفته از کتاب «مفاخر اسلام» آن محقق فقید - خواهیم داشت:

مقدمه

مشهورترین دانشمند فقیه و محدث نامی شیعه، در نیمه اول سده چهارم هجری، ثقة الاسلام محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی، معروف به «کلینی» یا «شیخ کلینی» است. کلینی اصالتاً ایرانی و از روستای «کلین» واقع در ۳۸ کیلومتری شهر ری و ناحیه جنوب غربی جاده قم - تهران، نزدیک حسن آباد کنونی است. به همین جهت، او را به لقب «رازی»، منسوب به «ری» هم می‌خوانند. (۱) یاقوت حموی، جغرافی دان نامی (م ۶۲۶ ق) می‌نویسد:

استخری (زنده در ۳۴۰ ق) گفته است که ری از اصفهان بزرگ‌تر است و در مشرق، بعد از بغداد، شهری آبادتر از آن نیست؛ هر چند نیشابور از حیث وسعت بزرگ‌تر از آن است. ری در طول و عرض یک فرسخ و نیم است و دارای روستاهایی است که هر کدام از یک شهر بزرگ‌تر است. (۲)

باری، ری و روستاهای آن، از روزگاران نخستین، جزء مراکز شیعه نشین بوده است؛ هر چند بیشتر مردم ری را سنیان حنفی و شافعی تشکیل می‌داده‌اند. آرامگاه پدر کلینی، یعنی یعقوب بن اسحاق - که از بزرگان شیعیان آن روز بوده - هم اکنون در قریه «کلین» بوده

معروف به «نجاشی» (م ۴۵۰ق)، در کتاب نفیس و نامدارش الرجال - که او را نامی ترین دانشمند رجالی شیعه دانسته‌اند و الرجال خود را بعد از الفهرست و الرجال شیخ طوسی نگاشته است - از کلینی، دانشمند بلندآوازه ما، بدین گونه یاد می‌کند:

ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، علان کلینی رازی دایی اوست. محمد بن یعقوب کلینی، در زمان خود پیشوای علمای شیعه و چهره درخشان آنها در ری، و موثق ترین دانشمند شیعه در حدیث و ضبط آن بوده است. کتاب بزرگش... به نام الکافی را در مدت بیست سال تصنیف کرده است...

سپس کتاب‌های الکافی و دیگر تألیفات کلینی را با شرحی که خواهیم نگاشت، ذکر می‌کند. (۷)

پس از شیخ و نجاشی که پیشوای علمای رجال و تراجم هستند، سایر دانشمندان بزرگ ما هر جا به نام کلینی برخورد نموده، یا از کتاب بزرگ و نامدارش الکافی نام برده‌اند، از وی به عنوان موثق ترین دانشمند شیعه در فهم، نقل، ضبط حدیث، حسن ترتیب و تنظیم کتابش الکافی یاد کرده‌اند.

ابن شهر آشوب مازندرانی، علامه حلی و ابن داود، طبق معمول، همان تعبیرات شیخ و نجاشی را در ستایش وی آورده‌اند.

سید بن طاووس (م ۶۶۴ ق) می‌نویسد:

وثاقت و امانت کلینی در نقل حدیث، مورد اتفاق عموم دانشمندان ماست. (۸)

شیخ حسین بن عبدالصمد عاملی (پدر شیخ بهایی) می‌گوید: محمد بن یعقوب در عصر خود، استاد علمای زمان خویش و سرآمد آنها و موثق ترین دانشمندان در نقل حدیث بود. او در نقد و بررسی حدیث، از همه کس آشناتر و بر همگان تقدم داشت. (۹) ملا خلیل قزوینی فقیه و محدث مشهور، در شرح فارسی اصول الکافی می‌نویسد:

دوست و دشمن به فضلش اعتراف کرده‌اند. (۱۰)

علامه مجلسی، در مرآة العقول شرح اصول الکافی نوشته است:

کلینی مورد قبول طوایف ایام و ممدوح خاص و عام بود. (۱۱) میرزا عبدالله اصفهانی، مشهور به افندی، دانشمند نامی و شاگرد علامه مجلسی می‌نویسد:

منظور از «ثقة الاسلام» در اغلب موارد (در کتب رجال) ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی رازی صاحب الکافی و غیره، یعنی شیخ اقدم و مسلم بین عامه، خاصه و مفتی هر دو فرقه است. (۱۲)

میرزا محمد نیشابوری، محدث اخباری می‌نویسد:

ثقة الاسلام، قدوة الاعلام و بدر تمام، جامع سنن و آثار در حضور سفرای امام زمان علیه السلام، زنده کننده طریقه اهل بیت در رأس سده سوم هجری... (۱۳)

و زیارتگاه مردم آن سامان است.

علان رازی (دایی کلینی) و جمعی دیگر از فقها و محدثان شیعه، همچون محمد بن عصام (شاگرد کلینی) هم از آن قریه بوده‌اند.

موقعیت کلینی در جهان اسلام

ثقة الاسلام کلینی در عصر امام حسن عسکری علیه السلام متولد شد، و با چهار سفیر و نماینده خاص امام زمان علیه السلام - که در طول غیبت کوتاه آن حضرت، رابط بین شیعیان و امام زمان علیه السلام بودند - هم عصر بود. با این که آن چهار تن، از فقها و محدثان بزرگ شیعه بودند و شیعیان آنها را به جلالت قدر می‌شناختند، ولی کلینی مشهورترین شخصیت عالی مقامی بود که در آن زمان، میان شیعه و سنی با احترام می‌زیست و به صورت آشکار به ترویج مذهب حق و نشر معارف و فضایل اهل بیت علیهم السلام همت می‌گماشت.

عموم طبقات، او را به راستی گفتار و درستی کردار و احاطه کامل بر احادیث و اخبار می‌ستودند؛ به طوری که نوشته اند شیعه و سنی در اخذ فتوا به وی مراجعه می‌کردند و در این خصوص، مورد وثوق و اعتماد هر دو فرقه بود. به همین جهت ملقب به ثقة الاسلام گشت و او نخستین دانشمند اسلامی است که به این لقب خوانده شده و حقا شایسته این لقب بزرگ هم بود. (۳)

کلینی در امانت و عدالت، تقوا و فضیلت، حفظ و ضبط احادیث - که همه از شرایط یک فرد محدث موثق جامع شرایط بوده است - مانند نداشت. به گفته علامه محمد تقی مجلسی:

«وی در میان تمام دانشمندان ما، و آنها که از او روایت کرده‌اند، همچنین در نظم و ترتیب کتابش الکافی بی نظیر بوده، و این مزایا دلیل است که وی از جانب خداوند متعال تأییدات خاصی داشته است». (۴)

کلینی در نظر دانشمندان شیعه

شیخ الطائفة محمد بن حسن طوسی، پیشوای فقه‌های شیعه (م ۴۶۰ ق)، در کتاب گران قدرش الرجال، باب «کسانی که از ائمه روایت کرده‌اند»، می‌نویسد:

ابوجعفر محمد بن یعقوب کلینی، دانشمندی جلیل القدر و عالم به اخبار و احادیث بود. او دارای تصنیفاتی است که در کتاب الکافی تدوین شده است. در ماه شعبان سال ۳۲۹ ق، وفات یافت، و در محله «باب الکوفه» مدفون گردید. ما کتاب‌های او را در الفهرست آورده ایم. (۵)

و در الفهرست، تمام کتاب‌های الکافی و چند کتاب دیگر کلینی را - که خواهیم شناخت - نام می‌برد، سپس طرق روایات خود را به آنها از استادانش شیخ مفید، حسین بن عبدالله غضائری، سید مرتضی و احمد بن عبدون بازگو می‌کند. (۶)

دانشمند گران قدر رجالی، ابوالعباس احمد بن علی بن عباس،



کلینی در نظر دانشمندان عامه

کلینی در نظر دانشمندان عامه، مخصوصاً نزد مورخان آنها که بعد از او آمده‌اند، بسیار بزرگ است. همه از وی تجلیل کرده و او را به عظمت و بزرگواری ستوده‌اند.

ابن اثیر جزیری (۱۴) در کتاب مشهور جامع الاصول می‌نویسد: ابوجعفر محمد بن یعقوب رازی - از پیشوایان مذهب اهل بیت علیهم السلام - دانشمندی بزرگ و فاضلی نامدار است.

سپس در حرف «ن» از کتاب «تبوت»، او را تجدید کننده مذهب شیعه، در سده سوم هجری دانسته است.

ابن اثیر روایتی از پیغمبر صلی الله علیه وآله نقل می‌کند که فرموده است:

خداوند سر هر قرنی، شخصی را برمی‌انگیزد که دین او را زنده و نامدار بدارد. (۱۵)

آن‌گاه به گفتگو درباره این حدیث پرداخته و می‌گوید:

از مجددین و احیا کنندگان مذهب شیعه، در آغاز سده اول هجری، محمد بن علی باقر (امام پنجم) و در ابتدای سده دوم، علی بن موسی الرضا، و بر رأس سده سوم، ابو جعفر محمد بن یعقوب کلینی رازی بوده‌اند. (۱۶)

از نوشته ابن اثیر، به خوبی مقام و موقعیت کلینی آشکار می‌شود و می‌رساند که او در پایان سده سوم و آغاز قرن چهارم هجری، بلندآوازه‌ترین دانشمند شیعه بوده که او را پس از دو امام، مجدد مذهب دانسته است.

برادر کوچک‌تر ابن اثیر (عزالدین علی بن اثیر جزیری)، نیز در آغاز حوادث سال ۳۲۸ ق، در کتاب الکامل فی التاریخ، کلینی را نخستین دانشمندی دانسته که در آن سال چشم از جهان فرو بسته است و می‌نویسد:

محمد بن یعقوب ابوجعفر کلینی - که از پیشوایان شیعه و دانشمندان آنها بود - در این سال وفات یافت. (۱۷)

باید توجه داشت که دانشمند و محقق معاصر، دکتر حسینعلی محفوظ، در مقدمه الکافی، ص ۲۱، عبارت جامع الاصول را به اشتباه از علی بن اثیر، در الکامل نقل کرده و تصور نموده که صاحب جامع الاصول و الکامل یک نفر بوده است.

فیروزآبادی، دانشمند لغت‌دان بزرگ (م ۸۱۸ ق) در القاموس المحيط در لفظ «کلین»، از کلینی یاد کرده و او را از فقهای شیعه دانسته است. (۱۸)

ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ ق) در کتاب مشهورش لسان المیزان - که شرح حال علمای عامه و گاهی خاصه را تا زمان خویش به اجمال و تفصیل آورده است - درباره دانشمند بزرگ ما می‌نویسد:

محمد بن اسحاق ابوجعفر کلینی رازی در بغداد ساکن بود و در آنجا از محمد بن احمد جبار و علی بن ابراهیم بن عاصم و دیگران روایت می‌کرد. کلینی از فقهای شیعه و کسی است که بر وفق

مذهب آنها، کتاب‌های زیادی تصنیف کرده است. (۱۹)

و نیز ابن حجر در کتاب دیگرش التبصیر گفته است:

ابوجعفر محمد بن یعقوب کلینی، از رؤسای دانشمندان شیعه است که در زمان مقتدر (خلیفه عباسی) می‌زیست. (۲۰)

جز اینان، سایر دانشمندان عامه نیز هر جا به نام کلینی رسیده‌اند، از وی به عنوان دانشمندی بزرگ و فقیهی نامدار و یکی از پیشوایان پیشین شیعه یاد کرده‌اند.

استادان کلینی

ثقة الاسلام کلینی در ری، قم، بغداد، کوفه و دیگر نقاط دور و نزدیک ممالک اسلامی - که امروز برای ما درست روشن نیست - در نیمه دوم سده سوم هجری، دانشمندان بزرگ، فقها و محدثان بسیاری را ملاقات کرده و از خرمن معلومات و محفوظات آنها خوشه‌ها چیده و بهره‌ها گرفته و از آنان به دریافت اجازات نایل شده است؛ که این اجازات نیز در آن زمان‌ها از آن بزرگ‌مردان به چنین رادمردی، بسیار بالارزش بوده است. در کتب رجال و تراجم، بالغ بر چهل نفر از فقها و محدثان را نام می‌برند که از استادان و مشایخ اجازه‌وی به شمار رفته‌اند و کلینی در نزد آنها شرایط شاگردی به جای آورده است.

گذشته از چندتن از علمای عامه که ابن حجر عسقلانی نام برده است، این عده از مفاخر فقها و محدثان شیعه که در جلد اول و دوم مفاخر اسلام شناختیم و از آنها به اجمال و تفصیل نام بردیم، از مشاهیر استادان ثقة الاسلام کلینی - این دانشمند پیشین شیعه - بوده‌اند: (۲۱)

احمد بن محمد بن عیسی، احمد بن ادریس قمی (م ۳۰۶ ق)، احمد بن محمد بن سعید همدانی معروف به ابن عقده (۳۳۳ ق)، احمد بن محمد بن عاصم کوفی، احمد بن مهران، اسحاق بن یعقوب، حسن بن حنیف، حسن بن فضل بن یزید یمانی، حسین بن حسن حسینی اسود، حسین بن حسن هاشمی حسینی علوی، حسین بن علی علوی، حسین بن محمد بن عمران اشعری قمی، حمید بن زیاد نینوایی (۳۱۰ ق)، داود بن کوره قمی، سعد بن عبدالله بن جعفر حمیری، علی بن ابراهیم قمی (م ۳۰۷ ق)، علی بن حسین سعدآبادی، علی بن عبدالله خدیجی اصغر، علی بن محمد بن ابراهیم بن ابان رازی (دایی وی، معروف به علان رازی)، علی بن محمد بن ابی قاسم بندار، عبدالله بن احمد بن عبدالله برقی، (۲۲) علی بن موسی بن جعفر کمیدانی، قاسم بن علاء، ابوالحسن محمد بن عبدالله اسدی کوفی (ساکن ری)، محمد بن حسن صفار (۲۹۰ ق)، محمد بن علی بن معمر کوفی، محمد بن یحیی عطار، جمعاً ۳۵ نفر، و غیر اینان.

شاگردان کلینی

این عده از فقها و محدثان بنام شیعه، که مشاهیر علمای ما در



دو بعد از الفهرست تألیف شده‌اند - تصریح کرده‌اند که کلینی در سال ۳۲۹ق وفات یافت؛ ما نیز این تاریخ را معتبر می‌دانیم. در این سال، شیخ اجل ابوالحسن صیمری - نایب چهارم امام زمان علیه السلام - نیز وفات یافت و با رحلت او، غیبت کبری و طولانی آن حضرت آغاز شد، و جامعه شیعه در وضع خاصی قرار گرفت. ولی وجود کتاب الکافی، همچون ستاره درخشانی، شهبستان تاریک امید و آمال شیعیان را روشن ساخت، تا این که دانشمندان بعدی به تعمیم و توسعه کار کلینی و نورپاشی بیشتر آثار اهل بیت عصمت علیهم السلام پرداختند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. شهید سعید قاضی نورالله شوشتری، در حاشیه مجالس المؤمنین، جلد اول، چاپ اسلامی، صفحه ۹۲ می‌نویسد: «به خط قطب الدین رازی دیده‌ام که نوشته است: ری هنگام نسبت، باید «ری» خوانده شود. علت اضافه «ز» این است که دو نفر به نام‌های «ری» و «راز» آن شهر را ساختند و چون خواستند نامی بر آن بگذارند، دچار اختلاف شدند. سپس بنا گذاشتند که آن شهر را به نام یکی، «ری»، و هنگام نسبت به نام دیگری، «رازی» بخوانند.
۲. معجم البلدان، ج ۳، ص ۱۱۷.
۳. جای تأسف است که در آن روزگار، لقب «ثقة الاسلام» یعنی دانشمندی که مورد وثوق و سند و ثبوت اسلام و مسلمین است، آن قدر اهمیت داشته که برای اولین بار، کلینی سرآمد دانشمندان و فقها و محدثان شیعه را بدان منسوب کرده‌اند و امروز به قدری الفاظ و اسامی و القاب ارزش خود را از دست داده‌اند، که به هر بی‌سواری و بی‌سواد ریاکار هم «ثقة الاسلام» می‌گویند! بر عکس نهند نام زنگی کافور!!
۴. شرح مشیخه من لا یحضره الفقیه، ص ۲۶۷.
۵. رجال الطوسی، ص ۴۹۵.
۶. الفهرست، شیخ طوسی، ص ۱۳۵.
۷. رجال النجاشی، ص ۲۶۶.
۸. مقدمه الکافی.
۹. همان، به نقل از وصول الأخبار، ص ۶۹.
۱۰. همان.
۱۱. مرآة العقول، ج ۱، ص ۳.
۱۲. مقدمه الکافی.
۱۳. همان.
۱۴. ابن اثیر جزری، نام سه برادر دانشمند از علمای عامه است. آنها از مردم جزیره نزدیک موصل بوده‌اند و لقب جزری منسوب به آنجا است. برادر اول، مبارک بن ابی الکریم اثیرالدین محمد جزری (م ۶۰۶ق در موصل)، مؤلف کتاب های النهایة و جامع الاصول، برادر دوم، عزالدین علی بن اثیر (م ۶۳۰ق)، مؤلف کتاب های اسدالغابة فی معرفة الصحابة، اللباب فی تهذیب الأسماء، و الکامل فی التاریخ، برادر سوم، نصرالله بن ابی الکریم (م ۶۳۷ق) منشی و کاتب، صاحب کتاب المثل السائر فی ادب الکاتب و الشاعر و غیره، مدفون در کاظمین.
۱۵. اصل حدیث این است: ان الله یبعث لهذه الأمة فی رأس کل مائة سنة من یدجد لهادینها.
۱۶. ابن اثیر یک یا چند نفر از خلفا، علما و عرفای سنی را هم نام می‌برد که بر سر هر صد سالی، مجدد، نگهبان و احیاکننده اسلام بودند. این حدیث از احادیث عامه است، ولی بسیاری از علمای فریقین به آن استناد جسته و کسانی را به نام مجدد مذهب ذکر کرده‌اند. نویسنده این سطور، خود نظری ندارد.
۱۶. الرجال، ابوعلی حائری، ص ۲۹۸، به نقل از تعلیقه وحید بهبهانی، روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات، ص ۵۲۵.
۱۷. الکامل، ابن اثیر، ج ۶، ص ۲۷۴.
۱۸. قاموس الرجال، ج ۴، ص ۲۵۶.
۱۹. لسان المیزان، ج ۵، ص ۴۳۳.
۲۰. روضات الجنات فی احوال العلماء والسادات، ص ۵۲۵.
۲۱. استادان و شاگردان کلینی راه از مقدمه الکافی و شرح حال کلینی می‌آوریم.
۲۲. در مقدمه الکافی به جای وی، علی بن محمد برقی نام برده که درست نیست.
۲۳. قرامطه، فرقه‌ای بودند که عقیده داشتند اسماعیل پسر حضرت صادق علیه السلام، امام غایب است و در حقیقت همان اسماعیلیه نخستین بودند. علت تسمیه آنها به قرامطه یا قرامطی، این است که اولین بار شخصی به نام «قرمط» از مردم حومه کوفه، چنین ادعایی کرد و پیروان او به نام وی خوانده شدند. قرامطه به مرور ایام، سخت به انحراف در عقیده و اعمال کشیده شدند و بر ضد عموم مسلمین شورش های زیادی کردند.

نیمه اول و اواسط سده چهارم هجری در ایران و عراق بوده‌اند و استادان بسیاری از علمای نامی نیمه دوم سده چهارم هستند، از جمله شاگردان کلینی (مؤلف الکافی) به شمار می‌روند: احمد بن ابراهیم معروف به ابن ابی رافع صیمری، احمد بن کاتب کوفی، احمد بن علی بن سعید کوفی، احمد بن محمد بن علی کوفی، ابوالغالب احمد بن محمد زراری (۲۸۵ - ۳۶۸ق)، جعفر بن محمد بن قولویه قمی (۳۶۸ق)، عبدالکریم بن عبدالله بن نصر بزاز تنیسی، علی بن احمد بن موسی دقان، محمد بن ابراهیم نعمانی معروف به ابن ابی زینب - که از شاگردان مخصوص و نزدیکان او بود و کتاب الکافی او را نسخه برداری کرده است -، محمد بن احمد صفوانی مقیم بغداد - که او نیز از شاگردان مخصوص او بود و کتاب الکافی را رونوشت کرده و از کلینی علم و ادب آموخته و به دریافت اجازه قرائت حدیث، نایل آمده است -، محمد بن احمد سنائی زاهری مقیم ری، ابوالفضل محمد بن عبدالله بن مطلب شیبانی، محمد بن علی ماجیلویه، محمد بن محمد بن عصام کلینی، هارون بن موسی تلکبری شیبانی (م ۳۸۵ق)، جمعاً پانزده نفر، و افرادی دیگر از این قبیل بزرگان.

تألیفات کلینی

شیخ اجل طوسی، و نجاشی دانشمند رجالی، جمعاً این کتاب‌ها را جزء تألیفات کلینی به شمار آورده‌اند:

۱. کتاب الرجال؛
۲. کتاب الرد علی القرامطة (۲۳)؛
۳. کتاب رسائل الاثمة علیهم السلام؛
۴. کتاب تعبیر الرؤیاء؛
۵. مجموعه شعر (مشمول بر قصایدی که شعرا در مناقب و فضایل اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام گفته‌اند)؛
۶. کتاب الکافی (که جداگانه از آن یاد می‌کنیم).

وفات و مرقد کلینی

ثقة الاسلام کلینی - این محدث عظیم الشأن پیشین که در دنیای آن روز چشم و چراغ شیعه و سند افتخار دانشمندان بغداد، اعم از خاصه و عامه بود - پس از آن همه رنج و کوشش و تألیف و تصنیف و رواج و رونق مکتب خردپسند اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، سرانجام در سال ۳۲۸ یا ۳۲۹ - که مصادف با مبدأ غیبت کبرای امام زمان علیه السلام بود - در همان شهر بغداد چشم از جهان فروبست و مرغ روح بلندپروازش به آشیان جنان پرواز کرد. آرامگاهش امروز در ناحیه شرقی نهر دجله، کنار جسر (پل) قدیم بغداد، معروف و زیارتگاه مسلمانان است. (تولد کلینی شناخته نشده است.)

شیخ طوسی در الفهرست، سال وفات کلینی را ۳۲۸ق ضبط کرده، ولی نجاشی در الرجال، و خود شیخ نیز در الرجال - که هر





کنگره بین المللی بزرگداشت شیخ «کلینی» صبح روز پنجشنبه ۱۷ اردیبهشت در جوار آستان مقدس حضرت عبد العظیم الحسنی (ع) و با حضور اندیشمندی از کشورهای مختلف اسلامی آغاز به کار کرد.

در این کنگره باشکوه، اندیشمندان و محققان کشورهای مختلف اسلامی و نیز چهره‌های علمی و فرهنگی کشور - نظیر «آیت‌الله هاشمی رفسنجانی» رئیس مجلس خبرگان رهبری، «حجت‌الاسلام والمسلمین محمدی گلپایگانی» رئیس دفتر مقام معظم رهبری، «آیت‌الله رضا استادی» عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، «حجت‌الاسلام والمسلمین در نجف آبادی» عضو شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام و «حجت‌الاسلام والمسلمین محمدی ری‌شهری» تولیت آستان حضرت عبدالعظیم (ع) و «حجت‌الاسلام والمسلمین حسینی بوشهری» عضو شورای عالی حوزه علمیه قم - شرکت داشتند.

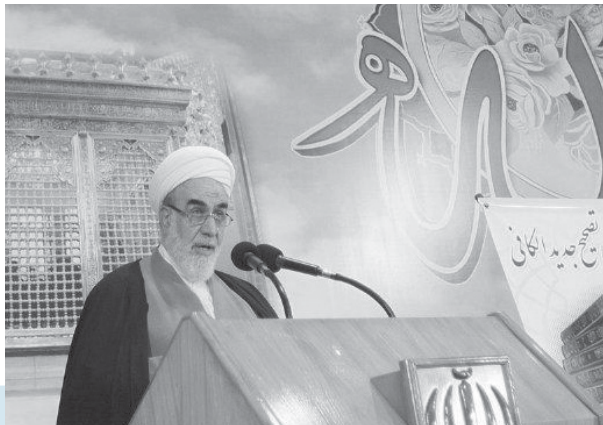
مراسم افتتاح با اجرای سرود جمهوری اسلامی ایران و تلاوت آیاتی از قرآن مجید آغاز گردید.

سپس حجت‌الاسلام والمسلمین ری‌شهری تولیت آستان حضرت عبدالعظیم (ع) به ایراد سخن پرداخت.

وی در بخشی از سخنان خود اظهار داشت: «شیخ کلینی میراث‌دار اهل بیت علیهم السلام در عصر غیبت است. ایشان در دوران امامت امام حسن عسکری (ع) در روستایی نزدیک ری بنام "کلین" به دنیا آمد و دوران او مقارن با عصر حیات چهار سفیر و نایب خاص حضرت مهدی (عج) بوده است؛ لذا ایشان به عنوان یک محدث بزرگ در عصر غیبت صغری، امکان ارتباط با امام عصر را داشته است. مسلماً این احتمال وجود دارد که ایشان بطور غیر رسمی با نواب اربعه ارتباط داشته و تألیف کتاب کافی با اشاره امام عصر بوده باشد. تأمل دقیق در محتوای کتاب کافی نشان می‌دهد که تألیف این کتاب با نیازهای عصر کلینی (ره) همخوانی داشته است».

مراسم افتتاح





پیام رهبر معظم انقلاب

اولین برنامه رسمی "کنگره بین‌المللی ثقة‌الاسلام کلینی (ره)" پیام مقام معظم رهبری بود. متن این پیام که «حجت‌الاسلام والمسلمین محمدی گلپایگانی» رئیس دفتر معظم له آن را قرائت کرد، به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحيم

اقدام جناب آقای ری‌شهری و مؤسسه دارالحدیث، در تجلیل از شخصیت شیخ کلینی - رضوان الله تعالی علیه - و کتاب شریف کافی، شایسته سپاس و قدردانی است.

کتاب کافی، در دوره‌ای هزار و صد ساله، از وفات مرحوم کلینی در ۳۲۹ هجری تا روزگار ما، بیش از هزار سال است که مرجعیت علمی دارد و بین جوامع شیعه، دست به دست می‌گردد و هرگز هیچ فقیه، متکلم یا مفسر شیعه، از آن، مستغنی نبوده است. با وجود این و با وجود چاپ‌های متعددی که از این کتاب، انجام گرفته، تاکنون، حق آن ادا نشده بود و به نظر این جانب، چاپ عرضه‌شده به مناسبت این کنگره، به خاطر تصحیح فنی بسیار خوب، مراجعه دقیق به نسخه‌های اصلی، ذکر گسترده نسخه بدل‌ها، جدا کردن آسانید از متن روایات و مزایای دیگر، اثر برجسته و ارزشمندی است که با سلیقه به کار رفته در آن، ان‌شاءالله یادگاری ماندگار خواهد بود.

شخصیت شیخ کلینی - رحمة الله علیه - نیز شخصیت علمی بارز و برجسته‌ای است. او در هر دو حوزه ری و بغداد، سال‌های زیادی را به علم آموزی و اخذ حدیث از محضر اساتید و مشایخی که شمار آنها بیش از پنجاه تن است، سپری کرد و از دیگر سو، به تربیت گروه بزرگی از طالبان علم و معارف مکتب اهل بیت علیهم‌السلام پرداخت که خود، گواهی بر برجستگی‌های علمی شیخ کلینی‌اند.

کلینی، تنها یک محدث نبود. بررسی کتاب کافی، از جهت چگونگی تبویب و تقدیم و تأخیر ابواب آن و عناوین انتخابی آنها (نظیر: کتاب العقل والجهل، کتاب الحجة، کتاب التوحید و...) نشان می‌دهد که کلینی، علاوه بر آن که محدثی بزرگ است، متکلمی چیره دست نیز هست و محتوا و روش و عناوین به کار گرفته شده توسط وی، ناظر به مسائل کلامی رایج در روزگار اوست. ضمناً مقدمه شیخ بر کافی، مقدمه درخشانی است که نشان می‌دهد این مرد، چه تسلطی بر عبارات و کلمات و مطالب و مفاهیم کلامی و... داشته است.

عصر کلینی نیز روزگار حساس و دشواری است. ولادت او، در حوالی سال ۲۶۰ هجری اتفاق افتاده است که سال وفات امام عسکری علیه‌السلام و آغاز غیبت صغراست و با در نظر گرفتن سال درگذشت او (یعنی ۳۲۹ هجری)، در می‌یابیم که حیات وی، کاملاً منطبق بر دوره غیبت صغراست که از پیچیده‌ترین و حساس‌ترین برهه‌ها در تاریخ تشیع است و شیخ کلینی، تقریباً بیست سال پایانی عمر خویش را، در بغداد به سرآورد که محل سکونت نواب اربعه و وکلای ناحیه مقدسه بود و این ویژگی‌ها در حیات کلینی، برای کسانی که می‌خواهند درباره حرکت علمی شیعه به تحقیق بپردازند، در خور توجه است.

به هر حال به نظر این جانب، تجلیل از کلینی، تجلیل از علم، تجلیل از دین و تجلیل از تشیع است. کافی نیز اثر ارزشمندی است و در مورد این کتاب شریف و مؤلف بزرگوارش، هر چه تجلیل و هر اندازه کار علمی انجام بشود، جا دارد.

این جانب، به سهم خود، از جناب آقای ری‌شهری و بقیه دست اندرکارانی که در برگزاری این کنگره و به بار نشستن محصولات علمی آن دخیل بوده‌اند و هستند، تشکر می‌کنم و برای همگی آنان آرزوی موفقیت دارم.

سید علی خامنه‌ای

۱۳۸۸/۲/۱۷

رونمایی از تصحیح کتاب «الكافی»

در کنگره بین‌المللی ثقة الاسلام کلینی (ره) از تصحیح جدید کتاب «الكافی» در ۱۵ جلد رونمایی گردید.

این موسسه که از سوی مرکز دارالحديث تصحیح و منتشر شده است با حضور «آیت‌الله هاشمی رفسنجانی» رئیس مجلس خبرگان رهبری، «حجت‌الاسلام والمسلمین محمدی گلپایگانی» رئیس دفتر مقام معظم رهبری، «حجت‌الاسلام والمسلمین واعظ زاده»، «حجت‌الاسلام والمسلمین شهرستانی» رئیس دفتر آیت‌الله العظمی سیستانی در ایران و «حجت‌الاسلام مهریزی» رونمایی گردید.

مجموعه کتاب الكافی از گرانقدرترین منابع حدیثی جهان اسلام و شیعه و یکی از چهار کتاب اصلی استنباط فقهی به شمار می‌رود که به اعتقاد کارشناسان با وجود چاپ‌های متعددی که از این کتاب انجام گرفته، تاکنون حق آن ادا نگردیده است.

برخی از ویژگی‌های این چاپ جدید عبارتند از:

۱. تصحیح فنی بسیار خوب؛
۲. مراجعه دقیق به تعداد زیادی از نسخ اصلی؛
۳. ذکر گسترده نسخه بدل‌ها؛
۴. جدا کردن اسانید از متن روایات؛
۵. تحقیق به شکل بی‌نظیر؛
۶. چاپ نفیس.

مصاحبه با دبیر کمیته علمی کنگره

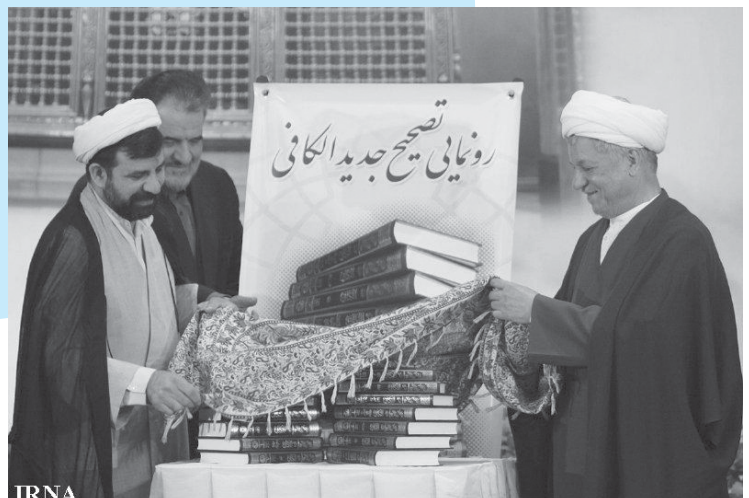
دبیر کمیته علمی کنگره بین‌المللی ثقة الاسلام کلینی (ره) گفت: "کنگره مرحوم کلینی سومین فعالیت در زمینه بزرگداشت عالمان شهرری است و پیش از این در سال‌های ۱۳۸۲ و ۱۳۸۴ کنگره بزرگداشت حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) و بزرگداشت ابوالفتح رازی برگزار شده بود. برپایی این کنگره‌ها طرحی از آستان حضرت عبدالعظیم (ع) و مؤسسه دارالحديث بوده که از سال ۱۳۸۰ فعالیت خود را رسماً آغاز نموده است."

«حجت‌الاسلام والمسلمین مهریزی» افزود: "از سال ۱۳۸۴ تاکنون فعالیت‌های علمی بسیاری را آستان حضرت عبدالعظیم و مؤسسه دارالحديث انجام داده‌اند. یکی از این کارها تصحیح کتاب شریف کافی است که از سال ۱۳۸۱ آغاز شد و در سال ۱۳۸۷ پایان یافت."

وی تعداد مقالات علمی برگزیده برای ارائه در کنگره را ۱۵ مقاله برشمرد و گفت: "در کنار این مقالات، یک مجموعه ۷ جلدی شامل ۸۸ مقاله و ۴ مجله و ۴ خبرنامه نیز به چاپ رسیده که شامل ۶۰ مقاله می‌باشد."

مهریزی اضافه کرد: "مقالاتی نیز به صورت سخنرانی از سوی علماء و اندیشمندان از کشورهای عراق، لبنان، ایران و آمریکا در این کنگره ارائه خواهد گردید."

وی در خاتمه برگزاری میزگردی با عنوان "کار تصحیح کافی" را از دیگر برنامه‌های این کنگره برشمرد.



مکتب اهل بیت (ع) عظیم‌ترین مخزن اسرار الهی است

«آیت‌الله هاشمی رفسنجانی» رئیس مجلس خبرگان رهبری، از سخنرانان «کنگره بین‌المللی ثقة الاسلام کلینی (ره)» بود. رئیس مجلس خبرگان رهبری در این کنگره گفت: «سرمایه‌ای غنی‌تر از مکتب اهل بیت علیهم السلام در عالم وجود ندارد». هاشمی رفسنجانی افزود: «در سیر مطالعاتی و بررسی‌هایی که انجام دادم، به این نتیجه رسیدم که مکتب اهل بیت عظیم‌ترین مخزن اسرار الهی و بزرگ‌ترین سرمایه اخلاقی، سیاسی و اجتماعی برای اداره بشریت است».

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام با بیان این مطلب که در ۲۵۰ سال فاصله میان زمان پیامبر (ص) تا زمان آغاز غیبت امام عصر (عج)، امامان معصوم با بهره‌گیری از دانش لدنی و الهام و ارتباط مطمئن با منابع دانش و نیز آشنایی کامل با قرآن، منابع علمی زمان بوده‌اند، افزود: «گرچه این بزرگواران نتوانسته‌اند با توجه به مشکلات سیاسی که وجود داشت، اسلام را در جهان عملیاتی کنند اما با مجاهدت و کوشش فراوان این معارف ارزشمند را به ثبت رسانده‌اند».

رفسنجانی با اشاره به ثبت معارف در جزوه‌ها و متون به عنوان اصلی‌ترین سرمایه مطالب اهل بیت علیهم السلام گفت: «متأسفانه بسیاری از این جزوه‌ها به دست ما نرسیده است؛ اما آنچه را بزرگان احیا کردند و به دست ما رسیده است نیز اقیانوس بی‌کرانه‌ای است که در کنار تفاسیر ارزشمند قرآن که با بهره‌گیری از علوم لدنی ائمه صورت گرفته، می‌تواند مبنای ارزشمند راه قرار گیرد». این دانشمند علوم اسلامی پس از توضیح دوره تدوین، عصر غیبت را مورد توجه قرار داد و گفت: «عصر غیبت نقطه سرنوشت‌ساز مکتب اهل بیت بوده‌است و اگر خدای ناکرده در دوران غیبت صغری این استفاده‌های ارزشمند از دانش و علوم لدنی صورت نمی‌گرفت، مشخص نبود مکتب اهل بیت امروز چه سرنوشتی داشت».

وی تأکید کرد: «این مکتب را علما و اندیشمندانی نظیر کلینی به پیش برده‌اند و تا آنجا که مقدورشان بود، آن را حفظ کرده‌اند». آیت‌الله هاشمی رفسنجانی دو مکتب محدثان و فقها را مکمل یکدیگر در زمان غیبت صغری نام برد و خاطر نشان کرد: «مکتب محدثان که "علی بن ابراهیم قمی"، "شیخ کلینی" و "مرحوم صدوق" از پایه‌گذاران آن بودند، در مرحله محاسباتی در جایگاه بالاتری از مکتب فقها که "شیخ مفید"، "سید مرتضی" و "شیخ طوسی" پایه‌گذاران آن بودند قرار دارد. اما هر دو مکتب به عنوان مکمل یکدیگر زمینه‌های توسعه دانش مبتنی بر حرکت اهل بیت را رقم زده‌اند».

وی با ارزیابی نقش ری و سابقه تاریخی آن، بر ضرورت احیای محل زندگی خاندان کلینی تأکید کرد و افزود: «ری یکی از قدیمی‌ترین شهرهای دنیا است و سابقه آن آنقدر هست که برخی این شهر را به فرزندان آدم و نوح نسبت می‌دهند. این شهر در طول تاریخ، مورد توجه ویژه حکومت‌هایی نظیر بنی‌امیه و بنی‌عباس قرار داشت. گرچه در مقطعی از زمان، خوارج پس از شکست به ری گریختند اما در زمان حکومت حضرت علی (ع) این دیار یکی از امن‌ترین و آرام‌ترین نقاط منطقه بود. مردم ری از حامیان با ارزش علویان بودند و میزبانی این منطقه از عالمان و اندیشمندان و آگاهان نشان از عمق جایگاه ری در تاریخ ایران و اسلام دارد». آیت‌الله هاشمی رفسنجانی همچنین با بیان تاریخچه زندگی علمی «ابو جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق رازی» معروف به «ثقة الاسلام کلینی» گفت: «مرحوم کلینی حدود ۷۰ سال زندگی کرد که یک‌سوم آن را در بغداد و بقیه را در شهر ری یا مسافرت به سر برد و چون بغداد در آن زمان محل دانش و تمدن بود، به جهت فضای علمی و تقابل اندیشه‌ها در آنجا فضای مباحثه مناسبی حاکم بوده است. شیخ کلینی کتاب الکافی را با توجه به مقتضیات زمان خود تحریر کرد».

ایشان با انتقاد از برخی تنگ‌نظری‌ها در مباحثات علمی گفت: «اکنون با وجود آزادی‌های معاصر، افراد در بحث‌های علمی، در تقابل با یکدیگر قرار گرفته و حتی همدیگر را تکفیر و تفسیق می‌کنند! در حالی که حقیقتاً باید مباحثات و میزگردهای علمی ما با سعه صدر و برای آشنایی با دانش صورت گیرد».

رئیس مجلس خبرگان رهبری کتاب الکافی را ذخیره‌ای بزرگ برای شیعیان دانست و تأکید کرد: «علما و اندیشمندانی نظیر کلینی، با وجود دشواری‌های فراوان مکتب اهل بیت را به پیش برده‌اند و تا آنجا که در توان داشتند آن را حفظ کردند. حوزه‌های علمیه هم امروز باید از ارتباطاتی که در سایه حکومت ولایت فقیه مقدور شده است برای تحقیق، مطالعه و مباحثه استفاده کنند. اعتقاد ما این است که دین ما دین ابدی و جهانی است و بناست با استدلال و منطق، بر همه ادیان برتری داشته باشد. امروز دیگر با زور چیزی به جایی نمی‌رسد و منطق علم و استدلال حاکم است. با وجود "کتاب عقل و جهل" مرحوم کلینی مشخص است که در زمان ایشان هم منطق عقل حاکم بوده است».



سخنان دکتر علی لاریجانی

«دکتر علی اردشیر لاریجانی» رئیس مجلس شورای اسلامی، سخنران اختتامیه «کنگره بین‌المللی ثقة الاسلام کلینی (ره)» بود. موضوع سخنرانی وی، «عقل‌گرایی شیعه» بود که در آن گفت: «کلینی با طرح‌بندی مبحث عقل و عقل‌گرایی باعث تحول عمیق در تفکر اسلامی شده است».

آقای لاریجانی افزود: «توجه به عقل در نقطه کانونی تفکر شیعه قرار دارد و شیخ کلینی نیز در کتاب «العقل و الجهل کافی» نشانه‌ای از این تفکر را که توجه به عقل است آورده و نخستین باب کافی را باب عقل و جهل قرار داده که شاید این کار نمادین در جهت معرفی اندیشه عقلانیت محور در بین مشربی از عالمان شیعه بوده است. بنابراین در تفکر عالمان شیعی اصل بر قرآن، روایات، اجماع و عقل قرار گرفته و کلید کار نیز بر مبنای عقل‌گرایی استوار شده است».

وی در ادامه افزود: «یکی از خلاءهای امروز ما به عقل‌گرایی ما مربوط می‌شود و باید توجه داشت که اگر کسی بخواهد درک درستی از اسلام داشته باشد باید به عقل و عقل‌گرایی تکیه کرده باشد».

رئیس مجلس شورای اسلامی اضافه کرد: «کلید بسیاری از مسایل اسلامی به درک جایگاه عقل استوار بوده و به نظر می‌رسد در دنیای جدید تلقی‌های جدال بین عقل و دین به جایگاه حساسی رسیده و به یقین تبیین صحیح از جایگاه عقل و تفکر شیعی می‌تواند معرفی دقیق‌تری از شیعه ارایه دهد، اما برخی متفکران اسلامی مانند سلفی‌ها و وهابیان نمی‌توانند جایگاه درستی از عقل را نشان دهند و به کج‌راهی می‌روند به همین خاطر تاکنون نتوانستند مانند متفکران شیعه جای عقل را به درستی بیابند».

وی در ادامه به نقش ایمان و متفکران مغرب زمین اشاره و تأکید کرد: «در بین فیلسوفان غربی دو قرائت جداگانه وجود دارد؛ برخی از آنان همچون "سقراط" و "افلاطون" نگرش موحدانه‌ای داشته‌اند، ولی عده‌ای از فیلسوفان معاصر اندیشه‌ای سکولار و دنیاگرایانه دارند. اما عالمان شیعی همچون مرحوم کلینی، دین و برداشت‌های دینی را از منظر عقل‌گرایی ترسیم و باعث تحول در تفکر اسلامی شده‌اند».

خلاصه مقاله حجت الاسلام سروش محلاتی

مقاله «حجت الاسلام والمسلمین سروش محلاتی» یکی از مقالات برگزیده «کنگره بین‌المللی ثقة الاسلام کلینی (ره)» بود.

وی در این مقاله با ذکر اینکه کتاب کافی علاوه بر اینکه گردآوری حدیث است ولی در این کتاب بنابر آن بوده تا آنچه مبنای عملی و اعتبار داشته است، نقل شود نوشت: «از جمله کارهایی که باید بر روی کافی انجام پذیرد، استخراج فتاوی فقهی شیخ کلینی است».

سروش محلاتی در ادامه مقاله‌اش آورده است:

"مسئله ملکیت از آرای مهم مطرح‌شده در کتاب کافی است که در دوران معاصر هم بسیار حائز اهمیت است. در کافی، احادیث متعددی با این عبارت آمده است که «الارض كلها للامام» یعنی تمامی زمین برای امام (ع) است. در اینجا دو سؤال مطرح است که باید پاسخ داده شود:

۱. روایاتی که این مجهول (الارض كلها للامام) در آن مطرح است را چگونه پاسخ دهیم؟

۲. نظر خود شیخ کلینی در این باب چه بوده است؟ این مقاله به چند نظر که در این مسئله مطرح شده است، توجه دارد.

از جمله این نظرات عبارتند از: ملکیت امام (ع) از نوع تکوینی است؛ یعنی همانگونه که خداوند مالک همه چیز است، امام (ع) نیز مالک است، اما این ملکیت بر همه چیز است هم زمین، هم آسمان و هر چیز دیگری.

نظر دیگر این که تخصیصی به روایت بز نیم و شمول آن را تنها در زمین‌های موات بدانیم.

نظریه سوم مالکیت طولی است؛ یعنی اشخاص، نسبت به زمین ملکیت دارند، ولی امام (ع) می‌تواند در این ملکیت تصرف انجام دهد، اما نه این که مالک باشد بلکه اشخاص مالک هستند.

نظریه آخر این که مالکیت امام (ع)، ولایتی است. مانند دخل و تصرف حاکم اسلامی در املاک برای توسعه امور شهری و از این قبیل.



سخنان آیت‌الله استادی



«آیت‌الله رضا استادی» عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و یکی از کتاب‌شناسان برجسته معاصر، یکی دیگر از سخنرانان «کنگره بین‌المللی ثقة الاسلام کلینی (ره)» بود.

ایشان نکاتی را درباره کتاب کلینی و کتاب کافی او یاد آور شد؛ از جمله:

✽ کتاب کافی به عنوان یکی از کتاب‌های چهارگانه حدیثی - یا همان کتب اربعه - شناخته می‌شود. این عنوان اولین بار در برخی نوشته‌های شهید ثانی آمده است.

✽ از شیخ کلینی با لقب «ثقة الاسلام» یاد می‌شود. این لقب برای وی در برخی تألیفات «شیخ بهائی» آمده و پس از او دیگران از او در ذکر این لقب پیروی کردند.

✽ مقابله کتاب‌های حدیثی با نسخه‌های معتبر همواره مورد توجه فقها و محدثان بوده است، اما کمتر دیده شده که یک کتاب حدیثی با مثلاً ده نسخه دیگر مقابله شده باشد. چاپ جدید کتاب کافی این امتیاز را دارد که با هفت تا یازده نسخه معتبر مقابله شده است.

✽ اگر نسخه‌های قدیمی کافی کم است اما از سده هشتم به بعد صدها نسخه و قطعه از این کتاب عظیم در کتابخانه‌های ایران و جهان موجود است که برخی از آنها با نسخه‌های قدیمی مقابله شده است.

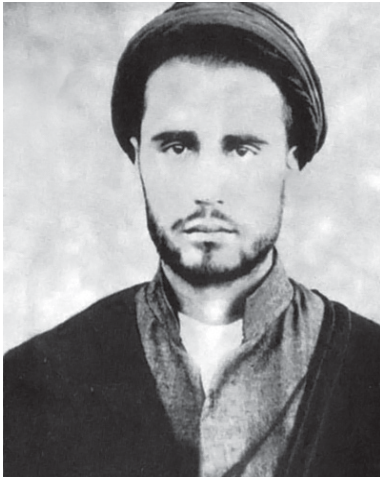
✽ کتاب کافی از کتاب‌هایی است که همواره مورد شرح و بررسی قرار گرفته است؛ اما تا آنجا که ما اطلاع داریم اولین شرح آن در سال ۱۰۰۰ نگاشته شده است. پس از آن، شرح‌های متعددی خطی و چاپی در این زمینه در اختیار است.

✽ برخی گمان می‌کنند که قبل از زمان «علامه مجلسی» و پدر او و اساتید آنها، درباره حدیث کار مهمی انجام نشده است؛ اما این گمان صحیح نیست زیرا مثلاً «علامه حلی» کتاب‌های مهمی در باره حدیث داشته که در تألیفات او یاد شده است اما متأسفانه نسخه‌های آن از بین رفته و اینک در اختیار نیست.

✽ به نظر من در طول تاریخ روی کتاب کافی به این شکل کار نشده بود زیرا از بین بیش از هزار نسخه خطی کافی، ۷۰ نسخه و از بین آن ۷۰ نسخه، چند نسخه‌ای که مزیت‌های بیشتری داشته‌اند برای مقابله برگزیده شدند و کار علمی خوبی انجام شده است. در اینجا لازم است از زحمات مؤسسه دارالحدیث و آقای ری‌شهری تشکر کنیم.

✽ واقعاً اگر مرحوم کلینی و کتابش نبود قسمت عمده‌ای از روایات اهل بیت - علیهم السلام - از بین می‌رفت. ما، مکتب ما و حوزه‌های علمیه مدیون ثقة الاسلام کلینی و امثال او هستیم.





زندگی نامه حاج آقا روح الله به قلم امام خمینی (ره)

آنچه در پی می‌آید شرح حال و فرازهایی از زندگی بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی، امام خمینی می‌باشد که ایشان با قلم سرشار از خیر و برکت خود، چهار سال قبل از رحلتشان در سال ۱۳۶۴ شمسی، مطابق با ۱۴۰۶ قمری، در جماران تهران نگاشته‌اند.^۱

بسمه تعالی.

به حسب شناسنامه شماره ۲۷۴۴ تولد ۱۲۷۹ شمسی در خمین؛ اما در واقع ۲۰ جمادی‌الثانی ۱۳۲۰ هجری قمری مطابق با اول مهر ۱۲۸۱ شمسی است.

نام خانوادگی: مصطفوی

پدر: آقا مصطفی

مادر: خانم هاجر- دختر مرحوم آقا میرزا احمد مجتهد خوانساری‌الاصل و خمینی‌المسکن.

صدور در گلپایگان به وسیله صفری‌نژاد رئیس اداره آمار ثبت گلپایگان.

در خمین در مکتب‌خانه مرحوم ملا ابوالقاسم تحصیل شروع و نزد مرحوم آقا شیخ جعفر و مرحوم میرزا محمد (افتخارالعلماء) درس‌های ابتدایی، سپس در خلال آن نزد مرحوم حاج میرزا محمد مهدی (دایی) مقدمات شروع و نزد مرحوم آقای نجفی خمینی منطق شروع و نزد حضرت‌عالی^۲ ظاهراً «سیوطی»^۳ و «شرح باب حادی عشر»^۴ و منطق و مسلماً در «مطول»^۵ مقداری.

در اراک که سنه ۱۳۳۹ قمری برای تحصیل رفتن نزد مرحوم آقا شیخ محمدعلی بروجردی «مطول» و نزد مرحوم آقا شیخ محمد گلپایگانی «منطق» و نزد مرحوم آقا عباس اراکی «شرح لمعه»^۶. پس از هجرت به قم به دنبال هجرت مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم-رحمة الله علیه-ظاهراً هجرت ایشان رجب ۱۳۴۰ قمری بود، هجرت آیت الله حائری به قم، رجب ۱۳۴۰ و نوروز ۱۳۰۰ شمسی است-تمه «مطول» را نزد مرحوم ادیب تهرانی موسوم به آقا میرزا محمدعلی و «سطوح»^۷ را نزد مرحوم آقای حاج سید محمدتقی خوانساری مقداری یا بیشتر نزد مرحوم آقا میرزا سیدعلی یثربی کاشانی تا آخر «سطوح» و با ایشان به درس خارج مرحوم آیت الله حائری حاج شیخ عبدالکریم می‌رفتیم و عمده تحصیلات خارج نزد ایشان بوده است و فلسفه را مرحوم حاج سید ابوالحسن قزوینی و ریاضیات، «هیئت»^۸ حساب نزد ایشان و مرحوم آقا میرزا علی اکبر یزدی^۹ و عمده استفاده در علوم معنوی و عرفانی نزد مرحوم آقای آقامیرزا محمدعلی شاه آبادی بوده است.



پس از وفات مرحوم آقای حائری با عده‌ای از رفقا بحث داشتیم تا آنکه مرحوم آقای بروجردی-رحمة الله-به قم آمدند. برای ترویج ایشان به درس ایشان رفتن و استفاده هم نمودم و از مدت‌ها قبل از آمدن آقای بروجردی عمده اشتغال به تدریس «معقول»^{۱۰} و «عرفان» و سطوح عالی اصول و فقه بود. پس از آمدن ایشان به تقاضای آقایان مثل مرحوم آقای مطهری به تدریس خارج فقه مشغول شدم و از علوم عقلیه باز ماندم و این اشتغال در طول اقامت قم و مدت اقامت نجف مستدام بود، و پس از انتقال به پاریس از همه محروم و به امور دیگر اشتغال داشتم که تاکنون ادامه دارد.

نام عیال اینجانب خدیجه ثقفی معروف به «قدس ایران» متولد ۱۲۹۲ شمسی، صبیبه حضرت آقای حاج میرزا محمد ثقفی تهرانی. تاریخ ازدواج ۱۳۰۸.

فرزند اول: مصطفی، متولد ۱۳۰۹ شمسی.

سه دختر در قید حیات، با یک پسر: احمد متولد ۱۳۲۴، دختران به ترتیب سن: صدیقه، فریده، فهیمه، سعیده و بعد از احمد: لطیفه، آخرین فرزند در حیات احمد^{۱۱}.

۱. این شرح حال از صفحه امام، ج ۱۹، صفحات ۴۲۶ تا ۴۲۸ عیناً نقل شده است.
۲. منظور امام از «حضرت‌عالی»، آقای سید مرتضی پسندیده، برادر بزرگ ایشان است.
۳. از کتب درسی حوزه‌های علمیه در ادبیات عرب (علم نحو)، این کتاب شرحی است از جلال الدین سیوطی بر الفیه ابن مالک.
۴. از کتب درسی حوزه‌های علمیه در علم کلام و اعتقادات دینی، این کتاب شرحی است از فاضل مقداد بر بخشی از یک کتاب علامه حلی.
۵. کتابی است معروف در علم معانی و بیان (فنون مربوط به بلاغت کلام)، خلاصه این کتاب به نام «مختصر المعانی» یا «مختصر» نیز معروف است و هر دوازده تالیفات سعدالدین تفتازانی است.
۶. کتابی است مشهور که مشتمل بر یک دوره فقه امامیه است و متن آن اثر شهید اول بوده که توسط شهید ثانی بر آن شرح نوشته شده است و به «شرح لمعه» مشهور گردیده است.
۷. تحصیلات حوزه‌ای به سه مقطع: مقدماتی، سطح و عالی یا خارج تقسیم می‌شود و منظور از خواندن سطوح، قرائت کتاب‌های قوانین، رسائل، مکاسب و کفایة الاصول نزد اساتید فن است.
۸. علم «هیئت» یا نجوم از جمله دروس متداول در حوزه‌های علمیه قم بوده است.
۹. آقای علی اکبر حکمی یزدی، از شاگردان میرزا آقای علی مدرس تهرانی در فلسفه که خود از فیلسوفان بزرگ بوده و در سال ۱۳۴۳ م. ق. در قم درگذشته است.
۱۰. مراد از معقول، دانش فلسفه است که امام خمینی سال‌ها به تدریس شرح منظومه و اسفار (دو متن مهم درسی فلسفه) در حوزه قم اشتغال داشته‌اند.
۱۱. خانم‌ها صدیقه و فریده و فهیمه، دختران امام خمینی هستند فهیمه خانم، همان خانم دکتر زهرا مصطفوی است.

□ به قلم: سید عیسی حسینی مزاری

به بهانه بیستمین سالروز عروج این یگانه دوران امام خمینی (ره) و افغانستان

آنچه در پی می‌آید، مقاله‌ای به قلم یکی از اعضای هیأت تحریریه خبرگزاری صدای افغان (www.avapress.com) است که در آن به بررسی تأثیرات امام خمینی (ره) بر کشور افغانستان پرداخته است. از این رو ممکن است کلماتی که در نوشتار و گفتار فارسی ایرانی نامأنوس به نظر برسند در این متن وجود داشته باشد که برای حفظ امانت ویرایش نگردیده‌اند.



است، اما نگارنده تاکنون در جایی نه، مشاهده کرده و نه هم مطالعه‌ای نموده که موضوعی پیرامون دیدگاه امام خمینی "ره" در رابطه با مردم افغانستان، عنوان مقاله‌ای باشد و در این رابطه دقیق تر نوشتاری ارایه گردد و اگر چه، تحریر مطالبی با این رویکرد، می‌تواند در زمینه‌های مختلف دنبال شود ولی من در این مجال کوتاه، سعی می‌کنم گوشه‌های بسیار کوچکی از ارتباط امام "ره" را با مردم و کشور افغانستان یادآوری نمایم تا باشد که مردم قدر شناس افغانستان به خصوص آن نسلی که بعد از امام خمینی "ره" به دنیا آمده و اکنون جوانان برومند این مملکت‌اند، آن امام "ره" را به خوبی درک نموده، تجدید میثاقی شود به ادامه، یا سر آغازی گردد به ایجاد ارتباط با اندیشه‌های عمیق و سودمند آن امام "ره".

امام خمینی (ره) و اندیشه جهان وطنی

جای شکی نیست که امام خمینی "ره" با اندیشه دینی جهان‌وطنی، مبارزات خود را آغاز کرد و از لابلای نوشته‌ها و سخنانش نیز، می‌توان دریافت که آن بزرگمرد، همیشه به فکر نه تنها نجات فقط مسلمانان که در اندیشه رهایی همه بشریت از زیر یوغ ظلم و ستم استکبار بوده است اما نسبت به مسلمانان، نظر ویژه‌تر و خاصی داشتند و چون می‌دانستند که مظلوم‌ترین و مشکل‌دارترین مردم دنیا، مسلمانان‌اند، احساس دین و مسؤولیت بیشتری نسبت به این قشر نموده، از این رو همواره فریاد دلسوزی و کمک به همه مسلمانان، بر آورده و هر چه در توان داشته‌اند سعی بر آن می‌نمودند تا به هر نحو ممکن به مسلمانان در هر گوشه‌ای از کره خاکی یاری رسانده شود.

بار دیگر در آستانه ۱۴ جوزا (خرداد) قرار گرفته‌ایم، روزی که بزرگترین مرد تاریخ معاصر به خدا پیوست و جاودانه شد. آری امام خمینی (ره) همانگونه که در زندگی این جهانی خود، تأثیرات شگرفی در ابعاد مختلف مناسبات جهانی و زندگی بسیاری از انسان‌ها گذاشت، بعد از ارتحال و به خدا پیوستنش هم، یک چنین ویژگی‌ای داشته، اندیشه او به عنوان عامل اثرگذار، همچنان مطرح است تا حدی که به خصوص در قرن اخیر، تاریخ، یک چنین شخصیت مؤثر و مفید را در خود ندیده است. خصوصیات فردی و جمعی امام خمینی (ره) هر کدام به نوبه خود، زاینده موضوعات زیادی است که هر یک می‌تواند به عنوان سوژه‌های بحث‌های فراوان انتخاب گردد و ساعت‌ها و روزها و ماه‌ها و بلکه سال‌ها مورد دقت و مطالعه قرار بگیرد و در نتیجه انبوهی از کتاب‌های مطلوب، مفید و راهگشا برای بشر امروز تهیه گردد، چنانچه پیرامون این شخصیت عظیم الشان جهان بشریت، تاکنون هم، مطالب متعددی که شمار آن‌ها از احصا خارج است به رشته تحریر در آمده اما چهاردهم جوزا که همزمان است با سالروز ارتحال آن بزرگوار، موجب می‌شود تا ما هم در لابلای اندیشه، گفتار و رفتار آن بزرگوار، بیشتر از همیشه، مروری کنیم تا حد اقل نیاز فکری گوناگون امروز خود را از آن بگیریم و نیز با یادآوری خط و ربط فکری و استراتژی حرکت آن امام "ره"، به اصلاح راه و روش خویش بپردازیم و تلنگری به خود، که همواره غافل و فراموشکاریم، بزنیم تا مبدا راه آن امام "ره" را به طاق نسیان بسپاریم.

در رابطه با امام "ره" و اندیشه‌های آن معظم، عناوین مختلفی از سوی شخصیت‌های افغانی پیگیری و به واکاوی گرفته شده

امام خمینی (ره) و مجاهدین افغانستان

یکی از کشورهایی که همواره در مرکز توجه حضرت امام بوده، افغانستان و بخشی از پیکره امت اسلامی که به طور مرتب و دایم مورد حمایت آن امام بوده، مردم مسلمان این سرزمین است. شاید در اثبات حمایت آن امام "ره" از مردم مجاهد افغانستان، ذکر همین مطلب بس باشد، که زمانی، سفیر شوروی وقت، محضر آن یگانه دوران، حضور به هم می‌رساند تا تهاجم ارتش سرخ به افغانستان را توجیه نماید، امام "ره" مخالفت خود را ابراز می‌دارند. چنانچه خود امام "ره" می‌فرمایند: (آن روزی که سفیر شوروی آمد پیش من، گفت که دولت افغانستان خواسته است که شوروی، نظامی به آنجا بفرستد، به او گفتم که این اشتباهی است که شوروی می‌کند، البته دولت شوروی می‌تواند افغانستان را قبضه کند، ولی نمی‌تواند در آنجا مستقر شود، اگر شما خیال کرده اید بتوانید افغانستان را بگیرید و آن را آرام کنید، این خیال باطل است. ملت افغانستان مسلم است، ایستاده اند در مقابل حکومت افغانستان، شما هم اگر بروید و هر قدرت دیگر هم برود، آنجا را می‌گیرد اما نمی‌تواند آن‌ها را آرام کند و بالاخره شکست می‌خورد).

یا آن جایی که امام خمینی "ره" به هیچ قیمتی حاضر نمی‌شوند به پیشنهاد وزیر خارجه وقت شوروی مبنی بر قطع حمایت از مجاهدین، جواب مثبت بدهند. قصه از این قرار است که: در زمان جهاد مردم افغانستان، آن هم در شرایطی که ایران اسلامی، در گیر جنگ نابرابر و تحمیلی با ارتش مجهز و تا به دندان مسلح صدام بود که در حقیقت با چراغ سبز استکبار و حمایت همه جانبه کشور های قدرتمند دنیا و حتی برخی کشور های به ظاهر مسلمان، علیه حکومت اسلامی تحت رهبری امام خمینی "ره"

اگر نبود یاری مردم و دولت جمهوری اسلامی ایران با مردم و مجاهدین افغانستان، معلوم نبود که سرنوشت جهاد و مقاومت، به کجا می‌کشید و چه ضربه های هولناکی را، تمامیت افغانستان متحمل می‌شد.

اقدامات جنگ‌افروزانه را روی دست گرفت، وزیر خارجه وقت اتحاد جماهیر شوروی، خدمت امام خمینی (ره) رسید و از ایشان تقاضا کرد که دست از حمایت جهاد مردم افغانستان بردارند و در عوض، شوروی‌ها، امکانات نظامی به خصوص موشک های دوربرد به رژیم صدام نخواستند داد تا بتواند قلب تهران را نشانه بگیرد و پایتخت مورد اقامت آن بزرگوار را تخریب کند؛ اما جواب امام خمینی (ره) چنان دندان شکن بود که باعث حیرت نه تنها

وزیر خارجه شوروی که تمام قدرتمندان دنیا شد و آن پاسخ، نه، بود در برابر بزرگترین قدرت نظامی و اقتصادی دنیا و در نتیجه امام حاضر نشد حتی به خاطر درامان ماندن جان خود و هموطنانشان، از حمایت مجاهد مردان افغانستان دست بکشند.



امام:

... و همینطور مهمان هایی که داریم ... افغانی هستند، مسلمان هستند ... عراقی هستند یا بیچاره‌ها را از خانه‌های شان دور کردند، مال‌شان را بردند، خودشان را فرستادند اینجا، خوب باید چه کرد با این‌ها؟ نباید این‌ها را پذیرایی کرد؟ ما مسلمانیم، آن‌ها هم مسلمانند، ما باید از آن‌ها پذیرایی کنیم، خدمت کنیم به آن‌ها ...

امام "ره" علاوه بر اینکه همواره تقویت دل و روح مجاهدان افغانستان بودند و از راه های گوناگون ابراز دلسوزی، محبت و حمایت می نمودند، مبارزین مسلمان این کشور را بت شکن معرفی نموده در رهنمودی، خطاب به سفرای کشورهای اسلامی، در تهران، می‌گویند: (ارزش این چریک های افغانی این است که شکستند آن بت بزرگی که برای ملت ها تراشیده بودند که اگر چنانچه کسی به شوروی یک کلمه بگوید باید به فنا برسد... چریک های افغانستان شکستند آن هیولا و چیزی که برای ملت‌ها پیش آورده بودند. این عمل شما در اینجا و آن عمل آن‌ها در آنجا (افغانستان) ارزشش یک ارزشی نیست که ما بتوانیم به میزان در آوریم).

طبعاً تبیین و عمده نمودن چنین مطلبی، آن هم از سوی بزرگترین مرد معاصر، غیر از اینکه موجبات تشویق بیش از پیش مجاهدین را فراهم می‌کرد، خود نوعی مطرح کردن مردم افغانستان به عنوان الگوی مبارزه و جهاد بود و به شیوه دیگر و به طور غیر مستقیم، باعث جلب توجه ملت های مسلمان برای ایجاد ارتباط با مردم کشور و ارایه کمک های مختلف به مجاهدین افغانستان شده و نیز تأکید مؤکد بر این بود که: مقابله مردم ما با ابرقدرت شرق، واقعاً جهاد الهی بوده و ایستادگی در برابر ارتش تا به دندان مسلح شوروی، برحق، و کشتن دشمن در این جنگ، وظیفه دینی و انسانی و کشته شدن در آن هم، شهادت محسوب می‌گردد. درحقیقت امام خمینی "ره" در آن زمان، جواب افراد و جریان هایی را در امروز داده اند که به خاطر رسیدن به اهداف استعماری خود، مجاهدین افغانستان را جنگ سالار و یا آتش افروز می‌خوانند و با تبلیغات



می‌گویند: (آواره‌هایی که از افغانستان الآن در ایران هستند و مشکلات زیادی دارند... "البته ملت خیلی کمک می‌کند در همه این امور، لکن اینطور نیست که کمک ملت کافی باشد..." دولت است که متکفل این امور است و مسؤول این امور است).

و در جایی دیگر طی فرمایشاتی خطاب به نمایندگان اصناف و بازاریان تهران می‌فرمایند: (... و همینطور مهمان‌هایی که داریم، خوب افغانی هستند، مسلمان هستند یا فرض کنید که عراقی هستند یا بیچاره‌ها را از خانه‌های شان دور کردند، مال‌شان را بردند، خودشان را فرستادند اینجا، خوب باید چه کرد با این‌ها؟ نباید این‌ها را پذیرایی کرد؟ ما مسلمانیم، آن‌ها هم مسلمانند، ما باید از آن‌ها پذیرایی کنیم، خدمت کنیم به آن‌ها و این دولت است که دارد این کارها را می‌کند). به طور قطع می‌توان گفت که افکار و اندیشه‌های امام "ره" نسبت به مردم، مجاهدین داخل و مهاجرین افغانستانی مقیم جمهوری اسلامی ایران و طرح آن‌ها در قالب دستورات و یا فرمایشات صریح و مکرر، خطاب به مسؤولین دولت ایران و مردم این کشور، علاوه بر اینکه خط و جهت عمومی و وظایف اساسی ایرانی‌ها را نسبت به مسایل افغانستان، هم در ابعاد سیاسی و انسان‌دوستانه و هم در قسمت دینی، روشن ساخته، در سطح منطقه و جهان اثرات شگرف و عمیقی را به جا گذاشت و با توجه به محبوبیت آن بزرگوار در میان ملت‌ها و اثرگذاری عمده ایشان بر مناسبات جهانی، موضوع افغانستان، مجاهدین این کشور و مردم جهاد پرور آن، در مرکز توجه جهانی قرار گرفت و بسیار بسیار به نفع همه جانبه افغانستان تمام گردید.

اینگونه است که امروزه مردم افغانستان، جریان‌ها و دستجات مختلف، عاشقانه امام را دوست دارند و با آن که شرایط کنونی به گونه‌ای است که شاید از نظر برخی، فضا، مناسب برای ارتباط گرفتن با افکار و اندیشه‌های آن بزرگوار نباشد اما مردم، بی‌توجه به همه موانع و تمام عوامل کینه‌توز، از هر راه ممکن، عشق و ارادت خویش را به آن امام مستضعف پرور نه تنها کتمان نمی‌کنند که با حرارت و اشتیاق، بروز می‌دهند و حتی آنانی که در گذشته، شاید به گونه‌ای، در مسیر عناد با خط امام قرار داشتند و یا به نحوی، خود را دور از حوزه تفکر و اندیشه آن والا گهر گرفته بودند، امروزه سعی می‌نمایند تا به هر شکلی، جبران ما فات نموده دست کم در سالروز ارتحال آن عزیز عروج کرده، سخن بگویند، اظهار نظر نمایند و ابراز عشق و مودت به امام "ره" کنند و در مراسم عزاداری‌ها، بر سر و سینه بکوبند و اشک ندامت بریزند. یاد آن امام مداوم، روحش شاد و راهش پر رهرو باد.

صحبت‌های حضرت امام که داخل قوس یا پرانتز گذاشته شده اند از مجله "رهبری و افغانستان" چاپ مرکز تحقیقات افغانستان، نقل شده اند.

زهرآگین‌شان، قصد مغشوش کردن اذهان عامه را علیه مجاهدت مردم ما دارند. پس مطابق گفته امام خمینی (ره) که برای ما حجت شرعیه است، مردم ما اگر دشمن را کشته اند، غازی و اگر در مقابل با آن، جان داده اند شهیدند، نه جنگ سالار و نه هم جنگ افروز مورد ادعای غربی‌ها و اجیران داخلی آن‌ها. امام خمینی "ره" در طول مبارزات مردم افغانستان و تا آخرین لحظه حیات پربرکت‌شان، نه تنها به یاد مردم این کشور بوده که در اکثر صحبت‌ها و سخنان‌شان، حد اقل از دنیای اسلام برای مردم و مجاهدین ما رأساً و به صراحت طلب استمداد نموده و طبیعی می‌نماید، همانگونه که خود می‌اندیشیده، شاید به تمام دستگاه‌های کشور تحت رهبری خویش (ایران) دستور داده باشد تا پیگیر این سیاست‌ها بوده و به هر نحو ممکن به مجاهدان و عموماً مردم افغانستان کمک شود تا آن‌ها بتوانند در رهایی کشورشان، توفیق حاصل نمایند که واقعیت امر نیز چنین بود و دنیا، شاهد بود که جمهوری اسلامی ایران در هیچ لحظه‌ای از تاریخ، مردم ما را نه تنها فراموش نکرده که در بدترین سختی‌های دوران جهاد و پس از آن، مجدانه در کنار مردم افغانستان بوده است.



امام:

آواره‌هایی که از افغانستان الآن در ایران هستند و مشکلات زیادی دارند... "البته ملت خیلی کمک می‌کند در همه این امور، لکن اینطور نیست که کمک ملت کافی باشد..." دولت است که متکفل این امور است و مسؤول این امور است

چنانچه اکثر تحلیلگران و آگاهان امور افغانستان و منطقه نیز به این اذعان اند که: اگر نبود یاری مردم و دولت جمهوری اسلامی ایران با مردم و مجاهدین افغانستان، معلوم نبود که سرنوشت جهاد و مقاومت، به کجا می‌کشید و چه ضربه‌های هولناکی را، تمامیت افغانستان متحمل می‌شد.

امام خمینی (ره) و مهاجرین افغانستان

امام "ره" همانگونه که به یاد مردم داخل افغانستان بوده و همیشه در حمایت از حرکت‌های بخش اسلامی و ملی افغان‌ها، کوشش بی‌دریغ نموده اند از فکر مهاجرین افغانی مقیم ایران که پس از اشغال کشورشان توسط شوروی، به ایران پناه آوردند نیز بیرون نبوده، به مردم ایران توصیه به برخورد گرم با مهاجرین افغانی و پذیرایی جدی از آن‌ها می‌کنند و هم به مسؤولین مملکتی دستور رسیدگی و کمک به این دسته را می‌فرمایند.

چنانچه ایشان در بیانات خود خطاب به اعضای بسیج و سپاه





روزهای آخر

برشی از خاطرات نزدیک‌ترین محافظ بیت امام خمینی (ره)

«حاج حسین سلیمانی» از جمله محافظان بیت حضرت امام خمینی (ره) بود. خاطرات وی که در سال ۱۳۸۷ از سوی مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر شده است حاوی نکات جالبی از زندگی آن بزرگ‌مرد تاریخ معاصر جهان است. گوشه‌ای از این خاطرات که مربوط به روزهای آخر و تدفین امام است به شما تقدیم می‌شود:

بیماری امام عفونت معده بود که ظاهراً به خون ایشان سرایت کرده بود. به یاد دارم وقتی معده‌ی امام را عمل کردند، چند ناحیه از آن، سوراخ شده بود و در واقع دو نقطه از معده را با عمل جراحی برداشتند. ما از طریق تلویزیون این عمل را مشاهده کردیم.



ذکر مدام

امام در روز آخر به حالت اغما فرو رفتند و با این وصف، مدام ذکر می‌گفتند. عجیب بود که ایشان در حالات مختلف بیماری و غلبه‌ی ضعف شدید، ذکر شان ترک نمی‌شد و تا آنجایی که توان داشتند، ذاکر بودند. گاه این ذکرگویی ظاهر و آشکار بود و آنجا هم که نمی‌توانستند، لبهایشان به هم می‌خورد.

آخرین شب حیات امام (ره)

در شبی که فردایش ایشان به حالت اغما رفتند و نهایتاً رحلت فرمودند، بنده از ساعت ۱۲ شب تا ۶ صبح بالای سرشان بودم. (شب ۱۳ خرداد ۱۳۶۸) کارهای مربوط به پزشکی و پرستاری ایشان به پرستاران مربوط بود. اما کارهای شخصی‌شان مانند نیازشان به آب خوردن و مانند آن از سوی نیروهای دفتر از جمله خود من صورت می‌گرفت. امام مدام ذکر می‌گفتند. چراغ

وخامت حال

در بیماری آخر، وخامت حال امام به حدی رسید که مجبور شدند مجدداً امام را به اتاق عمل ببرند تا این بار عملی را روی قلب ایشان انجام دهند. ولی حال امام مساعد شد و پزشکان، عمل را صلاح ندانستند و گفتند: «شاید این عمل جواب ندهد. ممکن است به لحاظ ضعیف بودن بدن امام، توان لازم برای تحمل فشار عمل را نداشته باشند». این بود که از عمل منصرف شدند.

اما در روزهای آخر حیات امام، حالشان به قدری وخیم شد که باز هم مصمم شدند که امام را به اتاق عمل ببرند. به یاد دارم که همسر حضرت امام آمدند و با یکی، دو تا از پزشکان صحبت کردند و در یک مقطع حتی با لحن تندی گفتند: «آقا را این قدر اذیت نکنید. این قدر ایشان را چاقو چاقو نکنید». این صحبت در صبح روز آخر حیات امام اتفاق افتاد. پزشکان هم بعد از آزمایش مجدد فشار خون امام، از عمل منصرف شدند و امام را به اتاق استراحت باز گرداندند.

تدین پزشکان یا تخصص آنها؟

در روزهای آخر حیات امام، اولویت با تخصص پزشکان بود و نه لزوماً تدین آنها. از این رو ملاحظات از میان رفته بود و «آقای دکتر عارفی» که پزشکان امام را انتخاب می‌کردند آنچه برایشان مهم بود، این بود که تا حد مقدور، تخصص پزشکان برای نجات امام به خدمت گرفته شود.

در آن ساعات بحرانی، دکترهای دیگری را هم برای مشورت فراخوانی کردند. ظاهراً همه ناامید شده بودند. حتی یک پزشک ایرانی مقیم خارج - اگر اشتباه نکنم مقیم سوئیس یا سوئد - را آوردند.



وادر به صحبت کنند، بالای سر امام آمدند و برای اینکه حساسیت امام را تحریک نکنند، با اینکه وقت نماز نبود، گفتند: «آقا وقت نماز شده!» چون حضرت امام به نماز مقید بودند، تصور آقایان این بود که اگر صحبت نماز با امام شود، دیگر پاسخ خواهند گفت. ولی چنین نشد و امام در واکنش به جمله‌ی آقای توسلی تنها گوشه‌ی آبرو و لبی تکان دادند و دوباره به حالت سکون برگشتند. وقتی پزشکان ابراز کردند که دیگر امیدی نیست، سران سه قوه در حیاط بیمارستان، برای اداره کشور بعد از ارتحال امام تشکیل جلسه دادند. آنها دیگر موفق به صحبت با امام نشدند. تا حدود مغرب این نشست ادامه یافت. حتی در خصوص تدفین امام و محل دفن‌شان صحبت شد. هر کدام از آقایان نظری داشتند.

امام را کجا دفن کنیم؟

«حاج احمد آقا» از حدود شش، هفت ماه قبل برای این منظور برنامه‌ریزی کرده بود و وقتی که بیماری امام مطرح نبود، چند بار برنامه‌ی مسافرت‌هایی را ترتیب دادند که بنده هم حضور داشتم. بارها سه نفری (با حضور آقای انصاری) در مسیر جاده قم - تهران به پیشنهاد حاج احمد آقا به "کوشک نصرت" حدود ۳۰ کیلومتری قم رفتیم. وقتی به روستا رفتیم، ایشان از من خواستند که فرد کشاورزی را که در آن حوالی مشغول کار بود، صدا کنم و حاج احمد آقا سؤالاتی را از کشاورز در خصوص زمین‌های آن ناحیه و جاده‌ی منتهی به روستا و ریل راه‌آهن و حتی وضعیت کوه‌های اطراف پرسیدند. حاج احمد آقا عمامه‌شان را برداشته بود و کشاورز مزبور ایشان را شناخت.

بعد به اتفاق حاج احمد آقا چرخ‌ی در محوطه زدیم. من هنوز نمی‌دانستم که ایشان چه هدفی در سر دارند و قصه چیست؟ روستای مزبور دقیقاً نزدیک جایی واقع شده بود که اکنون "پادگان منظریه" و فرودگاه نظامی است و وقتی که از تهران به قم می‌رویم، در سمت راست و جاده‌ی قدیم قم - تهران قرار گرفته است.

بعد از یکی دو هفته، مجدداً به آنجا رفتیم. با فرماندار وقت قم «آقای خلیلیان» هماهنگ کرده بودند و ایشان هم حضور داشت. معلوم شد قصد حاج احمد آقا این است که محل دفن امام را مشخص کند. ولی در حضور فرماندار قم این‌گونه عنوان شد که ما قصد داریم در این مکان "مؤسسه‌ی فرهنگی تنظیم و نشر آثار امام" را بنا کنیم.

یک بار دیگر هم به آنجا رفتیم و این بار حدی را تعیین کردند. در نوبت بعد که به آنجا سر زدیم، مشاهده کردم که لودر و بولدوزر

مشغول کار است و محوطه را دیوارکشی می‌کنند.

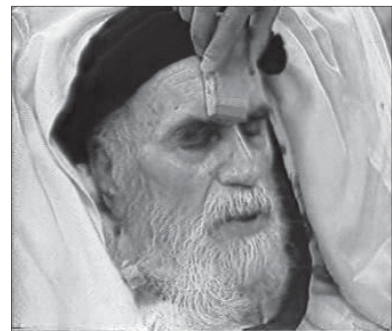
وقتی در ساعت‌های آخر حیات امام، جلسه‌ی سران نظام برگزار شد، حاج احمد آقا مطرح کرد که چنین جایی در "کوشک نصرت" قم وجود دارد و ما مقدماتش را انجام داده‌ایم؛ ولی هنوز

اتفاق خاموش بود و تنها، چراغ اتاقی که پرستاران در آن کشیک می‌دادند، روشن بود.

پزشکان به طور مرتب به امام سر می‌زدند. من هم اگر لازم بود مطلبی را به آنها اطلاع دهم فوراً خبرشان می‌کردم. چند بار آن شب امام، از من آب خواستند. بار اول نزد پزشکان رفتم و گفتم: «آقا آب می‌خواهند». گفتند: «اشکالی ندارد، به ایشان آب کمپوت بدهید». کمپوتی را باز کردیم و کنار امام گذاشتیم. آن شب تا صبح شاید حدود بیست مرتبه حضرت امام گفتند: «آب می‌خواهم ... دلم دارد می‌سوزد!». من هم هر بار آب کمپوت را با قاشق در دهانشان می‌ریختم.

نماز شب، در اوج بیماری

حدود ساعت دو و سه بعد از نیمه شب، دیگر چیزی نگفتند و از به هم خوردن لبانشان حس می‌کردم نماز شب‌شان را می‌خوانند؛ ولی با حالت بی‌حالی و یا ایما و اشاره. بعد مدام مشغول گفتن ذکر بودند و دائماً سؤال می‌کردند: «وقت نماز شده؟ اذان صبح را گفته‌اند؟» تأکید داشتند که اگر داخل وقت شده مرا خبر کن!



یک بار فرمودند: «به آقای انصاری بگویید بیاید. می‌خواهم وضو بگیرم». خدمت‌شان عرض کردم: «آقای انصاری گفتند که وقت نماز می‌آیند خدمت شما».

آقا، وقت نماز شده!

در روز آخر حیات امام، حدوداً ساعت دو و نیم بعد از ظهر بود که وخامت حال امام به اوج رسید و ایشان به حال اغما فرو رفتند و بیهوش شدند. پزشکان هرچه کردند که امام را به هوش آورند، میسر نشد. حال امام از بیهوشی هم فراتر رفت و اصلاً حرکتی نداشتند. قبل از آن قدری صورت و لب‌شان تکان می‌خورد ولی این حرکت‌ها هم متوقف شد. ظاهراً امام در آن لحظات، دردی احساس نمی‌کردند.

دکترها همه جمع شدند؛ ولی هرچه تلاش کردند نتوانستند امام را به حالت عادی برگردانند. حالت هوشیاری امام بسیار ضعیف بود. دیگر جواب صحبت‌ها را هم نمی‌دادند هرچه آقایان تلاش کردند امام را به حرف بیاورند، نشد. «آقای توسلی» برای اینکه امام را

آماده نشده است و تنها حدودش را مشخص کرده‌ایم. حاج احمد آقا حتی گفتند: «می‌خواستیم در آنجا بارگاهی را برای حضرت امام آماده کنیم که اگر ایشان خدای ناکرده به رحمت خدا رفتند، آنجا مهیا باشد».

حتی یک بار در ماشین با حاج احمد آقا بودیم و ایشان این مطلب را ابراز کرد که: «من یک مسأله‌ی شرعی از آقا پرسیدم که آیا می‌شود میت مسلمان را به گونه‌ای در قبر بگذاریم که چهره‌اش را همیشه بتوان مثلاً به وسیله‌ی انعکاس از طریق آینه و نور رویت کرد؟». حاج احمد آقا افزود: «من برنامه‌ام این بود که اگر این کار مجاز باشد، در خصوص حضرت امام این سیستم را پیاده کنیم و قبری بسازیم که اگر خدای ناکرده ایشان از میان ما رفتند، بتوانیم همیشه چهره‌ی ایشان را ببینیم. ولی امام در پاسخ فرمودند این کار جایز نیست و ما هم منصرف شدیم».

در جلسه سران نظام در ساعات آخر حیات امام وقتی حاج احمد آقا این صحبت را مطرح کرد که به نظر من "کوشک نصرت" برای دفن امام مناسب است، یکی از آقایان این کار را صلاح ندانست و گفت: «آنجا در حال حاضر بیابان و فاقد هر گونه امکانات و تأسیسات است. یقیناً ما بعد از رحلت امام، یک تشییع جنازه‌ی چند میلیونی داریم و هیچ امکاناتی برای انتقال افراد به آنجا نداریم و حتماً با یک مشکل بزرگ مواجه می‌شویم».

واقعیت هم این بود که در آنجا کاری انجام نشده بود و تنها به حصار کشی خاکی بسنده کرده بودند.

یکی دیگر از آقایان "حرم حضرت معصومه (س)" را برای دفن امام پیشنهاد کرد و ظاهراً «آقای موسوی اردبیلی» هم "مدرسه علمیه معصومیه‌ی قم" را برای این منظور مناسب دانست. یکی دیگر از آقایان از "جمکران" یاد کرد.

در نهایت قرار شد مدفن امام ترجیحاً در تهران و در کنار شهدا و در بهشت زهرا باشد اما در اینکه کدام قسمت از بهشت زهرا باشد، بحث بود. بعضی از افراد، وسط قطعه‌ی شهدا یا کنار قبر «مرحوم آیت الله طالقانی» را مناسب اعلام کردند.

ظاهراً «آقای طباطبایی» شهردار وقت تهران آن روز یا بعداً پیشنهاد داده بود که قطعه‌ای در کنار بهشت زهرا وجود دارد که برای این منظور ایده‌آل است. (دقیقاً همین مکان فعلی مزار امام). در نهایت این مکان بهترین مکان برای خاکسپاری حضرت امام تشخیص داده شد.

شب ارتحال

«آیت‌الله مشکینی»، «آیت‌الله مهدوی کنی» و «آقای هاشمی رفسنجانی» و تنی چند از بلندپایگان نظام در آن مقطع، مشغول بازنگری قانون اساسی و تهیه متمم برای آن بودند و همان روز جلسه داشتند. به خاطر دارم وقتی حال امام بحرانی و فوتشان قطعی شد، از همان دفتر امام به اعضای شورای بازنگری قانون

اساسی زنگ زدند که جلسه‌شان را منحل کنند و خودشان را به جماران برسانند.

وقتی آقایان به جماران رسیدند، یکی دو ساعت از مغرب گذشته بود. در این حال حاج احمد آقا، آقای هاشمی و «حضرت آیت الله خامنه‌ای» به اتاقی در کنار بیمارستان محل بستری شدن امام رفتند. حاج احمد آقا به من گفت: «تو هم بیا»!

در اتاق مزبور، دو صندلی بود و یک صندلی کم بود. مرحوم احمد آقا به من گفت: «یک صندلی بردار و بیا!» صندلی را آوردم و سه بزرگوار بر روی آن نشستند و بنده نیز ایستاده بودم. لحظاتی بود که آقای اطبا فوت امام را قطعی کرده و گفته بودند که امیدی به نجات امام نیست؛ مگر اینکه خدا فرجی عنایت کند.

آقایان رسماً وارد این بحث شدند که "بعد از امام چه باید کرد؟" و حاج احمد آقا به بنده گفتند: «بروید به اعضای مجلس خبرگان بگویید به اینجا بیایند».

در واقع تعدادی از اعضای مجلس خبرگان در شورای بازنگری قانون اساسی هم بودند و به جماران آمده بودند. اعضای شورای نگهبان هم حضور داشتند و در اتاق انتظار، مشغول رؤیت مراحل معالجات امام از طریق دوربین مداربسته بودند و بعضی از مسئولین لشگری و کشوری نیز در حیاط بیمارستان حضور داشتند.

بنده خدمت حضرات آیات: خلخالی، خزعلی، محمدی گیلانی، جنتی، امامی کاشانی، مهدوی کنی، مؤمن و طاهری خرم‌آبادی و ... رفتم و آنان را برای شرکت در جلسه‌ای با حضور حاج احمد آقا و آقایان خامنه‌ای، هاشمی و موسوی اردبیلی دعوت کردم.

جلسه‌ی مزبور ترتیب یافت که البته بنده دیگر در آن حضور نداشتم و به داخل بیمارستان و به بالین حضرت امام رفتم.

حس درونی من این بود که تشکیل جلسه‌ی مزبور ضروری نیست و امام از میان ما نخواهند رفت. تصور می‌کردم انقلاب ما قائم به شخص امام است و از این رو حضرت حق برای حفظ اسلام و نظام، امام را حفظ خواهد کرد. ولی بعداً دانستم که مصلحت بالاتری در کار بوده است. وقتی نزد امام رفتم، دیدم اغماء ایشان همچنان ادامه دارد. این حالت تا حدود ۹:۳۰ شب طول کشید.

آخرین دقایق حیات امام

سران سه قوه و نخست‌وزیر بعد از اتمام جلسه‌شان بالای سر امام آمدند. اعضای بیت و دفتر امام و داماد و نوه‌های امام و وابستگان درجه یک حضور داشتند. خانم‌های منتسب به بیت امام در بیرون اتاق و پشت در و در قسمت اتاق انتظار ایستاده بودند. تلویزیون مداربسته‌ی این اتاق را خاموش کرده بودند تا خانم‌ها آن صحنه‌های جگرسوز را نبینند.

حدوداً ساعت ده شب بود و دکترها مشغول تلاش و تلاطم بودند؛ گاه سرم وصل می‌کردند و گاه خون تزریق می‌کردند و گاه دستگاه تنفسی را به کار می‌انداختند. مانیتوری که در کنار تخت



به عده‌ی زیادی از مسؤولان و وزرا و برخی از نمایندگان مجلس که در حیات اجتماع کرده بودند سرایت کرد.

آقای رفسنجانی جمع را آرام کرد و شروع کرد به صحبت کردن و گفت که فعلاً نباید کسی از این موضوع خبردار شود. لذا سرو صدا و شیون نکنید. بعد رو کردند به اعضای بیت و خانواده‌ی حضرت امام و گفتند: «شما که بیشتر از همه حضرت امام را دوست داشتید اگر می‌خواهید اهداف ایشان و انقلابشان حفظ شود، سرو صدا نکنید. چرا که ممکن است سوء استفاده قرار گیرد».

بعد از اینکه آقای هاشمی همه را ساکت کردند، حاج احمد آقا از افراد حاضر در اتاق و کنار پیکر امام، حتی سران سه قوه خواست که آنجا را ترک کنند. من آخرین کسی بودم که اتاق را ترک کردم. بنا داشتیم بمانم که نکند حال حاج احمد آقا خراب شود. ولی به من هم گفتند: «حسین آقا! شما هم بروید بیرون!» اتاق ماند و پیکر بی‌جان امام و مرحوم حاج احمد آقا. احمد آقا سرش را بر سینه‌ی امام گذاشت. از طریق دوربین مداربسته‌ی اتاق، این صحنه را در اتاق‌های دیگر می‌دیدیم و بعداً هم تلویزیون سراسری مبادرت به پخش آن نمود.



حضور مردم

موج این داد و فریادها به بیرون منتقل می‌شد و حتی بعضی از مردم در جریان فاجعه قرار گرفتند؛ در حالی که در اخبار سراسری اعلام شده بود که در روند معالجه‌ی حضرت امام خللی پیش آمده است و از مردم خواسته بودند که برای امام دعا کنند. جمعیت به سمت جماران هجوم آوردند و حلقه به حلقه به مرکز خبر نزدیک شدند. بیم آن می‌رفت که مشکوک شوند و احیاناً از خبر ارتحال مطلع شوند.

آقای هاشمی برای اینکه این اتفاق نیفتد و فعلاً خبر ارتحال در پرده نگه داشته شود از بیمارستان خارج شد و خطاب به آنها که شیون می‌کردند، گفت: «بنا نیست فعلاً خبر اعلام شود. چون ممکن است مملکت به خطر بیفتد. لذا آرام‌تر باشید و اگر هم کسی از بیرون از شما سؤال کرد که گریه و زاری برای چیست بگویید برای امام دعای توسل می‌خواندیم». بعد، از افراد خواستند که متفرق شوند و به سر کارهایشان بروند.

در جلسه‌ای هم که سران نظام در بیمارستان ترتیب دادند، قرار

امام بود وضعیت مزاج و حالت درونی امام را در قالب نمودارهایی نشان می‌داد. هر چه جلوتر می‌رفتیم، حس می‌شد که نمودارها وضعیت نامناسب‌تری پیدا می‌کند.

حدود ساعت ده و ربع، وخامت حال امام به اوج رسید. در دقایق آخر، هر پزشکی به سلیقه و طرحی متوسل می‌شد تا بلکه امام زنده بماند. در آخرین دقایق، «آقای دکتر صدر» - که نسبت فامیلی با حاج احمد آقا داشتند - با دست، به قلب امام شوک وارد کرد. ولی اثربخش نبود. این بار به دستگاه شوک متوسل شدند و به کمک پرستاران چند بار، به قلب و سینه‌ی امام شوک وارد کردند. صحنه‌ی دلخراشی بود. در این حال حاج احمد آقا تاب نیاوردند و به پزشکان گفتند: «آیا این شوک اثر دارد یا نه؟» یکی از پزشکان گفت: «نه، دیگر بی‌فایده است». حاج احمد آقا گفت: «پس دیگر امام را اذیت نکنید و بگذارید به حال خودشان باشند!» دکترها هم کنار کشیدند.

همه چشم به خطوط مانیتوری که بالای سر امام بود دوخته بودند. فراز و فرود مختصری داشت؛ ولی رفته‌رفته علایم حیاتی رو به خاموشی می‌نهاد. در ساعت ۱۰:۲۵ دقیقه، به یکباره خط مانیتور صاف شد و «دکتر عارفی» اعلام کرد که کار تمام شد!

داد و شیون از مرد و زن برخاست. من ضمن اینکه خودم را باخته بودم، حالت دیگران را زیر نظر داشتم. «آقای خامنه‌ای» سرشان را به زیر انداخته بودند و بشدت گریه می‌کردند. گاهی هم با نگاه پرسش‌گر سر بلند می‌کردند. چهره‌شان سیاه شده بود و چشمانشان قرمز. معلوم بود که عمیقاً به ایشان فشار آمده است.

«آقای هاشمی رفسنجانی» که در آن مقطع جانشین فرمانده کل قوا بودند، معلوم بود که تحت فشار زیادی هستند؛ ولی خودشان را کنترل می‌کردند و به دیگران دلداری می‌دادند و می‌گفتند: «شیون نکنید! سرو صدا نکنید. این خواست خدا بوده».

با این حال، خودنگهداری ممکن نبود و افراد به سر و روی خود می‌زدند. در این حال خانم‌های بیت، در را باز کردند و به داخل اتاق آمدند. به آنها گفته شده بود که داخل اتاق نیایید و عملاً هم جا نبود. دکترها می‌خواستند تعداد مردان اتاق را هم کم کنند. ولی هر چه نگاه می‌کردند، می‌دیدند آنها همه آشنا یا فامیل نزدیک امام هستند و نمی‌شد از بالین امام دورشان کرد. این بود که تنها توانسته بودند زنان را راضی کنند که در پشت در و در اتاق انتظار بمانند؛ تا سیر طبابت و درمان امام به هم نخورد. بانوان هم قبول کرده بودند که پشت در بایستند.

وقتی صدای شیون برخاست، زنان نیز عنان را از کف دادند و به داخل اتاق هجوم آوردند. حاج احمد آقا سرش را روی تخت امام گذاشت و بنا کرد گریه کردن. هر کدام از آقایان در حال خودش بود و به دیگری توجه نداشت. «آقای اردبیلی» بشدت می‌گریست و صدای گریه‌ی بلندش در گوش من طنین می‌انداخت.

به هر حال صدای گریه و زاری به داخل حیات کشید و موج آن

شد که فردای آن روز مجلس خبرگان تشکیل جلسه دهد. بعد، آقایان حاج احمد آقا، توسلی، صانعی، امام جمارانی و محمد علی انصاری جلسه ترتیب دادند تا برای کیفیت تغسیل امام تصمیم بگیرند.

اقدامات بعد از فوت

ساعت ۱:۳۰ نیمه‌شب، قسمت بیرونی منزل محقر حضرت امام را که ملاقات داخلی، خارجی و خصوصی امام در خلال سالیان متمادی پس از پیروزی انقلاب در آن صورت می‌گرفت و مبدأ تمام تصمیم‌گیری‌ها و هدایتگری‌های انقلاب بود، برای تغسیل امام مهیا کردند. این منزل بی‌آلایش، همواره، موجب شگفتی مهمانان به خصوص مهمان‌های خارجی را فراهم می‌ساخت. وزیر امور خارجی شوروی که به ایران آمده بود متحیر شده بود و مدام به در و دیوار منزل نگاه می‌کرد که آیا امام در اینجا ساکن است و تمام برنامه‌ریزی‌های کلان نظام را در اینجا می‌دهد!

برای غسل دادن امام، دو تخت آوردند؛ یکی برای شست‌وشو و یکی برای کفن کردن. پیکر امام را از بیمارستان به روی تخت مخصوص تغسیل انتقال دادیم. حدود بیست نفر آنجا جمع بودند حاج احمد آقا بالای پله‌ی ورودی ایستادند و گفتند: «همه بروند بیرون تا ما بتوانیم کارمان را انجام دهیم». بعد به من گفتند: «فلانی شما پشت در بایست تا کسی داخل نشود». خانواده حضرت امام و نیز آقایان هاشمی و خامنه‌ای در این مرحله حضور نداشتند. ظاهراً در حدود ساعت دوازده و یک بعد از نیمه شب آن دو بزرگوار برای برنامه‌ریزی کارهای که عهده‌دار آن بودند، رفتند.

مسئولیت شست‌وشوی امام با «حاج عیسی» خدمتگزار معروف و زحمتکش امام بود. آقای توسلی مسئول نیت کردن غسل و مراسم تشریفات مربوط به آن بود. غسل دادن شروع شد و تمام مراحل شرعی و دینی را یک به یک انجام دادند.

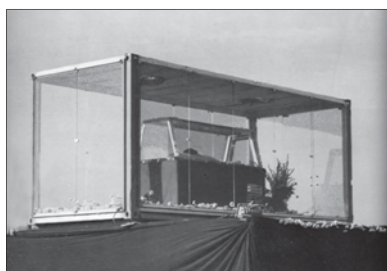
در ابتدا قرار نبود از مراحل شست‌وشو فیلم‌برداری صورت گیرد. ولی در ادامه‌ی کار آقای انصاری کرمانی صحبتی را با مرحوم حاج سید احمد آقا انجام دادند و ایشان قبول کردند که فیلم‌برداری صورت گیرد؛ ولی دستگاه فیلم‌برداری وقتی آماده شد که شست‌وشو انجام شده و زمان کفن کردن فرا رسیده بود. دوربین، تنها چند دقیقه از مراسم تکفین را ثبت کرد. بدن امام را از روی تخت اول به تخت دوم انتقال دادند و کفن‌پیچ کردند.

در لحظات آخر حاج احمد آقا گفتند: «صبر کنید که من می‌خواهم آخرین دیدارم را با آقا داشته باشم». بالای سر امام آمدند و سرشان را به پیشانی امام گذاشتند، و زمزمه‌هایی کردند که شنیده نمی‌شد و چند ثانیه به همان حال باقی ماندند. چون ترسیم آن لحظه کار مشکلی است و تن انسان

را می‌لرزاند.

بعد از اتمام مراسم تکفین، افراد کنار بدن امام ایستادند و این صحنه هم فیلم‌برداری شد. بعد از آن جنازه به سردخانه‌ای که در آن محیط وجود داشت، منتقل شد و تا صبح روز بعد در آنجا باقی ماند. گاهی اوقات اعضای دفتر و برادران سپاه، پشت در بسته‌ی سردخانه می‌رفتند و قرآن می‌خواندند. بدن امام حدود ۴ ساعت در یخچال بود.

قبل از اینکه اخبار هفت صبح رادیو خبر ارتحال امام را اعلام کند، آقای انصاری جایگاه شیشه‌ای مخصوص قرار دادن بدن را در مصلا‌ی تهران مهیا کرده بود. این طرح که بدن امام در محفظه‌ی شیشه‌ای قرار گیرد تا مردم با آن وداع کنند، از حاج احمد آقا



و اجرایش با آقای انصاری بود. به خاطر دارم که مرحوم حاج احمد آقا ابراز کرد که ما مایل نیستیم که پیکر امام، فوراً دفن شود و خوب است طوری برنامه‌ریزی که جسم ایشان حدود ۲۴ ساعت در جایی قرار گیرد که مردم بتوانند ببینند و با ایشان وداع کنند.

ساعت شش صبح جنازه‌ی امام را داخل یک دستگاه ماشین "هایس استیشن" قرار دادیم. بنده اسلحه به دست در کنار پیکر امام در ماشین بودم. در این حال به سمت مصلا حرکت کردیم. آقای انصاری به عنوان هماهنگ‌کننده در ماشین‌نی در جلو حرکت می‌کرد و ما هم در پی ایشان می‌رفتیم. اعلام شده بود که پیکر امام چند ساعت قبل از دفن، در مصلا قرار می‌گیرد تا مردم با آن تودیع کنند. در بین راه مردم عزادار و سیاه‌پوش را می‌دیدم که دسته دسته به سمت مصلا در حرکت اند. هرچه به مصلا نزدیک‌تر می‌شدیم، به حجم جمعیت افزوده می‌شد و ما کندتر می‌توانستیم پیش برویم. در نزدیکی مصلا راه‌ها را بسته بودند و ماشین‌ها را جلوتر راه نمی‌دادند. داخل محوطه‌ی مصلا شدیم پرده‌های ماشین‌هایش را پایین کشیده بودیم و داخل ماشین پیدا نبود. از لا به لای جمعیت می‌گذشتیم. ماشین شانه به شانه‌ی جمعیت حرکت می‌کرد. مردم شعار می‌دادند و به سر و سینه می‌زدند و عزاداری می‌کردند و خبر نداشتند که ماشینی که از کنار آنها می‌گذرد، حامل پیکر امام است!

مدت زیادی طول کشید تا مسیر را طی کردیم. در داخل مصلا وضعیت بدتر و حجم جمعیت بسیار زیاد بود. به جایگاهی که

بودند در ماشین دیگر هم که برای اسکورت در نظر گرفته شده بود نزدیکان بیت و اعضای دفتر آقای گلپایگانی سوار شدند و به سمت تهران حرکت کردیم. در مسیر هم مدام با تهران ارتباط مستقیم داشتیم. من رانندگی ماشین را به عهده داشتم و از داخل آینده‌ی جلوی ماشین دیدم که آقای گلپایگانی عمامه‌شان را از سر برداشتند و روی صندلی کنار دستشان گذاشتند. در مسیر که می‌رفتیم، به بیان خاطراتی از حضرت امام پرداختند. یک جا قریب به این مضمون فرمودند: «ایشان اسلام را احیا کرد. اسلام را در ایران زنده کرد و زحمات زیادی کشید». در خلال گفتن این جملات، صدایشان می‌لرزید و می‌گریستند. معلوم بود که خیلی به امام ارادت و علاقه دارند.

وقتی که به جماران رسیدیم، منزل آقای رسولی محلاتی در کنار دفتر و بیت امام را برای استراحت آقای گلپایگانی تدارک دیده بودند. شب را هم در همان جا اقامت کردند.

روز بعد ۷ صبح، به اتفاق حاج احمد آقا و مرحوم آیت الله گلپایگانی سوار ماشین شدیم و به طرف مصلا حرکت کردیم. در ماشین نفر سومی هم نشسته بود که آیت الله صافی بود. بقیه - حتی آقا جواد گلپایگانی - در ماشین‌های دیگر در ستون اسکورت بودند. مسیر خاصی را برای حرکت ماشین ما آماده کرده بودند که از همان مسیر عبور کردیم تا جایی که قرار بود نماز در آنجا اقامه شود، پیش رفتیم. جنازه‌ی امام را از قبل از داخل محفظه‌ی شیشه‌ای مخصوص خارج کرده و درون ماشین یخچال‌دار مخصوص قرار داده بودند.

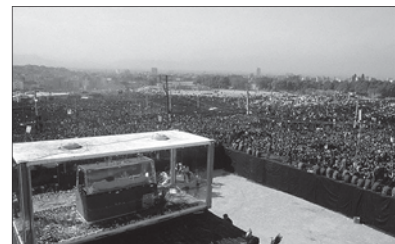
ماشین حامل پیکر امام به نقطه‌ای از مصلا که بنا بود در آنجا بر بدن امام نماز خوانده شود، آمد و دقایقی بعد نماز به امامت مرحوم آیت الله گلپایگانی برگزار شد که صحنه‌ی مربوط به آن را در تلویزیون به نمایش گذاشتند. تمام شخصیت‌ها در این نماز حاضر بودند. سران برخی از ممالک اسلامی هم به عنوان میهمان در این مراسم شرکت داشتند.

جمعیت چه در حین نماز و چه بعد از آن هجوم می‌آورد و افراد مایل بودند جلو بیایند و بدن امام را از نزدیک ببینند. فشار عجیبی از سوی جمعیت به قسمت‌های جلو وارد می‌شد. از قبل چند ردیف مانع برای کنترل جمعیت تعبیه کرده بودند. از افراد خاصی هم برای حفظ امنیت و حفاظت مراسم دعوت به عمل آورده بودند؛ برای مثال از انجمن‌های اسلامی تهران و ستاد ائمه جمعه و ستاد برگزاری مراسم نماز جمعه. هر کدام از این گروه‌ها برای حفظ مراسم و کمک به حفاظت سپاه برنامه‌هایی داشتند؛ ولی شوق و اشتیاق مردم به حدی بود که هیچ کس در بند آداب و ترتیب نبود. به یاد دارم که اتوبوس‌ها و کانکس‌های دو طبقه به عنوان حصار، دور تا دور آن محوطه شانه به شانه‌ی هم پارک کرده بودند تا هجوم جمعیت را کنترل کند؛ ولی سیل جمعیت را می‌دیدیم که از بالای ماشین‌ها پایین می‌پرند و اصلاً هم به فکر

برای امام تدارک شده بود نزدیک شدیم. محوطه را به وسیله‌ی کانتینر حصارکشی کرده بودند و داخل محوطه خلوت بود. به طرف جایگاه مخصوصی که برای امام در نظر گرفته بودند رفتیم. یخچال و سردخانه‌ای با محفظه‌ی شیشه‌ای ساخته بودند که قرار بود پیکر امام را در آن قرار گیرد. یک وسیله‌ی بالابر هم قرار بود جنازه‌ی امام را بالا ببرد و بعد روی دست به داخل محفظه‌ی شیشه‌ای برده شود.

جنازه را به داخل آن محفظه انتقال دادیم و بعد به سمت جماران برگشتیم.

مجدداً با حاج سید احمد خمینی از جماران با هلی‌کوپتر به مصلا رفتیم. گفتنی است در جماران محوطه‌ی بازی متعلق به نیروی هوایی بود که برای نشست و برخاست هلی‌کوپتر در نظر گرفته شده بود. حدود بیست دقیقه با هلی‌کوپتر از مصلا و مکان استقرار جنازه‌ی امام بازدید کردیم و دوباره به جماران برگشتیم.



آیت الله گلپایگانی و نماز بر پیکر امام

برای خواندن نماز بر پیکر امام، مرحوم آیت الله گلپایگانی در نظر گرفته شدند. حاج احمد آقا با آقای جواد گلپایگانی فرزند آیت الله گلپایگانی هماهنگی‌های لازم را به عمل آوردند. آقا جواد در تلفن ابراز کرده بود: «به چه کیفیت و با چه وسیله‌ای می‌خواهید آقا (یعنی آیت الله گلپایگانی) را به تهران ببرید؟ یک وقت خدای نکرده مبدا مشکلی پیش بیاید!» ظاهراً منظورشان مشکل مسائل امنیتی بود و نیز نقص فنی وسیله و مانند آن بود. حاج احمد آقا گفته بود: «من ماشین خود امام و محافظ‌هایشان را برای این منظور می‌فرستم. تمام امکانات مهیاست و از این بابت مشکلی نیست».

قرار شد بعد از ظهر روز قبل از اقامه‌ی نماز، بنده به قم بروم و به اتفاق دیگر برادران همراه با محافظ، آیت الله گلپایگانی را به تهران بیاورم. ماشین ضد گلوله‌ای برای این منظور در نظر گرفته شد که وزارت خارجه در اختیار امام گذاشته بود تا اگر قرار شد مرحوم امام روزی به جای بروند، از این وسیله استفاده کنند. هیچگاه هم امام سوار این ماشین نشدند.

به هر تقدیر به قم رفتیم. آیت الله گلپایگانی در ساعتی از پیش تعیین شده سوار ماشین شدند. در داخل ماشین مرحوم آیت الله گلپایگانی، آیت الله صافی و آقا جواد فرزند آیت الله گلپایگانی

گلپایگانی و حاج احمد آقا مراقبت می‌کردیم. در این حال حاج احمد آقا رو کردند به آیت الله گلپایگانی و گفتند: «بهتر است من از یک سمت بروم و شما از سمت دیگر تا از این مخمصه خلاص شویم». بعد رو کردند به من که: «حسین آقا! شما کنار آقای گلپایگانی باشید و ایشان را از اینجا خارج کنید و هر جا خواستند ببرید». آقای محسن رضایی به حاج احمد آقا گفتند: «من هم شما را می‌برم».

تعدادی از برادران حفاظت، آقای محسن رضایی و حاج احمد آقا را در بر گرفتند و از یک سو رفتند و طبعاً بخشی از جمعیت که به سمت احمد آقا هجوم می‌آوردند، به سمت حرکت ایشان متمایل شدند و فشار روی آیت الله گلپایگانی کاهش یافت. من هم به کمک تنی چند از بچه‌ها حفاظت، دست‌ها را به هم حلقه کردیم و آقای گلپایگانی را در میان گرفتیم.

در آن گیر و دار معلوم نبود که آیت‌الله صافی در کدام سمت و سو است و سیل جمعیت ایشان را به کدام سمت برده است آیت‌الله گلپایگانی نگران آقای صافی بودند و گفتند: «اگر ممکن است خبری از ایشان بیاورید که کجا هستند؟» ما از طریق بی‌سیم که در اختیارمان بود کسب خبر کردیم. خبر رسید که ایشان به یکی از پاسگاه‌های نیروی انتظامی منتقل شده‌اند و آنجا هستند. فشار جمعیت طبعاً اجازه نمی‌داد که به ماشین مورد نظر سوار شویم. حتی حاج آقا جواد و حاج آقا باقر - فرزندان آیت الله گلپایگانی - را لابه‌لای جمعیت می‌دیدیم و نزدیک ما بودند؛ ولی جمعیت انبوهی که بین ما حایل بود نمی‌گذاشت، با هم تلاقی کنیم. فشار و هجوم جمعیت باعث شد که چند بار عصای آیت الله گلپایگانی از دستشان افتاد و کفش‌هایشان از پایشان در آمد و حتی عمامه از سرشان افتاد.

قدری آن سوتر یک وسیله‌ی نقلیه متعلق به کمیته انقلاب اسلامی پارک کرده بود. من به نظرم رسید که بهترین کار این است که آیت الله گلپایگانی را به آن وسیله برسانیم و سوار کنیم. با هر مکافات و سختی که بود پیش رفتیم و به ماشین رسیدیم. راننده ماشین را پیدا و آقای گلپایگانی را سوار کردیم. آقا جواد هم خود را به ما رساند و سوار شد.

به راننده‌ی ماشین گفتیم حرکت کند. خودرو کمیته با هزار زحمت از جا کنده و از لابه‌لای جمعیت خارج شد و خودش را به خیابان رساند. بر خلاف مسیر جمعیت، بی‌هدف در عباس آباد تهران و خیابان شهید بهشتی می‌راندیم. در آن منطقه دنبال خانه‌ای بودم که درش باز باشد و آیت الله گلپایگانی در آن نفسی تازه و استراحت کنند. ما هم بلکه برویم ماشین خودمان را بیاوریم و آقا را سوار کنیم.

در هیچ خانه‌ی باز نبود به نظر می‌رسید که همه‌ی مردم در خیابان هستند. قدری پیش رفتیم و در نهایت دیدیم مقابل خانه‌ای، پیرمردی که ظاهراً دستش شکسته بود روی صندلی

ارتفاع سه چهار متری ماشین‌ها و کانکس‌ها نبودند. نمی‌دانم از آن سو چگونه از این ارتفاع بالا می‌رفتند و از این سو با کدام جرأت پایین می‌پریدند! تنها چیزی که مسئله را حل می‌کرد عشق مردم به امام بود.

در نزدیکی جایی که پیکر امام زمین بود هجوم جمعیت بیداد می‌کرد. حتی شخصیت‌های درجه یک هم در آن حال در پی آن بودند که جلو بروند و دستی به پیکر امام بزنند و خود را با آن تبرک کنند. قدری بعد پیکر امام را به ماشین منتقل و از آنجا دور کردند تا در مسیرهای تعیین شده به سمت بهشت زهرا تشییع کنند. ظاهراً اکثر مردم متوجه‌ی انتقال پیکر امام نشده و فکر می‌کردند که بدن هنوز همان مکانی است که برای نماز بر زمین گذاشته‌اند. لذا هجوم بی‌وقفه ادامه داشت.



ماشین حامل پیکر امام دور می‌شد. از این دست ماشین‌ها چند نوع شبیه هم مهیا کرده بودند و قرار بود یکی از آنها حامل پیکر امام و بقیه برای رد گم کردن باشد. با این وصف آن روز موفق به تشییع پیکر امام نشدند.

در آن حال بنده در پی آن بودم که حاج احمد آقا و آیت الله گلپایگانی را از شلوغی دور کنم. آن دو بزرگوار را به کنار دیواری بردم و نشستیم تا قدری استراحت کنیم. هوا بسیار گرم بود و آقایان از صبح تا آن موقع درگیر سر و صدا و شلوغی و هجوم جمعیت بودند و حسابی کلافه شده بودند. «آقای محسن رضایی» هم در آن شرایط در کنار ما بودند.

قدری آنجا ماندیم و دیدیم نتیجه‌بخش نیست و هجوم کمتر نمی‌شود و راه گریز نیست. بنده و برادران سپاه و نیروی حفاظت، دست در دست یکدیگر دیوار گوشتی درست کرده و از آقای

می‌شدند. در این حال به محافظانشان می‌گفتند: «کسی دنبال من نیاید! فقط شما حسین آقا دورادور مراقب من باشید». بعد همراه با مردم که ایشان را در آن لباس نمی‌شناختند، تا آنجایی که می‌توانستند، جلو می‌رفتند. (گاه تا پنج شش متری مزار امام) گاه از جمعیت فاصله می‌گرفتند و حدود صد تا دویست متر دورتر از مدفن امام می‌نشستند و خیره به موقعیت دفن می‌نگریستند. این برنامه تا چهلیم حضرت امام ادامه داشت. بعد از تدفین امام، همسر، دختران و عروسشان روزی یک بار برای زیارت مضجع شریف آن رهبر سفر کرده به صورت ناشناس به بهشت زهرا می‌آمدند.

تلخی رحلت و امید تازه

روز رحلت امام تلخ‌ترین روز عمرمان بود. آن روز وقتی که خبر ارتحال امام اعلام شد پیش از آنکه در هجران آن سفر کرده بسوزیم که جانمان بود و همه چیزمان بود؛ همه‌ی ما سخت نگران آینده‌ی انقلاب بودیم. در همین حال هر وقت یاد آن لحظه‌ها می‌افتیم، تن ما می‌لرزد و در آن لحظه در فهم و باور ما برای امام خمینی جانشینی وجود نداشت و در آن لحظه در حالی می‌بایست مرگ آن روح بلند و مرد الهی و معنوی و روحانی را می‌پذیرفتیم که در اطرافمان دشمنان خارجی انقلاب صف‌آرایی کرده بودند تا اینکه شب آن روز خبر انتخاب حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای به رهبری جمهوری اسلامی ایران از سوی مجلس خبرگان رهبری آرامشی در دل‌ها ایجاد کرد و ما را به آینده‌ی کشور اسلامی‌مان امیدوارتر کرد.

خوشحالیم که بعد از رحلت ایشان، رهبری کشور به دست با کفایت مقام معظم رهبری حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) سپرده شده. بنده یکی دو سال نیز افتخار خدمتگزاری نزد ایشان را پیدا کردم و بعد به قم انتقال پیدا کردم و این توفیق از من سلب شد.

نشسته است و پیرزنی هم در کنار اوست. ماشین را در کناری پارک کردیم. آیت الله گلپایگانی را به آن دو کهنسال، معرفی کردیم. با اشتیاق و روی گشاده ما را به درون خانه‌شان راهنمایی کردند. با آنکه برایشان سخت بود، فرشی در حیاط پهن کردند. آقای گلپایگانی روی آن نشستند بعد برای ما شیر و هندوانه و آب خنک آوردند و پذیرایی مفصلی کردند. خودشان هم خیلی خوشحال بودند. فرزندان آیت الله گلپایگانی (آقا باقر و آقا جواد) به همراه تنی چند از نیروهای حفاظت که با ما بودند، نزد آقای گلپایگانی در آنجا ماندند و بنده دوباره به مصلابازگشتم تا ماشین ضد گلوله‌ی امام را با خود بیاورم. دیگر از ستون اسکورت خبری نبود و همه متفرق شده بودند.

با زحمت بسیار ماشین امام را به منزل محل استقرار آیت الله گلپایگانی آوردیم.

آقا و همراهانشان را سوار و به طرف قم حرکت کردیم. مسیری را از بیرون تهران انتخاب کردیم. می‌دانستم که از تهران و بهشت زهرا بخواهیم عبور کنیم، باز به راه‌بندان و فشار جمعیت می‌خوردیم. چند بار خواستیم از مسیر منتهی به میدان آزادی حرکت کنیم، ولی مشاهده کردیم که راه بسته است و جمعیت با پای پیاده به سمت بهشت زهرا روان است.

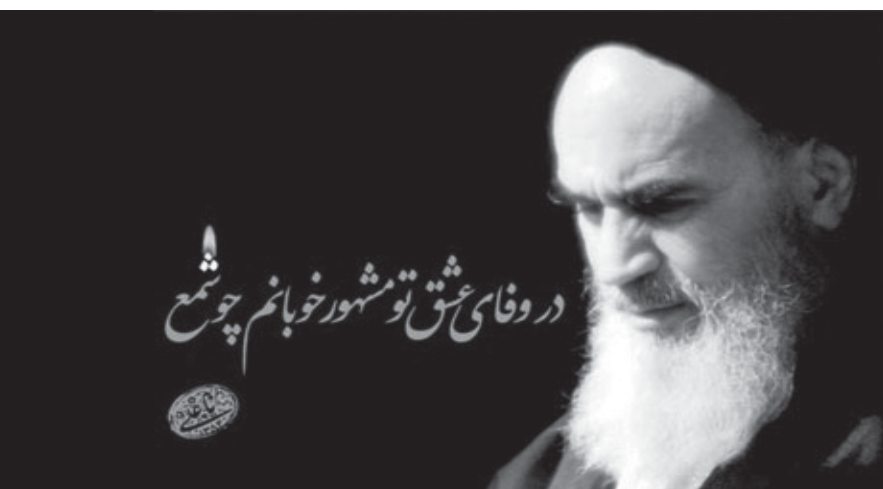
به هر کیفیتی که بود بعد از ظهر آن روز - حدود چهار و پنج - به قم رسیدیم و آیت الله گلپایگانی را به بیتشان رساندیم. بعد از آن بنده سریعاً به تهران برگشتم تا خودم را به مراسم تدفین امام برسانم. متأسفانه وقتی به بهشت زهرا رسیدم که مراسم تدفین امام تمام شده بود. بعد از آن بنده به بیت امام در جماران بازگشتم.

با احمد آقا بر مزار امام

بعد از تدفین، شب‌ها به طور مرتب همراه حاج احمد آقا - که لباس شخصی به تن می‌کردند - به بهشت زهرا می‌آمدیم. هنوز محل دفن امام در یک محوطه‌ی باز و بیابان پر گرد و خاک قرار داشت و هیچ آبادانی در آن صورت نگرفته بود. با این حال، مردم در قالب هیئت‌ها و دسته‌ها، تا صبح مشغول عزاداری و سینه‌زنی بودند.



هر بار که با حاج احمد آقا به آنجا می‌رفتیم، پنج شش ساعت و تا پاسی از شب بودیم. گاهی اوقات ایشان به محل دفن امام نزدیک





خاطراتی از همراهی آیت‌الله بهجت با نهضت امام خمینی (ره)

«آیت‌الله مسعودی خمینی» از جمله شاگردان «مرحوم حضرت آیت‌الله العظمی بهجت» است که از سال‌های جوانی محضر این عالم ربانی و عارف روشن ضمیر را درک کرده است. آنچه در پی می‌آید خاطراتی از حضرت آیت‌الله بهجت در زمان حیات ایشان و نیز رابطه ایشان با حضرت امام خمینی است:

به خاطر دارم که قبل از انقلاب، آیت‌الله بهجت در برخی مناسبت‌ها به شاه و حکومت او تعریضاتی می‌زد. منتها حرف‌های ایشان رنگ و بوی سیاسی نداشت؛ بلکه دارای صبغه اخلاقی بود.

ایشان در بیان مسائل در لُفاه، تجربه زیادی داشتند. قبل از انقلاب پیش از درسشان در قالب بیان تاریخ معاصر ایران و بیان جور و ستمی که شاهان و خلفا به مردم روا می‌داشتند، حرف‌هایشان را می‌زدند.

برخی از افراد نظرشان این بود که آقای بهجت همگام با انقلاب حرکت نمی‌کند و کندی‌هایی دارد. اما واقع این است که آقای بهجت حتی قبل از انقلاب، به شاه و دار و دسته‌اش تعریض می‌زد و مکرراً می‌گفت که شاه قدرتی ندارد و زود می‌شود او را از بین برد.

در همان سنوات چند بار با ایشان به منزل حضرت امام رفتیم و چندبار هم حضرت امام به منزل ایشان آمدند و در خلال چند دقیقه‌ای که امام در آنجا بودند، اشاراتی داشتند.

درباره‌ی اشارات امام توضیحاً عرض کنم که ایشان گاهی از اوقات با اشاره صحبت می‌کردند. البته تنها برخی افراد به معنی این اشاره‌ها پی می‌بردند. به عنوان مثال گاهی اوقات که به منزل آقای بهجت می‌رفتیم دقایقی که می‌نشستیم، حضرت امام نگاه خاصی به من می‌کردند که معنایش این بود که بر خیز و برو! و من هم می‌رفتم.

به هر تقدیر اشاره‌های امام برای خودش دنیایی داشت. گاهی اوقات ایشان به ائمه و اشاره می‌فهماندند که مثلاً لامپ‌ها را روشن کنید، خاموش کنید، فلانی را احترام کنید و یا بی تفاوت باشید. درک و فهم این اشارات خیلی جالب بود و لازم بود افراد به خودشان زحمت دهند تا این موارد را بیاموزند. پیش می‌آمد که در یک جلسه، فردی حرف نامربوطی می‌زد که منطبق با اصول اسلامی نبود. ایشان اخم هایشان را در هم می‌کشیدند و به این وسیله موضع‌گیری می‌نمودند. امام از این ریزه‌کاری‌ها در وجودشان زیاد داشتند.

بهر حال، آقای بهجت تصریح نمی‌کرد که باید آستین‌ها را بالا زد و به جنگ شاه رفت؛ اما با شاه‌ستیزی موافق بود. بر همین اساس بنده این مطلب را که آقای بهجت، موافق انقلاب نبودند، تکذیب می‌کنم. ایشان هم با مبارزه با شاه موافق بودند و هم راهنمایی‌ها و ارشاداتشان در این خصوص برقرار بود.

بعد از جریان انقلاب و بازگشت حضرت امام به وطن که ما در خدمتشان بودیم، یک روز امام گفتند: «فلانی! فردا صبح می‌خواهیم به منزل آقای بهجت برویم». صبح که شد، حدود ساعت ۸ یا ۸/۵، امام برخاستند و به اتفاق به منزل آقای بهجت واقع در کوچه مسجد ارک و گذرخان رفتیم. ظاهراً حضرت امام اطلاع داشتند که من و آقای مصباح با آقای بهجت، رابطه درسی داریم. به هر حال بعد

از اینکه خدمت آقای بهجت رسیدیم، حضرت امام با نگاهشان به بنده فهماندند که اتاق را ترک کنم. من هم این کار را کردم. حدود ده تا بیست دقیقه، امام و آقای بهجت با هم خلوت کرده بودند و بعد از آن بود که برخاستند تا خارج شویم. دو، سه بار هم آقای بهجت به من گفتند: «به آقا بگویید: فردا دو تا گوسفند قربانی کند». بنده هم مطلب را به اطلاع امام می‌رساندم و امام هم فوراً دستور می‌دادند که این کار انجام شود. بنده هم به آقای فرجی قصاب زنگ می‌زدم و می‌گفتم دو تا گوسفند بیاورید و اینجا بکشید! بعد از ذبح هم گوشت قربانی را به فقرا و همسایگان می‌دادیم.

حتی یک بار آقای بهجت به بنده فرمودند: «به آقا بگویید: فردا سه گوسفند قربانی کنند!» بنده هم بدون اینکه علت این اعداد و ارقام را بدانم، مسأله را به گوش امام می‌رساندم و امام هم مقید بودند که دقیقاً خواسته آقای بهجت را اجرا کنند.

زمانی که حضرت امام از پاریس به تهران آمدند و در جماران مستقر شدند، یک بار آقای بهجت به بنده فرمودند: «نامه کوچکی دارم، شما زحمت بکشید و به حضرت امام برسانید». من نامه را گرفته و خدمت امام بردم. امام نامه را قرائت کردند و بسیار خوشحال شدند. بنده البته در جریان مفاد نامه قرار نگرفتم؛ مگر در مورد یک جمله که آن هم به واسطه اینکه امام چیزی درباره آن گفتند و ما می‌دانستیم که حول و حوش مسأله نفت دور می‌زند! ظاهراً آقای بهجت نوشته بود که شما نفت را چه کنید؟ البته حدس بعضی‌ها این بود که آقای بهجت نوشته است که شما خمس و سهمین نفت را به فقرا بدهید، ولی اینگونه نیست.

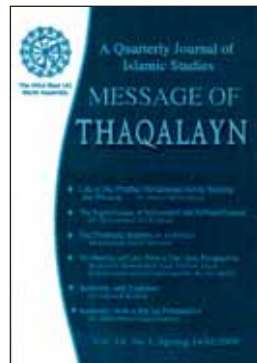
در همان روزهای اوج مبارزه، یکی از آقایان به آقای بهجت گفته بود: «احتمال نمی‌دهید که آقای خمینی خیلی دارد تند می‌رود؟» و ایشان در پاسخ فرمودند: «احتمال نمی‌دهید که ایشان کند می‌رود؟! و اگر تندتر باشد، رژیم زودتر ساقط می‌شود؟».

به نظر من آقای بهجت با مجموع حرکت انقلاب هم‌صدا بود و شائبه مخالفت ایشان با امام و انقلاب وجود نداشت. این انتظار که آقای بهجت به سود انقلاب به طور مستوفی سخن بگوید، بی‌معناست؛ چرا که اساساً ایشان کم‌حرف هستند و بیشتر اوقاتشان صرف اذکار و اوراد می‌شود.

.....

منبع: کتاب «خاطرات آیت‌الله مسعودی خمینی»؛ تنظیم جواد امامی؛ انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی (با تلخیص)

تنظیم: عباس جعفری
(اداره امور مجلات مجمع)
farahani_aj@yahoo.com



کوتثر به زبان فارسی دری

صاحب امتیاز: سید رحمت الله مرتضوی
مدیر مسئول: سید حبیب الله طاهری
ترتیب انتشار: فصلنامه
شماره‌ی مسلسل: ۲۴ - ۲۳
تاریخ انتشار: پاییز و زمستان ۱۳۸۷
تیراژ (شمارگان): ۲۰۰۰
تعداد صفحات: ۲۲۴ صفحه
ناشر: مجمع اهل بیت (ع) افغانستان با حمایت معاونت امور بین الملل مجمع
پست الکترونیک مجله: info@faslnamekothar.com
سایت مجله: www.faslnamekothar.com

برخی از مطالب شماره جدید

- سرمقاله؛ با جاری کوتثر
- باورها:**
 - اندیشه‌های کلامی - عرفانی امام خمینی (ره) / موسوی غزنوی
 - عوامل دین‌گریزی / سید موسی صدر
 - خاتمیت و امامت / میرزا حسین احسانی
- ارزش‌ها:**
 - رابطه‌ی حجاب و عفاف / سید حسین هاشمی
 - کارکردهای اجتماعی نماز / محمد علی احسانی
 - دنیا و آخرت در نگاه امام حسین (ع) / محمد مهدی آصفی / ترجمه: حبیب الله طاهری
 - وحدت در سیره و کلام اهل بیت (ع) / محمد عرفانی
- سیاست:**
 - نقش حکومت در توسعه فرهنگ / سید ابراهیم سجادی

پیام ثقلین به زبان انگلیسی

صاحب امتیاز: مجمع جهانی اهل بیت (ع)
سردبیر: حجت الاسلام و المسلمین دکتر محمدعلی شمالی
ترتیب انتشار: فصلنامه
شماره‌ی مسلسل: ۳۷
تاریخ انتشار: مارس ۲۰۰۹ میلادی (بهار ۱۳۸۸ هجری شمسی)
محل انتشار: لندن
(با همکاری مرکز اسلامی لندن)
تیراژ (شمارگان): ۱۰۰۰
تعداد صفحات: ۱۲۸ صفحه
پست الکترونیک مجله: info.thaqalayn@gmail.com

برخی از مطالب شماره جدید

- سخن سردبیر
- زندگانی پیامبر اکرم (ص) قبل از رسالت / دکتر سید احمد رهنمایی
- اهمیت خودسازی و تهذیب نفس / دکتر محمد علی شمالی
- احادیث نبوی (ص) در خصال شیخ صدوق (ره) / مترجم: محمد جواد شمالی
- خطوط کلی حقوق از دیدگاه قرآن کریم / آیت الله محمد تقی مصباح یزدی / ترجمه: دکتر کریم عقیلی
- مرجعیت علمی، دینی و سنت / دکتر قاسم کاکایی
- مرجعیت علمی، دینی از دیدگاه شیعه / دکتر محمد لگنهاوزن

تنظیم: ع. حسینی عارف
(اداره کل اطلاع رسانی)
arefalireza@yahoo.com

فتنه کلبانی

وقتی یک بی‌سواد امام حرم می‌شود!

● آغاز ماجرا

خبرگزاری اهل بیت (ع) - ابنا - روز ۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۸ خبر تکان‌دهنده‌ای را مخابره کرد: امام جماعت مسجدالحرام در شهر مکه معظمه (یعنی جایی که باید محور وحدت مسلمانان باشد) دیشب در مصاحبه با شبکه بی‌بی‌سی (یعنی بنگاهی که به دشمنی با مسلمانان شهره است) شیعیان را تکفیر کرد!

«شیخ عادل الکلبانی» در این مصاحبه گفت: «در حالی که شیعیان عربستان بیشتر از حشاشان را دریافت کرده‌اند، دائماً از وضعیت موجود شکایت می‌کنند». وی در استدلال این اظهارات، به دیدار «عبدالله بن عبدالعزيز» پادشاه عربستان با بازداشت شدگان شیعه که در پی حوادث مدینه بازداشت شده بودند اشاره کرد و افزود: «شیعیان در اقلیت قرار دارند و باید از وضع موجود راضی باشند». این عالم‌نمای وهابی در ادامه این مصاحبه تلویزیونی به تکفیر شیعیان که به زعم وی مقدسات اسلامی را مورد توهین قرار می‌دهند، پرداخت و افزود: «شیعیان در عربستان نباید در "هیأت کبار العلماء" نماینده داشته باشند؛ چون آن‌ها اقلیت هستند».

جالب است که کلبانی در حالی این سخنان را بر زبان راند که شیعیان عربستان بشدت از تبعیض مذهبی در رنج هستند؛ تا جایی که علمای شیعه این کشور در هفته‌های اخیر در دیدار با مقامات سعودی نسبت به وجود تبعیض مذهبی و توهین‌ها بر ضد شیعیان اعتراض کرده بودند.



● کلبانی کیست؟

«عادل بن سالم الکلبانی» ۴۹ ساله اولین امام جماعت آفریقایی تبار مسجدالحرام است. این شیخ سیه‌چرده که مانند بقیه امامان جماعت مکه، صاحب صوت و لحن است از امارت «رأس الخیمة» به عربستان سعودی مهاجرت کرده است. وی ابتدا به عنوان کارمند شرکت هواپیمایی سعودی در عربستان مشغول به کار شد، تا اینکه در سال ۱۹۸۴ (۱۳۶۳ شمسی) در امتحان اداره اوقاف برای تصدی امامت جماعت قبول و به عنوان پیش‌نماز «مسجد فرودگاه ریاض» تعیین گردید.

وی از حدود سال ۱۳۶۵ شمسی کارش را به عنوان امام جماعت «مسجد صلاح الدین» در منطقه سلیمانیه ریاض پایتخت عربستان ادامه داد در حالی که بر خلاف ائمه جماعت اینگونه مساجد، حافظ قرآن نبود و باید سوره‌ها را از روی قرآن می‌خواند.

وی پس از ۴ سال به عنوان امام جماعت «مسجد جامع ملک خالد» در شهر ریاض منصوب شد اما با دستوری که از سوی «دختران ملک خالد» صادر گردید از این منصب عزل شد! دلیل این برکناری، همچنان نامعلوم است.

کلبانی از شهریور سال گذشته از سوی پادشاه سعودی به امامت جمعه و جماعت مسجدالحرام در شهر مقدس مکه منصوب گشت که این برای او رشد بزرگی محسوب می‌شد؛ چرا که وی فاقد تحصیلات آکادمیک دینی است و تنها به شکل غیر رسمی و شبانه از درس برخی شیوخ وهابی استفاده کرده است. «بن جبرین» از مهم‌ترین اساتید وی بوده و تأثیرپذیری کلبانی از او در سخنرانی‌ها و خطبه‌هایش واضح است. عبدالله بن عبدالرحمن الجبرین از متعصب‌ترین شیوخ سلفی است که به خاطر فتاوی‌های خشونت‌طلبانه و گمراه‌کننده‌اش علیه پیروان دیگر مذاهب اسلامی - از جمله شیعیان - حتی تحت تعقیب دستگاه‌های قضایی اروپا نیز قرار دارد. بن جبرین همان شخصی است که فتوای وجوب انهدام حرم ائمه اطهار - علیهم السلام - را نیز صادر کرده بود.

کلبانی همچنین از دوستان و هم‌فکران نزدیک «اسامه بن لادن» است و در دهه هشتاد میلادی به منظور همراهی با بن لادن به افغانستان هم سفر کرد اما پس از آنکه از سوی وزارت کشور سعودی جذب شد از طرفداران حاکمیت گردید. وی هم‌اکنون دو همسر و ۱۲ فرزند دارد.

● واکنش‌ها

با گذشت مدتی کوتاه از این سخنان موهن، علمای شیعه و سنی واکنش‌های متعدد و شدیدی نشان دادند. به‌نظر می‌رسد از مهم‌ترین این واکنش‌ها، سخنان خطیبان جمعه شهرهای شیعه‌نشین عربستان باشد که در فضای رخنه‌زده و خفقان عربستان سعودی، بی‌واهمه به شیخ کلبانی انتقاد کرده و خواستار عذرخواهی او از تمام شیعیان شده‌اند. گزارش زیر مجموعه‌ای از واکنش‌ها و اظهارات علمای شیعه و سنی در مورد این مسأله است:

۱. «حجت الاسلام شیخ حسن صفار» امام جمعه «قطیف» عربستان:



ما خواستار برکناری امام جماعت حرم مکی هستیم. کسی که جمع کثیری از مسلمانان را کافر می‌داند صلاحیت امامت حرم مکی را ندارد. وجود این‌گونه افراد برای حکومت عربستان زیانهای فراوانی دارد و شیخ کلبانی باید از تمامی شیعیان به خاطر این اظهارات عذرخواهی کند. من از تمسک مدارس سلفی به سلاح تکفیر، تعجب می‌کنم. مدارس تکفیری با تمسک به سلاح تکفیر، وحدت ملی و مصالح کشور را نادیده گرفته و به دیدگاه‌های مسئولان کشور مبنی بر وحدت توهین کرده‌اند. ظهور شیوه تکفیر در مدارس سلفی که از عنوان مدارس و مؤسسه‌های رسمی کشور به شمار می‌آیند چهره عربستان را مشوش می‌کنند و این کشور را به عنوان حامی تروریسم معرفی می‌کند.

تکفیر شیعیان به دلیل توهین به برخی از صحابه، با دلایل سیاسی صورت می‌گیرد، چون برخی از صحابه خودشان را یکدیگر مشکل داشتند و به لعن، فحش، بدگویی و حتی قتل یکدیگر پرداخته‌اند. البته این به معنای موافقت ما با لعن و توهین نیست بلکه ما بارها نظر خود را درباره احترام به مقدسات یکدیگر اعلام کرده و خواستار احترام متقابل هستیم.

۲. «محمد سعید طیب» از فعالان سیاسی اهل سنت عربستان:

عربستان به یک گروه یا طائفه مشخص تعلق ندارد بلکه این کشور به تمام شهروندان عربستانی با هر مذهب و آئینی اختصاص دارد. اظهارات «کلبانی» در مورد شیعیان به هیچ وجه درست نیست زیرا شیعیان بخشی جدایی‌ناپذیر از عربستان سعودی هستند. در کنفرانس اخیر گفتگوی مذاهب اسلامی که سال گذشته در شهر مکه برگزار شد نیز هشت مذهب در عربستان به رسمیت



شناخته شد که مذهب تشیع نیز جزو آن بود.

آنچه بسیار جالب است اینکه کلبانی - مطابق آنچه خود نوشته است - از تربیت دینی خانوادگی برخوردار نبوده و دوران جوانی و نوجوانی خود را به دور از نماز و قرآن و محافل دینی گذرانده و پیوسته به لهو و لعب و تفریح مشغول بوده است، تا اینکه به قول خودش تحت تأثیر قرائت «منشأوی» - که یک روز به شکل اتفاقی آن را از رادیوی ماشینش شنید - به سوی دین بازگشته است. به غیر از این اعترافات شخصی، دوستانش نیز وی را فردی «متقلب المزاج» معرفی می‌کنند. وی در محافل فرهنگی عربستان نیز به فقدان وزن علمی و نداشتن آگاهی‌های کافی مشهور بوده و به لحاظ شخصیتی، یک فرد متزلزل و فرصت‌طلب قلمداد می‌شود.



به دلیل همین بی‌سوادی و بی‌اطلاعی، منصوب شدن کلبانی به عنوان امام مسجدالحرام، که به غیر از صوت و لحن شرایط دیگری مانند عالم بودن را نیز می‌طلبد، عکس‌العمل‌ها و واکنش‌های زیادی را در خود محافل علمی وهابی نیز برانگیخت. خود وی در همان مصاحبه معروف با بی‌بی‌سی، منصوب شدنش به عنوان امام مسجدالحرام را دلیلی بر «شجاعت ملک عبدالله» دانست چرا که علاوه بر برخوردار نبودن از تحصیلات متناسب با این مقام، دارای پوست سیاه نیز هست. علیرغم آنکه کلبانی در مصاحبه دیگری با روزنامه نیویورک تایمز کوشید که با یادآوری موقعیت «جناب بلال» در صدر اسلام و نیز ملقب کردن خود به «ابامای عربستان» چهره دیگری برای نظام عربستان ایجاد کند، اما واقعیت این است که سیاهپوستان همچنان در جامعه عربستان در جایگاه اجتماعی پایینی به سر می‌برند!!

تحلیل گران، سخنان شیخ عادل کلبانی علیه شیعیان را نیز به جایگاه اجتماعی نازل و روحیه جاه‌طلبی وی نسبت می‌دهند. آن‌ها بر این باورند که وی این سخنان را بدون در نظر گرفتن واقعیات و فقط برای خوش خدمتی به سلفی‌های متحجر و کج‌اندیش و در راستای ارتقای موقعیت شغلی و تحقق حس قدرت‌طلبی بر زبان آورده و تکرار می‌کند.

۳. «حجت الاسلام شیخ محمد حسن حبیب» امام جمعه شهر "صفوی" عربستان:

اظهارات شیخ عادل کلبانی در شبکه بی‌بی‌سی



علیه شیعیان، خیانت به امت اسلام و وحدت اسلامی بود. این سخنان نشان داد که علمای سلفی همچنان به برنامه‌های خود برای شستشوی مغزها و کینه‌ای کردن مردم نسبت به یکدیگر ادامه می‌دهند. درحالی که جهانیان به گفتگو و تفاهم روی آورده‌اند این علما از منابری که باید بر روی آن مردم را به حق دعوت کنند به تکفیر جمعی از مسلمانان می‌پردازند، که این عمل خیانت به امت اسلام است. من از سکوت علما و اندیشمندانی که ادعای اعتدال و عدم افراطی‌گری می‌کنند هم شگفت‌زده هستم. علما و اندیشمندانی که ادعای اعتدال میکنند و از خطرات این‌گونه سخنان به خوبی آگاه هستند نباید سکوت اختیار کنند و شاهد دشمنی و گسیختگی ملت باشند. دولت هم موظف است با کسانی که امنیت و وحدت ملت را هدف قرار داده‌اند برخورد قاطع بکند و باید بداند که در صورت سکوت شاهد گسیختگی و جنگ داخلی در کشور خواهد بود.

۴. «حجت الاسلام شیخ حسن نمر» امام جمعه "دمام" عربستان:

اظهارات امام جماعت حرم مکی، عامل ویرانی و گسیختگی در میان مسلمانان و خدمت به استعمار است. سخنان شیخ کلبانی که در گفتگو با شبکه بی‌بی‌سی صورت گرفت و در بسیاری از سایتهای اینترنتی منتشر شد سبب گسیختگی و ویرانی امت اسلامی خواهد شد. نباید تصور کرد که این سخنان تنها در آرشو شبکه بی‌بی‌سی خواهد ماند،

بلکه امواج آن تمامی امت اسلامی را در بر می‌گیرد و هوشیاری برخی از مسلمانان و سوءاستفاده گروه‌های تروریستی را در پی خواهد داشت. این اظهارات مخالف قوانین نظام کشور عربستان است



و علما و اندیشمندان باید از اظهاراتی که بر خلاف قوانین کشور هستند و چهره عربستان را در جهان به صورت کشوری طرفدار تروریسم و کشتار معرفی می‌کند اجتناب کنند. شیعیان جزئی از عربستان هستند و وفاداری خود را به کشور و ملت ثابت کرده‌اند و به هیچ وجه اجازه افراطی‌گری و اظهارات طایفه‌گری را نخواهند داد.

۵. برادر ناتنی عبدالله پادشاه عربستان:

همه سعودی‌ها - شیعه و سنی - مسلمان هستند و نژادپرستی و فرقه‌گرایی ممنوع است.

۶. «دکتر عبدالقادر الکتانی» از دانشمندان برجسته اهل تسنن:

هنگامی که این سخنان را شنیدم بسیار تعجب کردم که این چنین شخصیتی در دنیای اسلام، چطور شمار زیادی از مسلمانان را کافر می‌داند، درحالی که



پیامبر اکرم (ص) فرمود: «هیچ مسلمانی حق ندارد مسلمان دیگری که به وحدانیت خدا و نبوت پیامبر شهادت می‌دهد را کافر بداند». این‌گونه اظهارات در شرایط حاضر که دنیای اسلام به وحدت نیاز دارد، تنها منافع استعماری غرب را فراهم می‌کند و موجب از هم گسستگی دنیای اسلام می‌شود. نمی‌دانیم چرا درحالی که دنیای اسلام روز به روز به سمت تقریب مذاهب می‌رود و سعی می‌کند با برگزاری کنفرانس‌ها، میزگردها، همایش‌ها و اجلاس‌های مختلف بین‌المللی، اختلاف بین شیعه و سنی را به حداقل برساند، علمای سعودی به سمت گسترش فرهنگ تکفیر می‌روند. علمای جهان اسلام پیرو مدرسه سعودی نیستند و هر فتوایی که از این مدرسه صادر می‌شود را قبول نمی‌کنند، چراکه این مدرسه با وجود سخنان پیامبر اسلام (ص)، تنها فرهنگ تکفیر مسلمانان را می‌شناسد. اگر خواستار وحدتی پایدار هستیم، همه مسلمانان باید به اعتقادات یکدیگر احترام بگذارند و هیچ‌یک دیگری را و آنچه به آن اعتقاد دارد را مورد سب و دشنام قرار ندهد.

۷. «حجت الاسلام سید منیر خباز» از علمای عربستان:

اهل تسنن هم از اظهارات عادل کلبانی بیشتر از شیعیان تعجب کرده‌اند. سخنان کلبانی پیروان



مذاهب چهارگانه اسلامی را بیشتر از شیعیان که به این سخنان و فتواها عادت کرده‌اند، تحت تاثیر قرار داد. در حالی که دشمنان اسلام تمامی مسلمانان

ملعبه افکار شیطانی خود قرار داده‌اند، در حالی که نه عالم زمان و نه عالم دین هستند. این روحانی نما به جای اینکه اینگونه یاوه‌ها را سر دهد، در مقابل آمریکا و اسرائیل که جان هزاران مسلمان مظلوم را در عراق، افغانستان و پاکستان می‌گیرد، موضع بگیرد. عربستان به عنوان میزبان و دبیرخانه سازمان کنفرانس اسلامی، نباید اجازه دهد در کشورش گروه‌ها و افراد اینگونه اظهار نظر داشته باشند. دولت عربستان سعودی مسئولیت دارد تا جلوی اینگونه افکار را گرفته و با اینگونه افراد که آشکارا در مسجدالحرام که مقدس‌ترین مکان اسلام است، برخورد کند و اینها را کنار بگذارد. اگر پیش از این جلوی اشخاصی مثل «عبدالله بن جبرین» و امثال او گرفته می‌شد، امروز این شخص جرات نمی‌کرد که مجدداً این حرف را بزند. همین فتواهاست که خانه‌های مسلمانان را در عراق منفجر می‌کند و طالبان و القاعده را به جان مسلمانان انداخته است. ما از علمای اسلام می‌خواهیم تا در مقابل اینگونه فتاوا موضع‌گیری و نظرات منطقی خود را بیان کنند



دین اسلام کسانی که وحدانیت خداوند را قبول کرده‌اند مسلمان می‌داند. هیچ کس حق ندارد کسی را که اعلام می‌کند مسلمان است، کافر بپندارد. مکتب تشیع، مکتب منطق و برهان است و حکومت عربستان بداند که این یاوه‌ها نمی‌تواند در پیشرفت تشیع مانع ایجاد کند.

۱۱. مجلس اسلامی علمای شیعه بحرین:

این سخنان بی‌اثر است و فرهنگ تکفیر را خود اهل تسنن نیز قبول ندارند. در شرایطی که امت اسلامی با چالشهای فکری، فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی و سیاسی مواجه است و جهان اسلام نیازمند وحدت و همدلی است سخنانی نسنجیده‌ای

جماعت پیوسته در سخنرانی‌های خود بر حفظ وحدت ملی و خنثی کردن توطئه‌های مذهبی دشمنان تأکید می‌کنند.

۹. «حجت الاسلام شیخ عبدالکریم حبیل» امام جمعه «ربیع» عربستان:

از پادشاه عربستان می‌خواهیم تا شیخ عادل کلبانی امام جماعت مسجدالحرام را به دلیل کافر دانستن



همه شیعیان در مصاحبه با شبکه بی‌بی‌سی از این سمت برکنار کند. ما از تکفیر تمامی شیعیان توسط شخصیت رسمی کشور عربستان در یک برنامه زنده شگفت‌زده‌ایم. امام مسجدالحرام باید ملت را به وحدت و مسؤولیت‌پذیری دعوت کند ولی این پست به جایگاهی برای صدور تروریسم و کینه تبدیل شده است. آیا شیخ کلبانی به نتایج این سخنان خود به خوبی توجه نکرده است و نمی‌داند که این اظهارات چه عکس‌العملی را از جانب جوانان افراطی علیه شیعیان در سراسر جهان به دنبال خواهد داشت؟ بهتر است پیش از آنکه جهانیان را به گفتگوی ادیان دعوت کنیم، اظهارات و سخنان خود را در داخل امت اسلامی کنترل نماییم و با اظهاراتی که سبب فتنه و آشوب می‌شود برخورد کنیم. امام جماعت مسجدالحرام به دلیل این اظهارات باید به صورت رسمی از تمامی شیعیان عذرخواهی کند.

۱۰. «حجت الاسلام شیخ محمدحسن اختری»

دبیر کل مجمع جهانی اهل بیت (ع):

اظهارات امام جماعت مسجدالحرام، نشان از جهل و نادانی وی می‌باشد. وهابی‌ها و کسانی که دیدگاه‌های افراطی را بیان می‌کنند دین خدا را

اعم از شیعه و سنی را مورد هدف قرار داده‌اند و با توهین به مقدسات اسلام سعی در خدشه وارد کردن به این دین هستند، تکفیر علمای شیعه بسیار عجیب است و خدمت به دشمنان به شمار می‌آید. مسئولان عربستان مدتهاست که از گفتگوی ادیان و مذاهب اسلامی سخن می‌گویند، ولی این سخنان با تمامی این ادعاها مغایرت دارد و وحدت ملی را تهدید می‌کند. مراجع تقلید شیعیان خصوصاً مراجع نجف اشرف و قم بر حرمت خون تمامی مسلمانان تأکید می‌کنند و خواستار استحکام برادری میان پیروان مذاهب اسلامی هستند. علمای شیعه رهبران مبارزه با استکبار جهانی هستند. علمای شیعه - خصوصاً علمای لبنان - در برابر اسرائیل که دشمن تمامی مسلمانان به شمار می‌آید مقاومت و مبارزه می‌کنند ولی به جای تقدیر از آنان شاهد سخنان فتنه‌اندوزانه و استفاده از کلمه کافر نسبت به آنان هستیم. این اظهارات، مخالف آموزه‌های اسلامی و اهل بیت (ع) است.

۸. «سید محمد باقر الناصر» امام جمعه شهر «الخبر» عربستان:

به ذلت کشیدن شهروندان شیعه و درگیر کردن آنان با مقامات رسمی عربستان، انگیزه اصلی مسؤولان تندرو این کشور است. در حال حاضر،



مسئولان تندرو عربستانی تلاش می‌کنند از طریق بازداشت‌های گسترده و بستن مساجد، در میان شیعیان رعب و وحشت ایجاد کنند و فعالیت‌های شیعیان را محل امنیت عربستان جلوه دهند. شیعیان عربستان به هویت ملی خود پایبند هستند و خود را جزئی از جامعه عربستان می‌دانند و ائمه

نماز به امامت امام مسجدالحرام باطل و حرام است. باید این شخص را از مسجدالحرام اخراج کرد.



۱۶. «محمد الدربینی»

رئیس موسسه اهل بیت (ع) قاهره:

ما ضمن همکاری با «آقای وعد الحسینی» رئیس موسسه اهل بیت (ع) در عراق، تلاش می‌کنیم تا علمای افراتی عربستان را پای میز محاکمه بکشانیم و تحت پیگرد قانونی قرار دهیم. مدارک مورد نیاز برای اثبات اتهام این عاملان تفرقه افکن تهیه شده و بزودی آن را تسلیم دادگاه خواهیم کرد. همچنین شیعیان مصر و عراق در حال تهیه طوماری برای



کشاندن عالمان وهابی عربستان که فتوای تکفیر شیعه را صادر کرده‌اند، به دادگاه بین‌المللی هستند. دست اندرکاران موسسه اهل بیت (ع) در قاهره و بغداد در تلاشند تا ۲۲ نفر از علمای برجسته وهابی عربستان را که فتواهایی مبنی بر کافر بودن شیعیان و آزادی خشونت علیه این مذهب صادر کرده‌اند، به

با اینگونه اظهارات هشدار می‌دهیم. مردم کویت اعم از شیعه و سنی به تکفیری‌ها اجازه نخواهند داد که اهداف شیطانی آنها محقق شود.

۱۳. «حجت الاسلام شیخ عبدالمهدی کربلایی» نماینده آیت الله سیستانی و امام جمعه کربلا:

فتوهای تکفیری علمای سلفی چراغ سبز به گروههای تروریستی برای کشتار مسلمانان است.



علمای سلفی و افراتی با صدور فتوهای تکفیری علیه شیعیان، گروههای تروریستی را به کشتار پیروان اهل بیت (ع) و تخریب مقدسات تشیع دعوت می‌کنند. این نشان‌دهنده بی‌اطلاعی این افراد از آموزه‌های اسلام مبنی بر وحدت مسلمانان است.

۱۴. مجلس نمایندگان عراق در نامه اعتراض آمیز به دولت عربستان:

ما خواستار عذرخواهی رسمی دولت عربستان سعودی به دلیل اظهارات توهین آمیز «کلبانی» در مورد شیعیان هستیم. اظهارات اخیر امام جماعت مکه مکرمه، گامی به سوی فتنه انگیزی و اختلاف انداختن میان ملت عراق است. این گونه اظهارات موجب افزایش اختلافات مذهبی و طایفه‌گرایی می‌شود.

۱۵. «شیخ عبدالحمید مهاجر» از سخنرانان سرشناس عرب:

شنیده می‌شود که وحدت و همدلی مسلمانان را از بین می‌برد و تمامی تلاش‌های صورت گرفته جهت استحکام وحدت به هدر می‌رود. صدور چنین سخنانی که از پایگاهی اسلامی صادر می‌شود، خدمت به دشمنان اسلام است. ای کاش این افراد به جای هدف قرار دادن شیعیان، دشمنان اسلام و استکبار جهانی و در راس آنها آمریکا و اسرائیل را هدف قرار می‌دادند که دائم تلاش می‌کنند امکانات مسلمانان را تصاحب کنند و مسلمانان را در برابر نفوذ رژیم صهیونیستی سست کنند. این سخنان و برنامه‌های تکفیری از گروه کوچکی صادر می‌شود و نباید آنها را نمایندگان امت اسلامی که به شدت با این ادعاها مخالف هستند فرض نمود. فرهنگ اهل بیت (ع) مدرسه اصیل اسلامی است و پیروان این فرهنگ والا بر وحدت و یکپارچگی امت اسلامی تاکید خاصی دارند و تمامی مسلمانان را برادر می‌دانند. این سخنان به هیچ وجه اثری در جامعه و جنبش وحدت امت اسلامی نخواهد داشت زیرا مسلمانان دارای یک قلب، یک دست و یک پیکر هستند.

۱۲. «فرج الخضری» دبیر کل سازمان "نوابت الشیعة" کویت:

اتهامات وهابیان تکفیری بر ضد شیعیان مبنی بر سب و لعن همیشگی اصحاب پیامبر از سوی



شیعیان صحیح نیست. همچنین اظهارات ضد شیعی وهابیان تکفیری را در رسانه‌ها ناشی از کینه و خشم آنهاست. ما نسبت به برافروختن آتش فتنه طایفه‌ای بین شیعه و سنی از سوی وهابیان تکفیری

به شکست کشاندن روند سیاسی و ایجاد هرج و مرج است.

● اظهار وجود مجدد کلبانی!

علیرغم این واکنش‌ها در داخل و خارج عربستان، کلبانی باز هم از ایراد این سخنان تفرقه‌آمیز بازنیستاد، بلکه چند بار دیگر نیز آنها را تکرار کرد:

ابتدا در روز ۳۰ اردیبهشت (یعنی تنها دو هفته پس از اظهارات اول) و این‌بار در مصاحبه با "پایگاه اینترنتی لجینیات" دوباره پیروان اهل بیت (ع) را تکفیر کرد و از واکنش شیعیان به سخنان خود هم ابراز تعجب نمود!

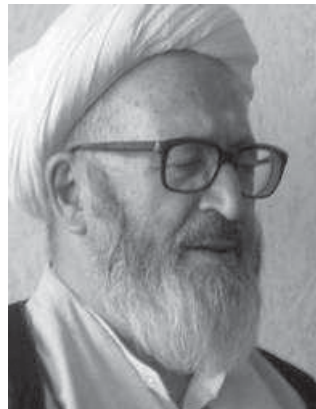
کلبانی در این مصاحبه با بیان اینکه من واقعاً از واکنش شیعیان به این اظهارات تعجب می‌کنم، مدعی شد: "این موضوع به هیچ وجه جدید نیست، پیش از من نیز بسیاری از علمای اهل سنت و خلفای راشدین حکم به تکفیر شیعیان داده بودند!"

وی در ادامه این اظهارات عجیب که بی‌سوادى او را بیش از پیش برملا کرد اعلام نمود: "مسلمانان می‌توانند به رساله جامع مهمی که حاوی سخنان خلفای راشدین است مراجعه کرده و خود ببینند که موضع‌گیری آنها در قبال شیعیان چیست. خلفای راشدین سال‌ها قبل گفته بودند هر کسی به مذهب تشیع بگراید، رافضی و کافر است!"

شیخ کذابی سپس حدود بیست روز بعد - در تاریخ ۲۲ خرداد ۸۸ - با تکفیر مجدد شیعیان از مسلمانان خواست آنها را مانند مسیحیان بدانند!

کلبانی پا را از این فراتر گذاشت و این‌بار علمای مذهب اهل بیت (ع) را نیز هدف قرار داد و آنان را "امان گمراهی" توصیف کرد. وی با رافضی خواندن و تکفیر مجدد شیعیان، خواستار برخورد با آنها همانند مسیحیان شد و گفت: "بر من واجب است که رای و عقیده خود را در مورد کفر علمای گمراه کننده رافضیان تبیین و اظهار کنم. اظهارات من جدید نیست و قبل از من نیز علمای گذشته آن را گفته بودند."

تقدیر است و مراد از نقد، بدگویی و ناسزاگویی نیست بلکه بررسی نقاط قوت و ضعف زندگی افراد است.



امیدوارم علما و دانشمندان عربستان که به وحدت اسلامی علاقه‌مندند، امثال کلبانی را که سنگ تفرقه به میان مسلمانان می‌افکند را از خود دور کرده و او را در یک دادگاه صالحه محاکمه کنند.

۱۹. «نوری المالکی» نخست وزیر عراق:

علت انفجارهای اخیر در عراق همین فتواهای تحریک‌آمیز است. دست‌های خارجی در پشت پرده این فتواهای تکفیری وجود دارند که خواستار برهم زدن آرامش عراق هستند. جنایت‌های اخیر در شهرهای بطحا در ناصریه، تازه خورماتو در کرکوک، شهرک صدر و البیاع در بغداد، نتیجه این فتواهای خطرناک است؛ آنها طرحی را اجرا می‌کنند که هدف از آن شعله‌ور کردن آتش فتنه طایفه‌ای و



پای میز محاکمه بکشانند.

صدور فتواهای عالمان وهابی سعودی مبنی بر کافر بودن شیعیان و حمله وسیع تبلیغاتی علیه آنها در رسانه‌ها، باعث شده است که دیگران تصور غلطی از مذهب تشیع داشته باشند و با افزایش خشونت علیه شیعیان، آنها را مورد اذیت و آزار و حتی قتل قرار بدهند.

این اقدام علمای مذهبی سعودی، نقض قوانین بین‌المللی و اقدامی علیه بشریت است.

۱۷. راهپیمایی مردم نجف

مردم شهر نجف اشرف با برپایی تظاهرات اعتراض‌آمیزی اظهارات ضد شیعی امام جماعت مسجدالحرام را محکوم کردند و خواستار برکناری امام جماعت مسجدالحرام از منصبش شدند. مردم نجف با راهپیمایی در خیابانهای منتهی به حرم مطهر امام علی (ع) و حمل پارچه‌نوشته‌هایی، اظهارات تکفیری کلبانی را محکوم کرده و خواستار پیگرد قانونی وی شدند.

۱۸. «آیت‌الله العظمی سبجانی»:

وظیفه امام مسجدالحرام، اقامه جماعت در اوقات مشخص در مسجد است و چنین فردی حائز مقام افتاء نیست تا فتوا بدهد و گروهی را مسلمان و گروه دیگری را کافر معرفی کند. بد نیست به نوشته عبدالقادر بن عبدالعزیز، یکی از علمای اهل سنت در «الجامع» توجه کنیم، او می‌گوید احدی به تکفیر فرد یا افراد معینی از روافضه (شیعیان) قائل نبوده و این قول تنها در سال‌های اخیر به خاطر اسباب سیاسی شایع شده است. این نوع تکفیرها در شرایطی صادر می‌شود که رهبران اسرائیل و آمریکا در رفت و آمد با یکدیگر با دول عربی هستند تا صلح اعراب و اسرائیل را مستحکم سازند.

در طول تاریخ نویسندگان شیعه در مورد صحابه و تابعان و کلیه شخصیت‌های تاریخی به نقد زندگی پرداخته و نقاط قوت و درخشان آنها را ترسیم کرده‌اند. نقد زندگی غیر از سب است. همه افراد جز آنان که خدا به عنوان فرد معصوم معرفی کرده است، تحت پوشش قانون بوده و زندگی آنان قابل



انفجار انتحاری در مسجد امام علی (ع)

در غروب روز شهادت حضرت فاطمه زهرا (س) بمبی در مسجد علی بن ابی طالب (ع) شهرستان زاهدان منفجر شد و بیش از ۲۰۰ نفر از نمازگزاران را شهید و مجروح کرد. این انفجار انتحاری بعد از نماز مغرب به وسیله تروریستی که در صف دوم نماز جماعت حضور داشت، صورت گرفت.

عوامل امنیتی و اورژانس بلافاصله در محل حادثه حاضر و اقدامات لازم را صورت دادند و نیروهای امنیتی کنترل منطقه را در دست گرفتند.

در این جنایت تروریستی بخشی از داخل مسجد تخریب شد، ۲۰ نفر از هموطنانمان شهید و حدود ۲۰۰ نفر دیگر هم مجروح شدند و تعدادی از مردم نیز دچار موج گرفتگی ناشی از انفجار شده‌اند.

در همین حال برخی منابع خبری از کشف و خنثی شدن یک بمب دیگر به فاصله اندکی از وقوع انفجار فوق، در حوالی همین مسجد خبر دادند.

مسجد امام علی بن ابی طالب (ع) زاهدان پس از مسجد جامع این شهر، دومین مسجد اصلی و محل تجمع شیعیان مؤمن است. همچنین این مسجد محل اصلی گردهمایی‌های نیروهای انقلابی این شهر به شمار می‌رود که در روزهای دفاع مقدس نیز محل اعزام رزمندگان به جبهه‌ها بوده است.

دستگیری و اعدام تروریست‌ها

در همین حال استاندار سیستان و بلوچستان در گفت و گو با رسانه‌ها گفت: «پس از انفجار بمب در مسجد علی بن ابیطالب و شهادت تعدادی از نمازگزاران، اعضای یک گروه تروریستی که قصد خروج از زاهدان را داشتند توسط سربازان گمنام امام زمان (عج) دستگیر شدند. اعضای این گروه تروریستی که قصد داشتند در برخی مناطق دیگر زاهدان نیز نسبت به انفجار بمب اقدام کنند که با تلاش اداره کل اطلاعات استان دستگیر شدند».

«علی محمد آزاد» با بیان اینکه اطلاعات بیشتر در این زمینه در زمان‌های بعدی به اطلاع مردم می‌رسد، اظهار داشت: «بعد از تکمیل روند بازجویی از این دستگیرشدگان اطلاع رسانی لازم صورت می‌گیرد».

استاندار سیستان و بلوچستان افزود: «تروریست‌ها و اشرار باتوجه به ناامنی‌های موجود در کشورهای همسایه ما در شرق کشور قصد داشتند در آستانه انتخابات نظم و انضباط استان را به هم بریزند. دشمنان انقلاب قصد دارند با ناامن کردن استان به اهداف شوم خود برسند اما نمی‌دانند که یکپارچگی ملت مسلمان ایران اسلامی روز به روز بیشتر از پیش می‌شود».

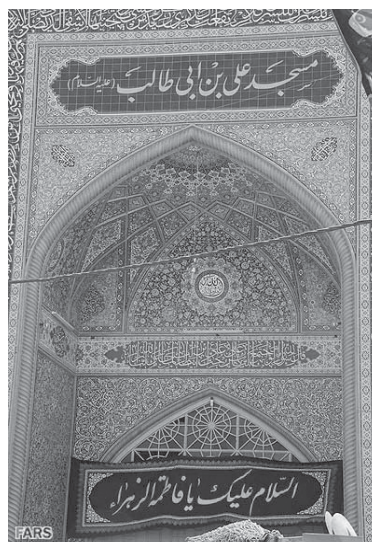
آزاد از مردم استان خواست همانطور که تاکنون با عوامل امنیتی و اطلاعاتی همکاری خوبی در معرفی و شناسایی اشرار و تروریست‌ها داشته‌اند، این همکاری‌ها را استمرار بخشند.

وی گفت: «مردم بدانند که دشمن می‌خواهد از احساسات پاک ما سوء استفاده کند که با همکاری مردم و مسؤولان این نیت شوم دشمن عملی نخواهد شد».

در همین حال تنها دو روز پس از حادثه، سه عامل بمب‌گذاری حادثه تروریستی زاهدان صبح روز شنبه ۹ اردیبهشت اعدام شدند.

سردار غلامعلی نکویی فرمانده انتظامی استان سیستان و بلوچستان گفت: فضای امنیتی شهر زاهدان در حال حاضر عادی است و مشکل خاصی وجود ندارد.

جنایت تفرقه افکنان در زاهدان



عیادت وزیر بهداشت از مجروحان حادثه

چکیده‌ای از واکنش‌ها

مقام معظم رهبری:

لازم است مردم مؤمن و بیدار زاهدان و دیگر شهرها در آن استان و همه جای کشور توجه کافی به توطئه‌ی دشمنان داشته باشند ... لازم است علما و معتمدان اهل تسنن در آن استان مواضع قاطع خود را در بیزاری از مفسدانی که بنام دفاع از اهل سنت دست به چنین جنایاتی می‌زنند، بار دیگر صریحاً ابراز نموده مردم را از کید و مکر دشمن آگاه سازند ... لازم است علما و متنفذان شیعه همگان را از نیت شوم دشمنان که ایجاد کینه‌های مذهبی و قومی است مطلع ساخته از واکنش‌های سنجیده و عصبی جلوگیری نمایند.

اعزام هیأت‌هایی از حوزه علمیه قم به زاهدان

به دنبال حادثه خونین تروریستی مسجد امام علی (ع) زاهدان، حضرات آیات صافی گلپایگانی، وحید خراسانی و سیستانی هیأت‌هایی به این شهر اعزام کردند.

این هیأت‌ها ضمن شرکت در مراسم تشییع و تدفین شهدای مظلوم مسجد امام علی بن ابی‌طالب (ع)، با بازماندگان شهدا همدردی و از مجروحان عیادت و دلجویی کردند.

آیت الله العظمی مکارم شیرازی:

ما ضمن محکوم کردن شدید این جنایت بزرگ بر مسئولین دولتی لازم می‌دانیم درس عبرتی به این جانین رسوا که زشت‌ترین و ناجوانمردانه‌ترین راه را برای رسیدن به مقاصد شیطانی خود انتخاب کرده‌اند و در تمام دنیا منفورند، بدهند و همچنین محکم در برابر آنها بایستند تا از تکرار این حوادث دردناک جلوگیری شود و مجرمان و تمام یادی آنها را در هر لباس و مقامی که هستند تسلیم دستگاه عدالت کنند.

آیت الله العظمی موسوی اردبیلی:

در دورانی که فتنه‌های مختلف مسلمانان را احاطه کرده است، مسلمانان باید پیش از پیش مراقبت کنند که در دام این فتنه‌ها گرفتار نشوند. برخی از افراد ناآگاه و جاهل به اسم اسلام و به اسم سخنرانی به مسائل فرقه‌ای دامن می‌زنند که باید جلوی آنها را گرفت؛ چرا که دامن زدن به این مسائل نه به صلاح شیعه است نه به صلاح اهل سنت.

سازمان کنفرانس اسلامی:

«اکمل الدین احسان اوغلو» دبیرکل سازمان کنفرانس اسلامی حمله تروریستی در شهر زاهدان را که موجب کشته و زخمی شدن ده‌ها تن شده بود، محکوم کرد.

وی در بیانیه‌ای این حمله تروریستی را اقدامی وحشیانه توصیف کرد و از مسؤولان خواست تا عاملان این جنایت را به دست عدالت بسپارند.

وی همچنین این حادثه را به دولت و ملت ایران و خانواده قربانیان تسلیت گفت و برای مجروحان حادثه شفای عاجل را از خداوند طلب کرد.

بیانیه مجمع در محکومیت اقدام تروریستی زاهدان

بسم الله الرحمن الرحيم

انا لله و انا اليه راجعون

حمله وحشیانه، ناجوانمردانه و غیرانسانی تروریست‌های کافر و منافق صفت و جاهلان متعصب در درون صفوف نمازگزاران مسجد علی بن ابیطالب (علیه السلام) شهر زاهدان و به شهادت رسیدن و مجروح شدن عده‌ای نمازگزار مظلوم در حال نماز و اهانت به خانه خدا، قلوب مردم مسلمان ایران اعم از شیعه و سنی را به شدت جریحه‌دار کرد و موجب اندوه و آلام دل‌ها و سبب نفرت و انزجار همه انسان‌های آزاده وطن دوست و خدا جو از تروریست‌های ستمکار و دشمن خدا گشت.

مجمع جهانی اهل بیت (علیهم السلام) ضمن محکوم نمودن شدید این جنایت هولناک و ضد بشری و انسانی و توهین به ساحت مقدس خانه خدا و نمازگزاران بی گناه، به خاک و خون کشیده شدن و شهادت کودکان، مردان و زنان را به خانواده‌های شهدای این حادثه تسلیت عرض نموده و به طراحان و توطئه گران اجنبی این جنایت هولناک و مزدوران آمریکا و صهیونیسم اعلام می‌نماید که ریختن این خون‌های پاک موجب تنومندتر شدن شجره نظام اسلامی گردیده و پیوندهای عمیق میان شیعه و سنی را ناگسستنی تر خواهد نمود و برای این گمراهان کج اندیش جز بغض و کینه امت اسلام حاصلی دربر نخواهد داشت.

این نامسلمانان و از خدا بی‌خبران دست نشانده و تربیت یافتگان گروه‌های وهابی بدانند که ملت مسلمان ایران اعم از شیعه و سنی و مسلمان و غیر مسلمان چنانکه در کردستان در استقبال گرم و صمیمی خود از رهبرشان نشان داده اند با پیروی از خط امام راحل خمینی عظیم الشان و رهبری خردمند و آگاه انقلاب اسلامی راه وحدت و یکپارچگی را دنبال نموده و سنی و شیعه این مرز و بوم را در ریشه‌کن ساختن ریشه‌های جاهلیت و پاک نمودن اسلام عزیز و مسلمانان متعهد از لوٹ وجود یک مجموعه اندک القاعده و مزدوران و دشمنان اسلام و صهیونیست‌های بین‌المللی مصمم تر ساخته و با قدرت در برابر توطئه‌های بیگانگان ایستادگی می‌نمایند و مردم فهیم و شریف ایران اسلامی بویژه هوموطنان عزیز در استان سیستان و بلوچستان با هوشیاری و بیداری کامل هر نوع توطئه دشمنان اسلام را که با هدف برهم زدن آسایش و اختلاف افکنی میان شیعیان و اهل سنت طراحی شده است را خنثی نموده و همگان توصیه‌های داهیه‌انه رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای - دام ظلّه العالی - در حفظ وحدت و برادری را نصب العین خود قرار دهند.

براستی وقت آن نرسیده که علما و اندیشمندان و فرهیختگان در برابر این گمراهان بی‌دین مواضع خود را مشخص نموده و با فتاوا و بیانات صادقانه و عالمانه و مسئولانه خود جاهلان را روشن نموده و کج اندیشان را به راه راست هدایت نمایند و با بیان شرع مقدس مورد اجماع مسلمانان، بی‌دینان خارج از ملت اسلام را آگاه سازند.

بی‌شک کسانی که فتوا به ترور و کشتار و انفجار خانه‌های خدا و منازل و پناهگاه‌ها و مراکز اجتماعی مردم می‌دهند از اسلام خارج و اسلام از آنها بیزار است و هر کسی که با گفتار و رفتار و یا سکوت آنها را تایید می‌کند در ریختن خون مسلمانان و از بین بردن مال و جان مردم شریک است.

امید است علماء شیعه و سنی با وحدت و یکپارچگی و با احساس مسؤولیت شرعی مردم مظلوم مسلمان را از شر این شیاطین و بی‌دینان و منافقان و ظالمان نجات دهند.

در پایان از خداوند متعال برای شهدای این حادثه علو درجات و برای مجروحین آرزوی بهبودی و برای بازماندگان اجر و صبر مسألت می‌نماید.

«وسیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون»

مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام



در تهران تشکیل شد؛

اولین جلسه ستاد اجرایی همایش بین‌المللی بزرگداشت امام سجاد زین‌العابدین (ع)



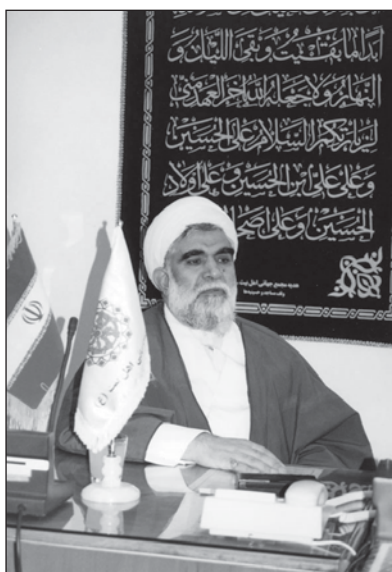
صحیفه سجادیه تشکیل نمی‌دهیم توضیح داد: «همایش ما یک کنفرانس اعم است؛ یعنی تلاش خواهیم کرد تمام ابعاد زندگی امام سجاد(ع) از نظر سیاسی، مکتبی، فقهی، حقوقی و ... مورد بررسی قرار بگیرد. البته بخش‌هایی از همایش هم به "صحیفه سجادیه"، "رساله حقوق امام سجاد(ع)"، "نامه امام(ع) به محمد بن شهاب زهری" و "نامه‌های دیگر امام سجاد(ع)" اختصاص خواهد داشت».

اختری با اشاره به اینکه کلیه خطوط عرفان و تصوف به امام سجاد(ع) و از طریق آن حضرت به امیرالمؤمنین (ع) می‌رسد گفت: «این مسأله می‌تواند به عنوان یک نقطه مشترک برای تقریب مذاهب باشد و بسیاری از علمای اهل تسنن را به سوی این امام همام (ع) بکشاند. همچنین ما می‌توانیم از این مسأله برای تصحیح انحرافات استفاده کنیم که متأسفانه در باب عرفان و فرقه‌های صوفی ایجاد شده است. شاید بتوانیم در این همایش، مسیر صحیح عرفان را با الگوگیری از آموزه‌های این امام نشان دهیم».

دبیر کل مجمع همچنین به مسایل سیاسی و علمی دوران امام سجاد(ع) و خطوطی که ایشان در این

اوایل مهرماه سال جاری فراخوان را منتشر نموده و مدت شش ماه به اندیشمندان داخلی و خارجی فرصت مطالعه و تحقیق بدهد و افزود: «در این صورت امیدواریم که بتوانیم برای ایام ولادت امام سجاد(ع) در مرداد ۱۳۸۹ همایش نهایی را برگزار کنیم».

دبیر کل مجمع با تذکر این نکته که ما کنگره



اولین جلسه ستاد اجرایی همایش بین‌المللی بزرگداشت امام سجاد زین‌العابدین (ع) صبح روز چهارشنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۸ در تهران برگزار شد.

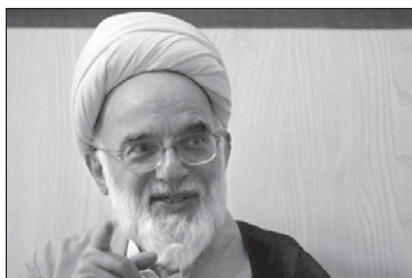
در ابتدای این جلسه «حجت الاسلام والمسلمین محمد حسن اختری» دبیر کل مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام دقایقی به مناسبت رحلت آیت‌الله العظمی بهجت(ره) سخن گفت.

وی سپس گزارشی از روند امور برگزاری همایش بزرگ و بین‌المللی بزرگداشت امام سجاد زین‌العابدین(ع) که قرار است از سوی مجمع برگزار شود ارائه کرد.

اختری با اشاره به برگزاری "نشست مقدماتی این همایش" که در مردادماه ۱۳۸۶ و همزمان با چهارمین اجلاس مجمع عمومی مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام برگزار شد گفت: «جناب آقای دری نجف‌آبادی ریاست هیأت علمی این همایش را بر عهده خواهند داشت و آقای سجادی هم به عنوان دبیر هیأت علمی به ایشان کمک خواهند کرد. اعضای حاضر در این جلسه هم به عنوان هیأت اجرایی با آقایان همکاری می‌کنند».

وی ابراز امیدواری کرد که ستاد همایش بتواند در

هجری و آفاق دنیای اسلام در آن زمان"، "شناسایی جریان‌های فکری حاکم در آن عصر" و "بررسی



استراتژی دعا" به عنوان مسائلی که می‌توانند در این همایش مورد بحث قرار گیرند اشاره کرد. رییس هیأت علمی همایش بین‌المللی بزرگداشت امام سجاد زین‌العابدین (ع) در پایان ابراز امیدواری کرد که کنفرانسی پرمحتوا برگزار و کاری در خور شأن مجمع ارائه گردد.

گفتنی است به غیر از افراد فوق‌الذکر، آقایان «محمد سالار» معاون امور بین‌الملل، «محمد رضا نظام‌دوست» معاون امور اجرایی، «صادق رضانی گل‌افزانی» رییس حوزه دبیر کل، «حسینی عارف» سرپرست اداره کل اطلاع‌رسانی و «مجتبی سلطانی» مشاور دبیر کل نیز به عنوان اعضای ستاد اجرایی در این جلسه حضور داشتند.

و صحیفه سجادیه صورت عملی پذیرد. وی با ذکر اینکه بسیاری از شروح قرن ۱۰ هجری به بعد، همچنان به صورت خطی باقی مانده است گفت: «باید به برخی ترجمه‌های کهن از صحیفه نیز پرداخته شود».

سجادی همچنین به بیشتر بودن ادعیه امام سجاد (ع) نسبت به آنچه در صحیفه‌های فعلی آمده است اشاره کرد و افزود: «هم‌اکنون ۵۲ دعا در صحیفه‌های معمولی وجود دارد؛ در حالی که با احیای "صحیفه‌ی ابن‌مطهر" یک دعای دیگر پیدا شد؛ با "روایت ابن‌اشکب" یک دعای دیگر اضافه گردید و با "روایت ابن‌میمون" یک دعای دیگر نیز به این تراث عظیم معنوی تشیع افزوده شد. تعداد دعاهای صحیفه در واقع بیش از هفتاد دعا بوده است اما اکنون ۵۲ دعا در صحیفه‌ها منتشر می‌شود».



وی ادامه داد: «کارهایی که بر روی صحیفه نشده است بسیار زیاد است. مثلاً شروح فارسی معدودی بر آن نوشته شده است. شرح‌های عربی متقن هم کم داریم».

سپس «حجت‌الاسلام والمسلمین دری نجف‌آبادی» عضو شورای عالی مجمع جهانی اهل‌بیت‌علیهم‌السلام با ابراز آمادگی برای خدمت به این همایش مهم، نکاتی را برای برگزاری بایسته آن ارائه نمود. وی به مواردی همچون "تدوین دائرةالمعارف امام سجاد (ع)"، "تدوین دائرةالمعارف دعا"، "بررسی جامع عصر امام سجاد (ع)"، "واکاوی مسائل قرن اول

زمینه‌ها مشخص کردند پرداخت و افزود: «امام زین‌العابدین (ع) پایه گذار مکتب علمی تشیع بود که بعداً به امام باقر (ع) و امام صادق (ع) منتهی شد و آن دانشگاه عظیم را ایجاد کرد».

«حجت‌الاسلام والمسلمین احمد سالک» معاون امور فرهنگی مجمع جهانی اهل‌بیت‌علیهم‌السلام نیز در این جلسه گزارشی از کارهای انجام شده ارائه کرد و گفت: «از آقای سجادی به دلیل تحقیقاتی که روی صحیفه سجادیه و زندگی امام سجاد (ع) انجام داده‌اند دعوت کردیم که به عنوان دبیر هیأت علمی در خدمتشان باشیم. سپس در جلساتی که در این رابطه برگزار کردیم ۱۷ بند محتوایی و ۱۰ بند اجرایی را مشخص کردیم که باید مورد پیگیری



قرار بگیرد».

وی "تشکیل دبیرخانه"، "تهیه جدول زمانبندی پیشرفت اجرایی و محتوایی"، "پیشنهاد اعضای هیأت علمی"، "تهیه موضوعات"، "سفارش مقاله" و "فراخوان مقاله" را از برنامه‌های اجرایی ستاد بر شمرد و افزود: «کارهایی مانند "استخراج آراء فقهی"، "تدوین لغت نامه"، "تکمیل سلسله اسناد"، "تهیه سی‌دی دانشنامه" و "جمع‌آوری نسخ خطی" از جمله اقداماتی است که می‌توان در مورد صحیفه سجادیه مد نظر قرار داد».

سپس «حجت‌الاسلام والمسلمین سید احمد سجادی» دبیر هیأت علمی همایش بین‌المللی بزرگداشت امام سجاد زین‌العابدین (ع) ابراز امیدواری کرد که با برگزاری این کنگره، برخی کارهای مغفول مانده در رابطه با امام زین‌العابدین (ع)

برگزیده‌ای از اخبار اختصاصی

خبرگزاری اهل بیت (ع) - ابنا



مفتی اعظم روس از فعالیت پلیس روسیه علیه وهابیت تقدیر کرد

«طلعت تاج الدین» رئیس اداره دینی مرکزی مسلمانان روسیه بر لزوم ادامه مقابله با فرقه وهابیت تأکید کرده و از کار پلیس در این راستا تقدیر نمود. وهابیت یکی از فرقه‌های ساختگی و افراطی در بین مسلمانان است که پیروان آن وظیفه اصلی خود را پاکسازی اسلام، البته از دیدگاه آنها، از هر گونه ناخالصی فرهنگی، نژادی و یا دیگر ویژگی‌های ملل مسلمان می‌دانند. در روسیه این فرقه رسمیت ندارد اما پیروان آن در بسیاری از مناطق از جمله پریولژی، سبیری و اورال زندگی می‌کنند. این موضع‌گیری از سوی یک نهاد رسمی در روسیه بوده و طبعاً موضع دولت نیز به شمار می‌رود.

مشاجره در داخل اخوان المسلمین در مورد اتخاذ موضع در برابر تشیع

در حالی که ادعا می‌شود اختلاف داخلی بین اخوان المسلمین درباره اتخاذ موضع مشترک در مقابله با تشیع همچنان ادامه دارد؛ رهبران اخوان المسلمین بر اهمیت تمرکز بر دشمن مشترک تأکید دارند. به گزارش خبرگزاری اهل بیت علیه السلام - ابنا - رهبران اخوان المسلمین این سخن را که شیعیان برای نفوذ در بین کشورهای اهل سنت می‌کوشند رد و تأکید کردند حملات ضد شیعی ناشی از اختلاف‌های سیاسی است. اختلاف در مورد شیعه در میان اخوان المسلمین بار دیگر در مقاله‌ی «مهندس یوسف ندا» و «دکتر محمود غزلان» بروز کرد. یوسف ندا در مقاله‌ای از مخالفان موضع خود نسبت به شیعه انتقاد و مخالفان خود را متهم کرد که آنان قشری‌گرا و چیزی نمی‌دانند و یا نمی‌خواهند بدانند. این مساله موجب شد تا غزلان به وی پاسخ داده و وی را به ترویج مذهب تشیع متهم کند. در همین حال «محمد عاکف» رهبر اخوان المسلمین با دخالت خویش تلاش کرد تا اختلاف را مهار کند و تأکید کرد که موضع ندا و غزلان موضع شخصی است و ارتباطی به دفتر ارشاد اخوان المسلمین ندارد. عاکف در گفت و گوی تلفنی با روزنامه الشرق الاوسط گفت: «حمله‌ی کشورهای سنی علیه شیعه به سبب ضعف و تفرقه‌ی آنان است و این کشورها ضعیف و عاجز هستند». وی از حمله ضد شبکه حزب الله در مصر ابراز تعجب کرد و اتهامات علیه آنها را توخالی خواند و گفت که حزب الله برای کمک به برادران خود که در غزه در محاصره هستند آمده است. رهبر اخوان المسلمین با خشم از دولت مصر انتقاد کرد و افزود کشور مصر هم‌اکنون هیچ جایگاه و ارزشی در جهان عرب و اسلام ندارد. عصام العریان از رهبران اخوان المسلمین نیز تلاش‌ها برای گسترش مذهب تشیع را رد کرد و گفت: «این مساله سیاسی است». با اینحال، وی با اشاره به اینکه یکی از ارکان ثابت مذهب تشیع انتظار امام غائب است، ادعا کرد: «تغییر مذهب از تشیع به مذهب اهل سنت آسان‌تر است. زیرا آنان ۱۲۰۰ سال است که در انتظار امام غائبی هستند که هنوز نیامده است؛ پس تغییر مذهب از تشیع به تسنن آسان‌تر است و شیعه با تکیه هوشمندانه به ولایت فقیه امام خمینی به عنوان راه حل به فقه اهل سنت نزدیک‌تر شده است».



الشرق الاوسط حزب بعث را شیعه کرد!

تیتراول روز ۱۴ تیر روزنامه‌لندنی "الشرق الاوسط" این مطلب را به خوانندگان القاء می‌کند که حزب جنایتکار بعث عراق به وسیله شیعیان اداره می‌شده است!

به گزارش خبرگزاری اهل بیت (ع) - ابنا - روزنامه الشرق الاوسط تیتراول امروز خود را به اعترافاتی اختصاص داده است که اخیراً از «صدام حسین» رییس جمهور سابق عراق منتشر شده است.

در این اعترافات محرمانه که بتازگی از سوی "آرشیو ملی آمریکا" علنی شده است، صدام ادعا کرده که بیشتر اعضای حزب بعث در سال ۱۹۶۳ شیعه بوده‌اند!

به نوشته این روزنامه، وی در ششمین جلسه بازجویی‌اش (۱۶ فوریه ۲۰۰۴) گفته است: «در آن زمان در حزب بعث، تفاوت و تبعیضی بین شیعه و سنی و مسیحی نبود؛ مثلاً "ناظم کزار" معاون من یک شیعه از اهالی "العماره" بود و من حتی تا این اواخر نمی‌دانستم که "طارق عزیز" مسیحی بوده است!!»

وی اضافه کرده است: «از بین اهل سنت، افراد بسیار کمی بین سال‌های ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۳ در کادر رهبری حزب بعث حضور داشتند، در حالی که دبیرکل حزب، یک شیعه از اهالی شهر "ناصریه" بود».

این در حالی است که ضدیت حزب جنایتکار بعث عراق با شیعیان بسیار آشکار است و نیازی به ذکر خاطرات و اعترافات صدام ندارد. این حزب در دوران تاریک حکومت خود بر عراق، گذشته از قتل میلیون‌ها عراقی شیعه و غیرشیعه، دستش به خون ده‌ها تن از علمای درجه اول حوزه علمیه نجف نیز آلوده است؛ که «آیت‌الله العظمی شهید سید محمدباقر صدر»، «آیت‌الله شهید میرزا علی غروی تبریزی» و «آیت‌الله شهید سید محمد محمدصادق صدر» تنها سه نمونه از این علما و مراجع بزرگ شیعه هستند.

با توجه به حقیقت فوق‌الذکر، و نیز سخنان خود صدام - که بر غیرمذهبی بودن اعضای حزبی تأکید داشته است - انتخاب این تیتراول غلط‌انداز و مانور دادن روی مسأله "شیعه بودن" برخی افراد حزب، نشان از ادامه مشی دشمنی و استعماری این روزنامه فرامنطقه‌ای دارد.

ساخت مسجد برای شیعیان فرانکفورت

سنگ بنای مسجدی جدید برای شیعیان آلمان به نام «حضرت فاطمه زهراء (س)» در شهر فرانکفورت نهاده شد.

به گزارش خبرگزاری اهل بیت (ع) - ابنا - شیعیان پاکستانی و ترکیه‌ای مقیم شهر فرانکفورت آلمان، از سال‌ها پیش ساختمانی را برای اقامه نماز اجاره و نمازجمعه و سایر برنامه‌های دینی و مذهبی خود را در آن برگزار می‌کردند.

تا اینکه دو سال قبل موفق شدند با خرید زمینی به مساحت ۱۶۰۰ متر مربع به آرزوی ۳۰ ساله خود برای ساخت یک مسجد جامه عمل بپوشانند. شیعیان ترک و پاکستانی برای این امر کمک‌های مالی شایانی از مردم جمع‌آوری و سپس از دولت آلمان درخواست کردند که اجازه رسمی احداث مسجد را صادر کند.

براساس این گزارش، نئونازی‌های آلمان بعد از اطلاع از این موضوع، با برگزاری راهپیمایی‌ها و فشارهای مطبوعاتی نسبت به ساخت این مسجد بشدت مخالفت کرده و تلاش کردند دولت آلمان را از موافقت با درخواست شیعیان بازدارند، اما عده‌ای از شهروندان میانه‌روی آلمانی با شیعیان همراه شده و به دفاع از حق آنان برای داشتن مسجد، راهپیمایی کردند.

سرانجام دولت آلمان با احداث این مسجد موافقت کرد و شیعیان فرانکفورت در ۱۳ ژوئن (۲۳ خرداد) در سالگرد میلاد حضرت فاطمه زهراء (س) طی مراسمی به یادماندنی آغاز بنای مسجدی به نام آن حضرت را جشن گرفتند.

در این مراسم که نماینده کنسولگری ترکیه، «آقای هان» معاون سروزیر ایالت هاوزن (Hausen)، «خانم نرگس سکندری گرونبرگ» نماینده شهردار فرانکفورت و تعداد کثیری از شیعیان ایرانی، ترک و پاکستانی مقیم آلمان در آن شرکت داشتند، «حجت‌الاسلام والمسلمین رضائی» مدیر مرکز اسلامی و متولی مسجد ایرانیان سنگ بنای این مسجد را بر زمین نهاد.

لازم به ذکر است که شیعیان ترکیه و پاکستانی مقیم آلمان تا کنون حدود ۶۰۰ هزار یورو برای بنای این مسجد مقدس جمع‌آوری و ۳ میلیون یورو نیز از یکی از بانک‌های آلمانی به عنوان وام اخذ کرده‌اند.

چکیده مطالب
این شماره به
زبان عربی

خلاصة مواضيع المجلة

ترجمة: السيد حيدر الحسيني

في عزاء آية الله البهجة – الصفحة ٤ إلى ١١

«آية الله العظمى محمد تقي البهجة» من مراجع التقليد الكبار، والعلماء الأعلام، والعرفاء الكمل، قضى عمره الشريف في سبيل خدمة الإسلام والمسلمين، وقد رحل عن هذه الدنيا قبل مدة قليلة. نطالع في هذا العدد من المجلة مواضيع متنوعة بمناسبة رحيل هذا العالم الرباني.

مهرجان الجائزة الكبرى للمقاومة الإسلامية – الصفحة ١٣

المهرجان الدولي الأول للجائزة الكبرى للمقاومة الإسلامية سيقام هذا العام من قبل المجمع العالمي لأهل البيت (ع) وبمشاركة مؤسسات ثقافية أخرى. وتشتمل فعاليات هذا المهرجان على نشاطات علمية، وأدبية، وفنية، وإعلامية، وينضوي تحت كل واحد من العناوين المتقدمة العديد من الفعاليات الفرعية. ويهدف هذا المهرجان إلى دعم ثقافة المقاومة الإسلامية وتكريم المجاهدين في لبنان وفلسطين.

من الكليني إلى الخميني – الصفحات ١٩ إلى ٢٤

يتزامن صدور هذا العدد من المجلة مع مناسبتين هامتين: الأولى: إقامة مؤتمر تكريم "محمد بن يعقوب الكليني" والثانية: الذكرى العشرون لرحيل "الإمام الخميني". الكليني من أكابر محدثي الشيعة، والخميني من الذين أحيوا الإسلام في العصر الحديث، والفاصلة الزمنية بين هاتين العلمين نحو ١٠٠٠ عام، وقد كان لكل منهما دور عظيم في نشر معارف الإسلام والقرآن وأهل البيت (ع). ونطالع في هذا العدد ملفا خاصا بهذه المناسبة. وفي هذا الملف نقرأ مقتطفات مختارة من المحاضرات والمقالات المقدمة إلى مؤتمر الكليني. وكذلك نقرأ مذكرات خاصة لآخر أيام الإمام الخميني (ره) والتشيع التاريخي لهذا الرجل العظيم.

فتنة الكلباني – الصفحات ٤٤ إلى ٤٩

بينما يقع العالم الإسلامي فريسة لنار الاختلاف والتفرقة والإرهاب، وهو في أمس الحاجة للوحدة والاتفاق، نرى مع شديد الأسف أن الشيخ "عادل الكلباني" إمام الحرم المكي يعلن في مقابلة له مع قناة بي بي سي: الشيعة كفار!

والعجيب في هذا التصريح أمور:

- ١ – المسجد الحرام أقدس مكان للمسلمين، وهو محل وحدتهم.
 - ٢ – ينبغي على إمام الحرم المكي أن يكون قوة لسواه في السعي لتوحيد المسلمين ورص صفوفهم.
 - ٣ – عداة الحكومية الانجليزية وقناة البي بي سي للمسلمين لا يخفى على أحد.
- بملاحظة هذه النقاط نطالع في هذه الصفحات تحليلا لتصريحات الكلباني والفتنة التي أشعلها بكلامه.

أخبار أبنا – الصفحة ٤٥ إلى ٥٥

في هذه الصفحات نطالع عددا من أهم أخبار وكالة أنباء أهل البيت (ع) – أبنا (التابعة للمجمع العالمي لأهل البيت عليهم السلام). وهذه الوكالة تنشط الآن بسبع لغات هي العربية، والانجليزية، والفارسية، والإسبانية، والأردو، والروسية، والألمانية، وتغطي أخبار أتباع مذهب أهل البيت (ع) في مختلف بقاع العالم. وعنوانها الإلكتروني هو: www.abna.ir

مجلہ کے موضوعات کا خلاصہ

ترجمہ: فرحت حسین مہدوی

آیت اللہ بھت کے سوگ میں - صفحہ ۴ تا ۱۱

«آیت اللہ العظمیٰ محمد تقی بھت» مراجع تقلید، بزرگ علمائے کرام اور عرفائے کامل میں سے تھے جنہوں نے اپنی زندگی اسلام اور مسلمین کی خدمت کے لیے وقف کر دی اور حال ہی میں دنیائے فانی کو وداع کہہ کر دار باقی کی طرف کوچ کر گئے۔ مرجع موصوف کی وفات کے سلسلے میں مختلف قسم کے مطالب مجلہ کے موجودہ شمارے میں شامل کئے گئے ہیں۔

اسلامی مزاحمت کا گرینڈ برانز فیسٹیول - صفحہ ۱۲

اس سال عالمی اہل بیت (ع) اسمبلی اور دیگر ثقافتی اداروں کی جانب سے پہلے بین الاقوامی اسلامی مزاحمت گرینڈ برانز فیسٹیول کا اہتمام کیا جارہا ہے۔ یہ فیسٹیول علمی، ادبی، فنی و ہنری اور ابلاغی موضوعات پر مشتمل ہے جبکہ ان موضوعات کے ذیل میں فرعی موضوعات بھی شامل ہونگے۔ اس فیسٹیول کے انعقاد کا مقصد اسلامی مزاحمت و پامردی کو ترویج دینا اور لبنانی و فلسطینی مجاہدین کو خراج تحسین پیش کرنا ہے۔

کلینی سی خمینی تک - صفحہ ۱۹ تا ۴۲

اس وقت جب کہ یہ شمارہ اشاعت کے مرحلے میں ہے ہمیں دو مناسبتوں کا سامنا ہے: اول یہ کہ ان ہی دنوں میں «محمد بن یعقوب کلینی» کی تکریم کے حوالے سے ایک کانگریس منعقد ہو رہی ہے اور دوم یہ کہ ان ہی ایام میں امام خمینی (رہ) کے انتقال کی بیسویں برسی کا اہتمام کیا جا چکا ہے۔ کلینی عظیم شیعہ محدث ہیں جبکہ امام خمینی اسلام کو احیا کرنے والی عظیم شخصیت ہیں۔ ان دو بزرگوں کے درمیان زمانے کے حوالے سے ۱۰۰۰ برس کا فاصلہ حائل ہے اور دونوں نے اسلام، قرآن اور اہل بیت علیہم السلام کی تعلیمات کی اشاعت میں اہم کردار ادا کیا ہے۔

ان دو مناسبتوں سے اس شمارے میں خصوصی ضمیمے کا اضافہ کیا گیا ہے۔ اس خصوصی ضمیمے میں کلینی کانگریس میں پیش کئے گئے مقالات و خطابات کا خلاصہ اور امام خمینی کی حیات مبارکہ کے آخری ایام سے متعلق دلچسپ واقعات کا تذکرہ پیش کیا گیا ہے۔

کلینی کا فتنہ - صفحہ ۴۴ تا ۴۹

اس وقت جبکہ عالم اسلام اختلاف و انتشار او دبشت گردی کی آگ میں حل رہا ہے اور مسلمانوں کو وحدت و یکجہتی کی اشد ضرورت ہے، افسوس کے ساتھ کہنا پڑتا ہے کہ مسجد الحرام کے امام جماعت «شیخ عادل الکلیانی» نے بی بی سی کے ساتھ اپنے انٹرویو میں کہا ہے کہ شیعہ کافر ہیں!

یہ مسئلہ کئی حوالوں سے عجیب اور اہم ہے:

۱. مسجد الحرام، مسلمانوں کا مقدس ترین مقام اور ان کی وحدت کا نقطہ ہے۔
۲. اس مسجد کے امام جماعت کے لئے ضروری ہے کہ دوسروں سے کہیں زیادہ کوشش کرے کہ اس کی باتیں مسلمانوں کی وحدت و یکجہتی کا سبب ہوں۔
۳. مسلمانوں پر برطانوی مظالم اور عالم اسلام کے ساتھ بی سی کی عداوت تمام مسلمانوں کے نزدیک اظہر من الشمس ہے۔

ان مسائل کے پیش نظر، ان صفحات میں کلینی کے انٹرویو اور اس سے اٹھنے والے فتنے پر روشنی ڈالی گئی ہے۔

ابنا کی خبریں - صفحہ ۵۴

ان صفحات پر (عالمی اہل بیت (ع) اسمبلی سی وابستہ) اہل البیت (ع) نیوز ایجنسی - ابنا، کی بعض اہم خبریں پیش کی گئی ہیں۔ یہ خبر ایجنسی فارسی، اردو، انگریزی، عربی، روسی، ہسپانوی اور جرمن زبانوں میں شیعہ عالم کی خبریں نشر کرتی ہے۔
ابنا کا پتہ درج ذیل ہے: www.abna.ir

ABSTRACTOS

Traducido por : Dangelá Yara Latrach

Sobre el luto del Ayatullah Bahyat – Página 4 a las 11

El gran Ayatullah Muhammad Taqui Bahyat, quien hace un tiempo dejó este mundo, era un Maryae Taqlid, un gran sabio y un gnóstico completo, que dedicó toda su iluminada vida al servicio del Islam y de los musulmanes. En este número de la revista son publicados diferentes artículos informativos sobre su muerte.

Festival de premiación a la gran resistencia islámica – página 13

Este año, se llevó a cabo el primer festival internacional de premiación a la gran resistencia islámica, por parte de la Asamblea mundial de Ahlul Bait (a.s.) y otras organizaciones culturales. Este festival incluye las ramas de: Ciencias, literatura, arte y poesía. Cada una de las ramas anteriormente nombradas se componen de diferentes secciones. Este festival se realiza con el fin de proteger y apoyar las publicaciones islámicas y honrar, a través de una elección, a los luchadores libaneses y palestinos.

De Kaliní hasta Jomeini – página 19 hasta la 42

Éste número de la revista, coincide con dos asuntos importantes: El primero, la elección del gran congreso de “Muhammad Bin Yaqub Kaliní” y el segundo, el vigésimo aniversario de la muerte del “Imam Jomeini”. Kaliní fue uno de los grandes y sufridos shiítas y el Imam Jomeini un sobreviviente en el Islam. Entre el tiempo de vida de estas dos personas, hay alrededor de 1000 años de diferencia, pero estas dos grandes personas tenían el ímpetu de propagar el Islam, el Corán y Ahlul Bait (a.s.)

Para estos dos temas se han impreso artículos especiales en este número. En esta edición especial se expondrán una selección de discursos y artículos en el congreso de Kaliní. De esta misma manera se recuerdan sucesos interesantes de los últimos días de la vida del Imam Jomeini (r.a.) También es publicado el histórico funeral de este gran hombre.

Revuelta de Kolbaní – página 44 a la 49

En el momento en el que el mundo islámico se encuentra, en fogosas disputas y terrorismo, hay mucha necesidad de una unanimidad, lamentablemente el “Sheij Al- Kolbaní” el Imam de la comunidad de la mezquita Al-Haram en una entrevista con la BBC declaró: Los shiítas son incrédulos.

Este asunto contiene varios puntos importantes:

- 1.- La mezquita Al-Haram es el lugar más sagrado de los musulmanes y es el lugar de la unidad.
- 2.- El Imam de la comunidad de este lugar, debe esforzarse en aumentar la unidad de los musulmanes frente al resto.
- 3.- Los países opresores como lo es Inglaterra y los enemigos de la BBC son claramente opositores de los musulmanes.

En esta revista se le presta atención a este asunto, en estas páginas se analiza el discurso de Kolbaní y a la revuelta que creó.

ABSTRACTS

Translated by: Sayyid Baqir Husayni

In commemoration of Ayatollah Bahjat, pp.4-11

Ayatollah al-Udma Muhammad –Taqi Bahjat was a grand religious authority, eminent and perfect mystic who spent his life span at the service of Islam and Muslims. He passed away recently. In this issue various subjects are published on the occasion of his death.

Festival of Islamic Resistance Great Award, p.13

The first international festival of Islamic resistance great award was held by the ahl al-Bayt ('a) World Assembly and other cultural institutions. The festival consisted of scholarly, literary, art and media units each of which included various subdivisions. The festival was held to support the dissemination of the Islamic steadfast culture and in commemoration of Lebanese and Palestinian combatants.

From Kulayni to Khumayni, pp.19-42

This issue corresponds to two important occasions: First, holding a seminar in commemoration of Muhammad ibn Yaqub al-Kulayni; second, the twentieth demise anniversary of Imam Khumayni. The former was a grand traditionalist Shi'ah and the latter was a revivalist of Islam; there is about 100 years of gap between the two; both had a great role in the promotion of Islamic teaching, the Qur'an and ahl ul-Bayt ('a). A special issue on these two occasions is published in this magazine. An abstract of lectures and articles of seminar on Kulayni is presented. Likewise, some interesting memories of Imam Khumayni's latest days and his historical funeral service are published.

Kalbani's Sedition, pp.44-49

While Muslim world is burning in the fire of difference, disintegration and terrorism and is in dire need of unity, unfortunately in his interview with BBC, Shaykh Adil al-Kalbani the prayer Imam of Masjid al-Haram said: The Shi'ah are infidels. This issue is wonderful and important from different angles:

- 1- Masjid al-Haram is the holiest site for Muslim and the place of unity for them.
- 2- Such prayer leader should try to unify Muslims.
- 3- Every body is aware of England's oppression and BBC's hostility towards Muslims. Referring to the above mentioned issues, Kalbani's lectures and seditions are examined in these pages.

ABNA News Selections, pp. 54

On this page, as usual, there is a summary of exclusive news of ABNA outlined on www.abna.ir



نظم: علیرضا زهدی جلال
(کارمند اداره حراست مجمع)

ترانه میلاد

این سرو پا و جسم و جان، باشد حمد فدای تو	خاک بحسانان منم، فرشی به زیر پای تو
یاد تمام سینه‌ها، نام فشنگ تو علی	بسته به جان و عمر من، یاد تو و سرمای تو
شکله گلای باغ ما، گر که بسینه اشک تو	تازه شود هر چه گل از خنده دل‌کنای تو
سل فرشتگان بین، چرخ زنده به کرد تو	بوسه زنده به قامت و گونه به جای پای تو
یار رسول و حمدش، بودی تو ای شیر خدا	خفتی به جای خواب او، احسنت بر وفای تو
تولدت نور و سرور، ماتم و غم به هجرت	عشق تمام شیعیان، باشد فخر براسه تو
جود و کرم مرام تو، سخاوت از آن ما	مرحمتی به ما بکن، ما که شدیم کدای تو
من که ملول عیشم، واله و شیدای تو ام	پر می‌زنم دلم برات، کرده دلم حوای تو
قمت او بکن علی، یاد به خدقت «جلال»	بوسه زند مزار تو، سجده کنند خدای تو



کلامی و فلسفی آیت الله العظمی همایش اندیشه‌های سید محمد باقر صدر

حوزه‌های علمیه امروز نیز محتاج شهید صدر هستند.
مقام معلّم رهبری «مد ظله العالی»

بمناسبت سی‌امین سالگرد شهادت مظلومانه نوآور بزرگ و متفکر شهید حضرت آیت الله العظمی سید محمد باقر صدر (ره) و با هدف بازشناسی و تبیین نوآوری‌های فلسفی و کلامی آن شهید معاونت پژوهش مجتمع آموزشی عالی فقه و انجمن علمی - پژوهشی کلام با همکاری گروه علمی فلسفه و کلام مجتمع آموزشی عالی فقه و دیگر نهادهای علمی اقدام به برگزاری همایش «اندیشه‌های کلامی و فلسفی شهید آیت الله العظمی سید محمد باقر صدر (ره)» می‌نماید. از تمامی اسفادان، پژوهشگران و فرهیختگان دعوت می‌شود با ارائه مقاله در محورهای ذیل ما را در دستیابی به آن هدف مهم یاری نمایند.

معرفت‌شناسی

- ۱- منابع و ابزار شناخت از دیدگاه شهید صدر (ره)
- ۲- ارزش معرفت از دیدگاه شهید صدر (ره)
- ۳- مطلق و نسبی بودن شناخت از دیدگاه شهید صدر (ره)
- ۴- نقش نظریه استقرار در تبیین معارف اسلامی
- ۵- آراء نقدی شهید صدر (ره) بر منطق تجربی
- ۶- آراء نقدی شهید صدر (ره) بر منطق ارسطویی
- ۷- آراء نقدی شهید صدر (ره) بر بوزینویسم منطقی
- ۸- تبیین استقرار بر اساس نظریه شهید صدر (ره)
- ۵- رابطه کلام و اخلاق از دیدگاه شهید صدر (ره)
- ۶- دلایل اثبات وجود خدا (دلایل علمی و نقلی از دیدگاه شهید صدر (ره))
- ۷- بداه و آثار آن از دیدگاه شهید صدر (ره)
- ۸- فلسفه نبوت از دیدگاه شهید صدر (ره)
- ۹- مابعد و حی از دیدگاه شهید صدر (ره)
- ۱۰- اثبات نبوت پیامبر خاتم (ص) از دیدگاه شهید صدر (ره)
- ۱۱- فلسفه امامت و ضرورت وجود امام معصوم (ع) از دیدگاه شهید صدر (ره)

فلسفه

- ۱- شهید صدر (ره) و فلسفه دیالکتیک
- ۲- شهید صدر (ره) و فلسفه تاریخ
- ۳- جایگاه علیت در اندیشه شهید صدر (ره)
- ۴- جایگاه انسان در نظام فکری شهید صدر (ره)
- ۵- نوآوری‌های شهید صدر (ره) در فلسفه
- ۶- تبیین آراء شهید صدر (ره) در فلسفه اخلاق (حسن و قبح، عقل عملی و ...)
- ۷- بررسی مقایسه‌ای شهید صدر (ره) و علامه طباطبائی (ره) در حقیقت و اعتبار
- ۱۲- مهدویت از دیدگاه شهید صدر (ره)
- ۱۳- عوامل پیدایش تنوع از دیدگاه شهید صدر (ره)
- ۱۴- نقش‌های متفاوت امام (ع) از دیدگاه شهید صدر (ره)
- ۱۵- نیاز بشر به دین از دیدگاه شهید صدر (ره)
- ۱۶- کارکردهای دین از دیدگاه شهید صدر (ره)
- ۱۷- ثابت و متغیر در دین از دیدگاه شهید صدر (ره)
- ۱۸- رابطه علم و دین از دیدگاه شهید صدر (ره)
- ۱۹- شهید صدر و سکولاریسم
- ۲۰- جامعیت اسلام و نظریه منطقه الفراغ شهید صدر (ره)
- ۲۱- تعارض یا تلازم
- ۲۲- بررسی نظریه‌های توبدید با تکیه بر بنیای شهید صدر (ره) (از قیل بلورالیزم، هرمنوتیک و ...)

کلام

- ۱- مفهوم و رسالت علم کلام از دیدگاه شهید صدر (ره)
- ۲- روش‌شناسی شهید صدر (ره) در مباحث کلامی
- ۳- رابطه کلام و فقه از دیدگاه شهید صدر (ره)
- ۴- تأثیر اندیشه‌های کلامی شهید صدر (ره) بر آراء تفسیری
- ۲۲- مبانی کلامی اندیشه سیاسی شهید صدر (ره)
- ۲۳- تقریب مذاهب اسلامی از دیدگاه شهید صدر (ره)
- ۲۴- فرصت‌ها و چالش‌های انسان معاصر از دیدگاه شهید صدر (ره)

ملاحظات:

- مقاله باید علمی - پژوهشی با نگاه نو به اندیشه‌های کلامی - فلسفی شهید صدر باشد.
- مقاله حد اقل ۷۰ و حد اکثر ۳۰ صفحه ۸۴ باشد.
- مقاله با نرم افزار Word 2003 تایپ شود و CD آن همراه مقاله به دبیر خانه همایش ارسال گردد.
- چکیده مقاله در دو صفحه همراه اصل مقاله ارسال گردد.
- مهلت ارسال مقالات تا تاریخ ۸۸/۶/۳۰ می‌باشد.
- به مقالات برتر علاوه بر چاپ در مجموعه مقالات همایش جوایز ارزنده‌ای اهدا خواهد شد.
- انتخاب موضوع غیر از موضوعات مذکور در فراخوان با مجوز معاونت پژوهش مجتمع آموزش عالی فقه بلا مانع است.

جهت کسب اطلاعات بیشتر به مجتمع آموزش عالی فقه

انجمن کلام مراجعه و یا با تلفن ۷۷۴۶۰۸۶ داخلی ۳۴۳ - ۷۱۸ و ۳۶۷ تماس حاصل نمایید



نخستین جشنواره بین‌المللی جایزه بزرگ مقاومت اسلامی

المهرجان الدولي الأول؛ جائزة المقاومة الإسلامية الكبرى
The First International Big Prize Festival of Islamic Resistance



www.s-q.ir

نشانی دبیرخانه: تهران، بلوار شهید دادمان، ارغوان غربی، شماره ۵۰ ■ اختتامیه: ۲۲ مرداد، سالن اجلاس سران ■ مهلت ارسال آثار تا ۲۱ تیرماه
Secretariat Address: No.50, west arqavan, Dademan St. Tehran. Iran ■ Conclusion: 14 august 2009 ■ Respite of Productions sending: 22 June
محورهای مسابقه: علمی / ادبی (با اهداء سومین دوره جایزه ادبی قدس) / رسانه‌های دیجیتال / هنرهای تجسمی / هنرهای تصویری

شماره تماس: ۰۲۱-۲۲۰۸۸۵۷۱
Call No.: +98 21-22088571
Info@s-q.ir

